# ژوندون

اطلاعات او کلتور

شماره ۳۷

سال ۲۷

پنجشنبه ۱۳ قوس ۱۳۵٤ اول ذیحجه
۱۳۹۵ـ٤ دسامبر ۱۹۷۵
قیمت یك شماره ـ۱۳ـ افغانی

Ketabton.com

ketabton.com - The Digital Library

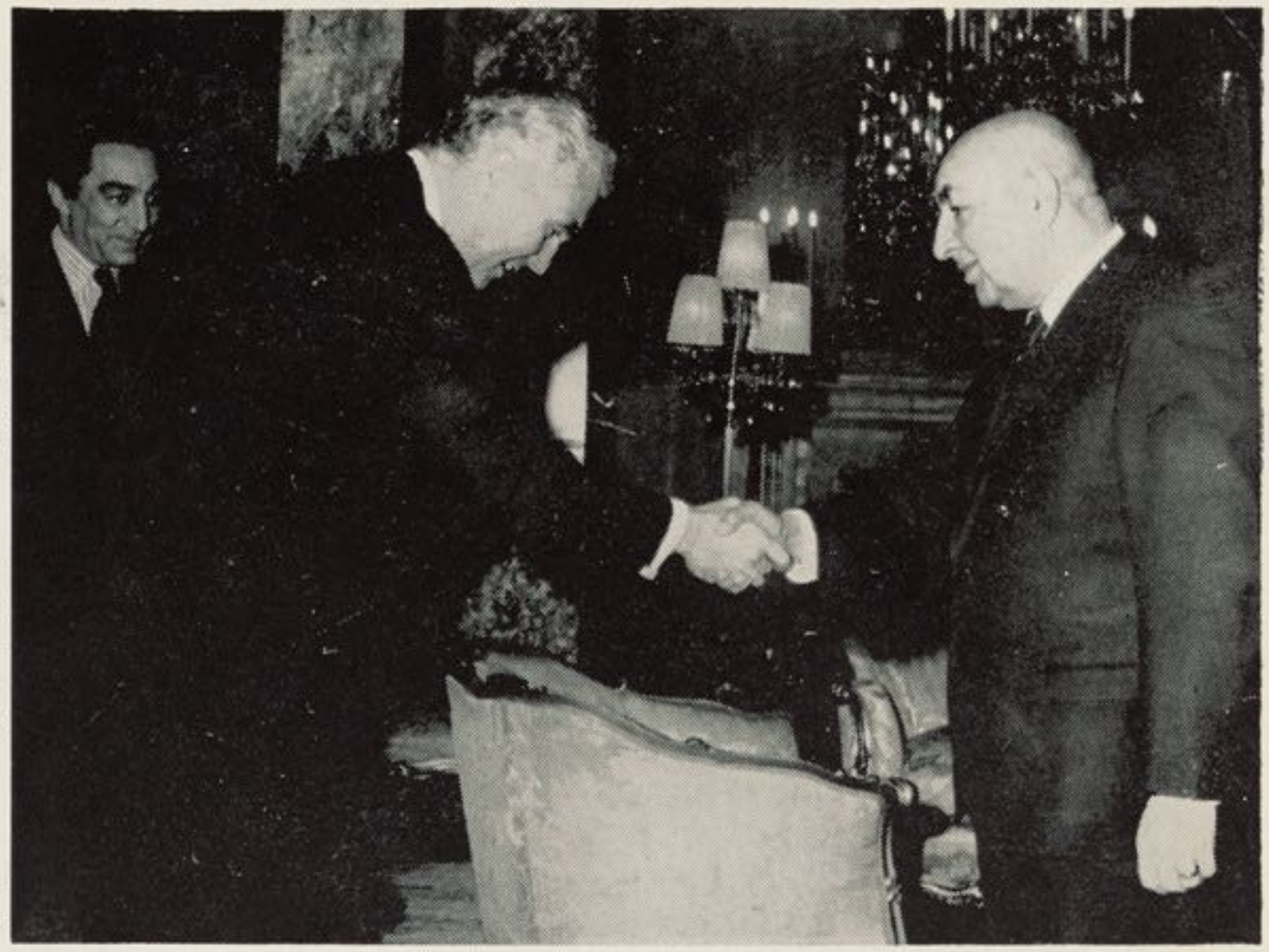

شاغلی رئیس دولت وصدر اعظم‌موقعیکه ـ غیر غیر مقیم ناروی را در افغانستان‌برای تقدیم اعتماد نامه اش در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند

# اختصار وقایع مهم هفته

## در کشور

دفتر ریاست جمهوری خبردادکه بنابردعوت شاغلی محمدداود رئیس دولت و صدراعظم دولت جمهوری افغانستان شاغلی ن.و.پود ـ گورنی صدرهیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در نیمه دوم‌ماه قوس سال‌جاری ازجمهوریت افغانستان بازدید رسمی ودوستانه بعمل خواهد آورد .

• • •

شاغلی نور احمداعتمادی سفیر کبیردولت جمهوری افغانستان درمسکو برای اشتراک درمراسم پذیرائی شاغلی‌نیکولای پودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی بافغانستان دیروزوارد کابل‌گردید.

• • •

باساس پیشنهاد وزارت داخله ،تصویب مجلس عالی وزراو منظوری شاغلی رئیس دولت وصدراعظم ضمیمه نمره نهم اصولنامه پاسپورت درشماره‌فوق العاده‌مورخه ۱۱قوس ۱۳۵٤ جریده رسمی نشرونافذ گردید .

• • •

سیمینار بین المللی مرکز بین المللی تحقیقات پشتوکه یك هفته قبل درکتابخانه پوهنتون کابل دایرشده بود روزشنبه بعداز آنکه درباره تشکیلات اداری، اهداف طرزکار وپروگرام آینده آن تصاویبی از طرفشاملین سیمینار بعمل آمد خاتمه یافت .

• • •

بند آبگردان کانال عمومی‌سیفونهای‌سالنگ وغوربند، کانالهای شرقی و جنوبی همچنان کانال واتریمپ ودستگاه برق پروژه آبیاری پروان بصورت عمومی تکمیل شده وکار های جزیی آنکه باقیمانده تااخیر امسال انجام می گردد .

• • •

سیمینار مدیران مجادله ملاریای مرکز وولایات کشور قبل ازظهر روز یکشنبه در تالار ریاست مجادله ملاریا افتتاح گردید .

• • •

بیش ازهجده هزار تن کودکیمیاوی ازآغاز کمپاین خزانی تاکنون بصورت کریدت ونقده بدسترس زارعان کشور گذاشته شده‌است .

## در خارج

شورای امنیت ملل متحد شب ۷قوس نتوانست درمورد تمدید اقامت نیرو های صلح ملل متحد درجبهٔ جولان تصمیم‌بگیرد.

• • •

هنری کیسنجر وزیرخارجه ایالات متحده بازدرمورد انگولا صحبت کرد. وی در یك کنفرانس مطبوعاتی درواشنگتن نگرانی شدید خودرا ازتوسعه زدوخورد هاو مداخلات‌خارجی درآنجا ابراز نمود .

رهبران نظامی درپرتگال به‌سلسله‌استحکام تسلط خودبراوضاع سیاسی مملکت پس از ناکام شدن اقدام سه شنبه گذشته افسران دست چپی غرض احراز قدرت تصمیمات‌جدیدی گرفته اند .

• • •

درتیمور شرقی‌که تحت تصرف پرتگال میباشد جبهه استقلال طلب فریتلین بیرق آزادی رابصورت یك جانبه به اهتزاز درآورده است .

• • •

درموسسه ملل متحد دیپلومات های‌پرتگال شب شنبه یك راپور رسمی درمورد اوضاع تیمور پرتگالی سرمنشی ملل متحد داکتر والدهایم تسلیم کردند ورسما از ین جامعه جهانی خواسته اند برای پیداشدن راه حل بحران درین قلمرو کمك نماید .

• • •

اضافه ازیك هفته می گذرد که بیست و سومین متارکه درلبنان نتوانست یك آرامش قابل حساب در جنگ های آنکشور رو نما سازد ولی اگرچه اندازه زدوخوردهاروبه‌کاهش میرود شهر بیروت حالت عادی بخود ندارد .

درحالیکه امروز صلاحیت واعتبار موجودیت (۱۲۰۰) عسکر ملل متحد مستقر در جبهه‌جولان پایان می یابد شورای امنیت ازنظر سیاسی بایك رکود کامل مواجه است که چگونه‌اقامت این نیروهارا تمدید کند .

• • •

شورای امنیت ملل متحد تصمیم گرفت جواز اعتبار اقامت نیروهای صلح ملل متحد رادر جبهه جولان برای شش ماه دیگردرست چند ساعت قبل ازآنکه نیمه شب یکشنبه‌مدت قبلی این اقامت پایان یابد تمدید نماید .

• • •

اتحاد شوروی شب دوشنبه برای اولین بار ایالات متحده امریکا وپیمان اتلانتیك شمالی رامتهم ساخت که عملا درجنگ های انگولا دست به مداخله زده وحتی سربازان خود را برای شرکت درین جنگ به افریقای جنوبی فرستاده است .

• • •

طبق اطلاع رادیوبی‌بی‌سی احزاب مخالف حکومت پاکستان شب یکشنبه بار دیگر از ذوالفقار علی بوتو صدراعظم پاکستان تقاضا کردند تافورا استعفاء بدهد زیرا پیپلز پارتی برسراقتدار اکنون کاملا اعتماد خودرا ازدست داده است .

• • •

خدع ساوانك واتانا پادشاه لاؤس وانحلال رژیم سلطنتی در لاؤس دیروز اعلام‌گردید .

رادیوی ویینتیان اعلام‌کردکه شورای ائتلافی سیاسی وحکومت موقتی اتحادملی لاوس نیز منحل گردیده است .

• • •

جرالد فورد رئیس جمهور ایالات متحده امریکا دیروز دومین دور مذاکرات خودرا با رهبران جمهوریت مردم چین در پیکنگ آغاز کرد .

جرالد فورد رئیس جمهور امریکا وتنگ ـ شیاوپنگ نایب اول صدراعظم جمهوریت مردم چین صبح امروز دور دوم مذاکرات رسمی خودرا آغاز کردند .

دیروز جرالد فورد باماوتسی تونگ رهبر ملت چین درخانه اوواقع (ناحیه ممنوعه) شهر پیکنگ ملاقات کرد .

• • •

نمایندگان شانزده کشور مختلف جهان مسوده فیصله نامه‌ای رابه ملل متحد پیش کرده‌اند که درآن تقاضا شده موسسه‌موصوف موافقتنامه‌ای راکه اخیرابین المغرب، موریتانیا وهسپانیه درمورد صحرای غربی حاصل شده نادیده بگیرد .

درین فیصله نامه گفته شده‌که بایدموسسه ملل متحد زمام امورصحرای غربی را بدست گرفته وهم بایدهسپانیه اطمینان بدهد که به مردم این منطقه اجازه خواهد دادتاسرنوشت خودرا بصورت آزادانه خودشان تعیین نمایند.

ژوندون

ketabton.com - The Digital Library

# پیک ژوندون

دولت جمهوری‌حمایت ازصنایع‌ملی،صنایع دستی وهنرهای ملی‌را وظیفه جدی خود میشمارد و سیاست حمایوی از صنایع و تجارت داخلی دربرابر رقابت اموال و سرمایه ها ی خارجی‌درپیش خواهد گرفت.

ازبیانات رئیس دولت وصدراعظم

پنجشنبه ۱۳قوس۱۳۵٤ برابر بااول ذیحجةالحرام ۱۳۹۵ مطابق٤دسامبر۱۹۷۵

## انکشاف صنایع دستی

صنایع دستی در کشورماازسالیان متمادی بدینسو یکی از مشغو لیت عمده واساسی مردم را تشکیل داده ومحصو لات صنا یع دستی چه‌در داخل وخار ج کشور ارزش‌و اهمیت قابل ملاحظه کسب نموده است .

محصولات صنایع دستی در نقاط مختلف کشور بسیار متنو ع بوده‌و تقریبا یکعده زیاد مردم‌به‌این صنعت اشتغا ل دا رند . مخصو صا صنعت قالین بافی در بین زنا نو مردان هنر آفر ین صفحات شمال وغرب کشور بیشتر عمو میت دارد.

بخاطر اهمیت فراوا ن وروز - افزونیکه محصو لات صنا یع دستی کسب نموده است ، این صنعت در تجارت خار جی افغانستا ن مورد توجه شایان‌واهمیت بسیارقرارگرفته است. چنانچه درسال‌های‌اخیرصنایع دستی کشور مادر نما یشگاه های بسیاری ازمما لك عر ضه گردیده‌و شهرت جهانی کسب‌نموده‌است‌ومقادیر زیاد از تو لیدا ت صنا یع‌دستی‌برای فروش به مار کیت های خار جی‌و بین‌المللی عر ضه گر د ید ه است.

تو لیدات صنا یع دستی که محصو ل کار سر انگشتا ن هنر آفرین زنان ومردا ن نقا ط مختلف کشور است دریك چو کا ت خا ص تولیدی محدود نه بوده بلکه نحوه‌و چگونگی تو لیدات آن در بخش های مختلف ، متنو ع است که بطورعمده می توان از صنایع قالین، گلیم - شطرنجی ، صنایع حجا ری ، حکاکی کندن کاری روی سنگ و چوب‌و فلزات ، صنایع پو ست و پوستینچه وده هاصنعت دیگر نا مبرد .

به منظور افزایش سطح تولیدات صنایع دستی. و تو جه به کیفیت این صنایع ایجا ب می نماید تا صنایع دستی در داخل کشورحمایه گردیده و صنعتکارا ن مورد تشویق وحمایت قرار گیر ند.

بنا غلی محمد داود ر ئیس‌دولت وصدراعظم در بیانیه تار یخی‌خطاب بمردم میفر مایند .( دولت‌جمهوری حمایت‌از صنایع ملی ، صنا یع دستی و هنر های ملی را وظیفه جدی خود میشمارد و سیاست حمایوی ر ااز صنایع و تجارت داخلی در برابر رقابت اموال و سرمایه های خار جی در پیش خواهد گر فت) .

بدین اساس دو لت در قسمت رشد وانکشا ف صنایع واز جمله صنایع دستی اخیرا چنین تجو یز نمود تابرای بهتر سا ختن کیفیت تنوع و تز یید حجم محصو لات‌و همچنان توسعه وانکشا ف با زار های داخلی وخارجی موسسه بنام (مر کز انکشا ف صنا یع د ستی افغانستان ) تاسیس گردد .

که با تاسیس این مر کز صنایع دستی در تمام نقاط کشور مطا لعه وسروی گردید ه وبرای‌معر فی وفروش محصو لات صنا یع‌دستی معاونت های بعمل آورد ومحصولات صنایع دستی بیشتر از پیش به خارج معر فی گردید ه‌و هم‌مارکیت های برای شناسا یی ، عر ضه وفروش این اموال جستجو گردد. البته با عملی شدن این مامو ل - محصولات صنا یع دستی در داخل کشور بیشتر تقویه گردید ه و یك تعداد باز هم بیشتر صنعتکا ران بطور وسیع بکار می افتند ، که البته ، بابلند رفتن میزا ن تو لید درحجم صادرا ت و فرو ش‌و معرفی محصو لات دستی ا فزا یش قابل ملاحظه رونما خواهد شد .



## خبر هفته

به منظور بهترساختن کیفیت، تنوع وتزئید حجم محصولات دستی، توسعه وانکشاف بازار های داخلی وخارجی موسسه‌ای بنام (مرکز انکشاف صنایع دستی افغانستان) بعد از تصویب مجلس عالی وزراء ومنظوری شاغلی رئیس دولت وصدراعظم تاسیس گردید .

اساسنامه این موسسه بداخل سی ودوماده درشماره هفدهم جریده رسمی نشر ونافذ گردیده است‌که بموجب آن این مو سسه صنایع دستی رادر تمام نقاط کشور مطالعه وسروی نموده وبغرض معرفی وفروش به خریداران داخلی وخارجی درمحل منا سب عرضه بدارد .

همچنین این مرکزبه آنعده ازتولید کنندگان که محصولات آنهامورد توجه وتقاضای بیشتر بازار های داخلی وخارجی باشد. معاونت‌های فنی وتجارتی لازم راتهیه مینماید .

علاوتا مرکز مذکور می تو اند محصولات دستی رابه نمایندگی ازتجار یابه حساب‌خودش به خارج صادر کند .

قرار است یك امپوریم صنایع دستی در کابل افتتاح گردد .

• • •

دولتاژ په یوسلو لسو کیلو ولتودکابل ، جلال آباددبریښنا دسیستم دیو خای کولوپه مقصد له نغلونه جلال آبادته دبرښنا دلیږدولو دلین دغځولو دسروی او پروژی جوړولوترون پرون له مربوطو شوروی مقاموتو سر ه لاس لیك شو .

ترون پرون ماسپښین په‌ووبجو داوبوا و برښنا دواحد لوی رئیس انجنیر جمعه محمد محمدی اود شوروی اتحاد دلوی سفارت اقتصادی مستشار شاغلی بوریس اناتولیویچ تیتوف لاس لیك کړ .

داوبو بریښنا دواحد یوی منبع وویل : ددغه ترون له مخی دنغلو- جلال آباددبریښنا دلیږدولو سروی اوپروژه جوړول د شوروی اتحاد څه دپاسه یوسلو شپږ څلویشت زره روبلو پورپه لګښت دهغه عیواد ماهران پسه شپږومیاشتو کی بشپړوی اوسندونه یی داوبو اوبریښنا لوی واحد ته سپارل کیږی .

منبع وویل : یوشمیر افغانی پرسونل به هم دنغلو جلال آباد دبریښنا دلیږدولو دمزی په سروی اوپروژی جوړولو کی له شوروی ماهرانو سره ملګرتیا وکړی .

ketabton.com - The Digital Library

# وقایع مهم سیاسی هفته

از : شفیع « راحل »

## نتایج کنفرانس روم

کنفرانس دو روزهٔ سران بازار مشترك ارو پا منعقدهٔ روم که روز چهارشنبه خاتمه یافت اگرچه‌ظاهراً برای بر رسی اوضاع ا قتصا د ی وبحران انرژی دائرشده بود د ر حقیقت تجاویز خیلی مهم در مورد آیندهٔ سیاسی بازار اتخاذ نمود که تاثیرات آن بر آینده ارو پا و جهان خیلی عمیق ووسیع خواهد بود .

ایـــن تجا و یز کـــه در نوع خود بی نظیر واز نظر مفید یـــت وموثریت برای خود ارو پای غربی که امروز قویترین مو سسهٔ حوزوی جهان است شاز بوده وهدف عمده‌آن تامین وحدت بازار مشترك است .

کنفرانس فیصله نمودتاانتخابات مستقیم برای شورای ارو پا در ماه می یا جون (۱۹۷۸) دائـرشود . آن ممالك بازار مشترك که نمی - خواهنـد چنیـن انتخا بـا ت را در خاك‌شان دائر نمایند می توا نـنـد اعضای شو رای ملی آ نو قت‌را به شورای ارو پا تعیین کنند. با ین ترتیب برای اولین مر تبه در تاریخ اروپا انتخابات عمومی برای شورای اروپا منعقد میشود . این شورا که صلاحیت کافی را درلوائح وقوانینی را به تصویب خواهد رسانید کـــه باعث تشئید وحدت ارو پای غربی تاسال (۱۹۸۰) گردد .

حدس زده میشود که دنمارك و برتانیه آرزو ندارند انتخابات‌عمومی را برای شورای ارو پا دائر نمایند این دو مملکت معتقد است‌که فاصلهٔ دوسال‌برای انعقادچنین‌یك‌انتخابات زود است .

**تجاویز دیگر :**

کنفرانس روم همچنین تجا ویز مهم دیگر را اتخاذ نمود :

• یك پاسپورت واحدبرای تمام ملیت های بازار مشترك ارو پا از آغاز (۱۹۷۸) تو زیع خوا هد شد. باینتر تیب پاسپورت های مـــلـــل مختلف بازار از بین میرود وو حدت ملیت در بازار مشترك بسوی‌تشئید بجریان انداخته میشود .

• بودجهٔ واحد برای بازارمشترك طرح میگردد بودجهٔ سال آیندهٔ‌بازار مشترك (۹۲۰۰) ملیون دالر تثبیت شده ا ما این رقم با مقا یسه بـــا بودجه های ملی هر یك از اعضای بازار نا چیز است شاید تا سا ل (۱۹۸۰) که برای و حدت کا مـــل اروپای غربی تعیین گردیده ا یـــن رقم چندین مر تبه بلند برده‌شود .

• به صدراعظم بلجیم(لیوتیندی مان) وظیفه داده‌شد تا راپورمکملی در مورد و حدت اروپا ( غـر بی ) تهیه نموده و قبل از اختتام سا ل جاری به شورای بازار مشترك‌تقدیم نماید.

• درمورد پالیسی‌عمومی‌اقتصادی واجتماعی کنفرانس روم فیصله کرد تااعضای بازار مشترك این پا لیسی های شانرا هم آهنگ نماید تـــا برای پنج ملیون کار گر بیکار د ر حوزهٔ بازار کار پیدا شود .

• کنفرانس روم فیصله کرد تا وزرای داخلهٔ بازار مشترك باز هم تشکیل جلسه داده و پرابلمهـــای امنیت را در داخل یك اروپای غربی متحد ارزیابی نمایند .

**آینده :**

کنفرانس روم عملا نشان دادکه مذاکرات سران‌بازار مشترك صرف جنبهٔ اقتصادی ندارد و وعده های گذشته برای تشکیل یك‌دولت واحد متشکل از فرانسه ، بر تـا نیه ، آلمان غربی ، ایتالیا ، آ یر لند ، دنمارك، بلجیم،هالندولوگسمبورگ در اروپای غربی کم‌کم و مطا بـــق پروگرام مجوزهٔ قبلی مورد تطبیـــق قرار داده میشود .

البته تامین و حدت حقیقی وکامل بین این ممالك که دارای ز بانهای مختلـف کلتـــور ها ی مختلـــف تاریـخ مختلف و نـژ اد هـــا ی مختلف می‌باشد در آن واحد ممکن ومیسر نیست و چندین‌نسل بکار است تا دراثر آ میزش و سا زش بتواند این اختلافات را محو نماید بازهم از نقطهٔ نظر سیاسی ونظامی امر واضح است که یك‌دولت‌بزرگ اروپای غربی در حال تکامل است.

ز مانیکه این دو لت تا سیس شود و آنها ( که فعلا اعضای نا تو اند ) تحت یك بیرق قرار گیرنـد امر مسلم است که قارهٔ اروپا بـه سه گروپ تقسیم خـواهـد شد . اروپای شرقی ، اروپای غر بی و ممالك بیطرف در اروپای مر کز ی وشمالی .

باتاسیس دو لت ارو پای غربی سر نوشت بعضی ممالك د یـــگر ( پر تگال و هسپانیه ) نیز مو رد سوال قرار خوا هد گر فت. امکا ن دارد این دو مملکت نیز شامل‌بازار مشترك گردند . (انجام)

ketabton.com - The Digital Library

# پیام بخوانندگان

همهٔ ماوشما اولاداین کشور وهمین خـــاك هستیم وهمه ماازواقعاتیکه در خـــاك ماگذشته واقف می باشیم ومیدانیم‌که ازانقلاب کشورما یکسال وچندماهی بیشتر نمی گذرد .

وظیفه خودمی دانم‌که اول ازهمه ازاستقبال گرم وصمیمانه ای که تمام مـردم افغانستان نسبت به نظام جمهوری خودابراز داشته انـد ازصمیم قلب ازطرف خود ورفقای خود تشکر نمایم .

برادران عزیز !

چرادر کشور ماانقلاب شد البته هیچ چیز بی سبب وبی دلیل نبوده است . دلایل آن به هرفرد افغان معلوم است . که عبارت از فساد اداری وبی عدالتی های اجتماعی و دیگر بدبختی هابوده است .

برای مردمانیکه وطن خود رادوست داشتند ووطن پرست بودند غیراز این راهی نبود که یك حرکت انقلابی انجام دهندوتحولی رابمیان آرند .

هموطنان گرامی ! شما یقین داشته باشید که این تحول روی کدام غرضی بوجود نیامده است . انقلاب مافقط یك هدف دارد وهدفش افغانستان آباد وافغانستان باشرف می باشد من بشما واضح میگویم که مابرای یك طبقه خاص خدمت نمی کنیم بلکه منظور ما خدمت به همه مردم کشور میباشد .

خواهران وبرادران عزیز !

یقین داشته باشید طوریکه اردوی فداکـار شمادر بوجود آوردن نظام جمهوری وانقلاب در افغانستان سهم فعال داشتند بعداز این نیز درراه تحقق اهداف وارمان های ملی ودفـاع کشور وظیفهٔ خودرا صادقانه انجام میدهند .

صفحه ٥

## درین شماره


| | | |
|---|---|---|
| گذارش خبرنویسان جهان | ص ٦ | ترجمه: میرحسام‌الدین‌برومند |
| شناور دربرابر یك شعبده باز خارجی | ص ٨ | راپوراز : بلیکاء |
| چهره‌های پرتبوغ درآسمان هنر | ص ١٠ | ترجمه : رهپو |
| پیرایت | ص ١٣ | راپوراز: زهاب نوری |
| تازه ترین جمهوریت براعظم‌افریقا. | ص ١٤ | ترجمه : عزیزگوه گدا |
| پرتوچنداز زندگانی استاد خیرمحمد | ص ١٧ | بقلم : عنایت الله |
| هنردر لابلای قرنها | ص ١٨ | تتبع ونگارش از: حامدنوید |
| تاثیرواقعیت های محیطی | ص ٢٥ | نوشته : راحله راسخ |
| نظریه جدید درباره کائنات | ص ٢٤ | ترجمه : دکتورجیلانی فرهمند |
| کدام مسك ؟ | ص ٢٠ | گفتگواز : ر، اشعه |
| برق ازسنگها، باد، بحر وآفتاب | ص ٢٧ | نگارش وترجمه : رونده |
| ماجرای یك شادی | ص ٣٠ | ترجمه : رز |
| طفل ومادر | ص ٣٤ | ترجمه: میرجمال‌الدین فخری |
| زن مقلد | ص ٤٨ | نوشته : جلال نورانی |
| زبان آریایی | ص ٦٢ | نوشته نیلاب رحیمی |


شرح روی جلد رالطفا در صفحه ٢٠مطالعه‌نمائید .

ketab.com - The Digital Library

# گزارش خبرنویسان

## جك فورد عاشق یک نامه نگار شده است

جك فورد و بیاسا جاگر

(بحث) نشریه است که در یکی ازشهر های اضلاع متحده ا مریکا به‌چاپ میرسید محتوای این‌نشریه رابحث ها ومقالات اختصا صی تشکیل مید هد .

« هنری فارمول» مدیر مسؤو ل نشریه خواست با (جك فور د) پسر وسطی بریز یدنت فورد مباحثه ای‌نموده و آنرا درنشریه ( بحث) انتشار دهد بدین ملحو ظ( بیاسا جاگر) دختر زیبا ی رولینگ‌یوسس میك جاگرراگماشت .

جك فورد وقتی با دختری با آن زیبایی روبرو شد مهر سکو ت‌بر لب زدو«بیاسا» نتوانست برا ی نشریه مطلب تهیه کند شام آنروز جك فو رد به اتاق خود رفت،ـ اتاقش بنظر اویك زندان بود ویاهم خانه بی همه چیز. خانه بی « بیاسا» زیرا «بیاسا» کسی جز همان دختر افسونگر وفریبا که دریکی‌ازپارتی هاحاضر شده بود با او بر قصد تبود.

بیقین بااین ملاقا ت مجدد جك فورد عاشق وفریفته «بیاسا» نا مه ـ نگار خوش قلب وخو ش صحبت میشود و مسلما آینده برای آنها سرنوشتی خواهد سا خت .

## مشاجره بر موضوع تدفین یک جسد

گرو هی پس از تد فین ژوزفین باکر ردر گورستان پروتستانت ها .

ـاین شش ماه است که‌ژوزفین باکر در پاریس بدرو د حیات گفتـه ولی جای بس تعجب است که جسد اش را اکنو ن بخا ك می سپارند. علت تاخیر ، منا قشه بر سـر موضوع تعیین جای برای تد فیـن جسد بین کاتو لیك ها وپروتستانت هابود و جلسه های متعدد ی پیرهم درینمورد دایر میشد و لی هیچکدام به‌نتیجه دلخواه نمیر سید ند .

نزدیکترین دوست ژو ز فین با کر ملکه ( گراسیا پا تریسنا ) در خلال این‌جلسا ت‌فر صت‌یافت تا ازسنگ گرانیت یك لو حه سنگ سیـاه قشنگ که جز عنعنـات افریقا یـی هاست بسازد زیرا (ژ وز فیـن باکر) این آواز خوا ن حنجـره طلایی به وینوس سیاه مشهور بودبقول عده از خبر نو یسا ن علت عمده ایکه ژوز فین را تا اینمدت دفن نکردند اینبودکه سنگتر اشان آنچانیکه «گراسیا پاتریسنا » توقع‌داشت سنگ قبر ژوز فین را تهیه نتوانسته بودند و لی مسلما ا یـن‌ادعا بی اساس است زیرا اینکاربعد ازتدفین هم انجام پذیر بود . سر انجام پس از شش ماه ژوز فین باکر را از قبر مو قتی در یکی از گور ستانهای که مرد گا ن پروتسا نتها آنجا مد فو ن است دفـن کردند ، ملکه « گراسیا» بحدی‌به این آواز خوان معرو ف باز یگر کلاسیك تیاتر علاقمند بو دکه پس‌ازمر گش حاضر شد تمام اولاد هایی را که ژوز فین بقر زند ی گر فته بـود مواظبت کندچه ژوز فین چهار بـار شوهر کرد ولی از هیچکدام‌صاحب فرزندانی‌نشد.

نمای قبر «ژورفین باکر »

ژوندون

ketabton.com - The Digital Library

# از سراسر جهان

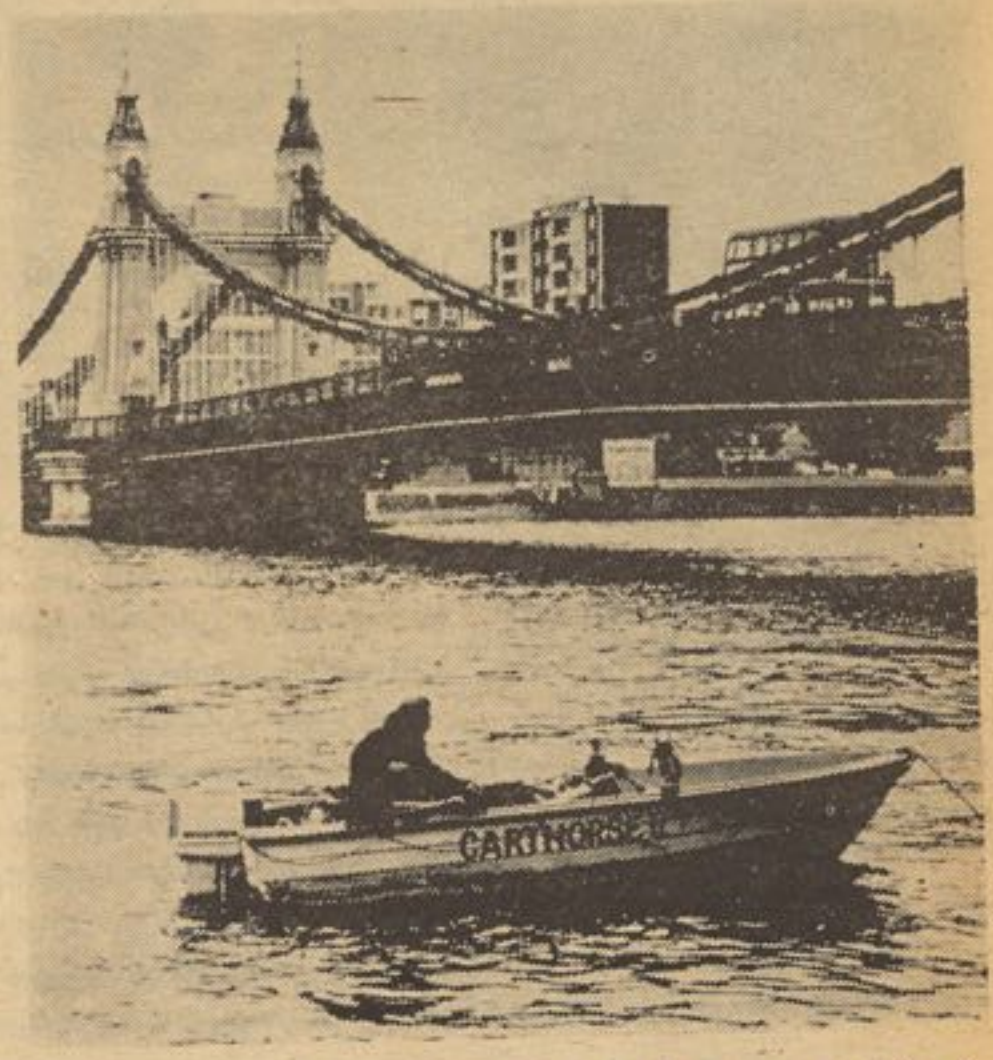

کن‌ویلز مرد ٤٦ سا له کـــه‌وسایل سهو لت رابرای مسافرین بحری و اها لی انگلستا ن فرا هم ساخته.

## دوماه‌پاسبانی‌دربحر تینمری

ـکن ویلز میرو ٤٦ سا له کـــه اصلا از لندن می باشد روزانـــه هشت ساعت تمام در حالیکه پیهم پاپیش داروشن و کنار لب مـــی گذارد وبا امواج خروشا ن بحـــر (تینمری) که از بزر گترین ابحـار انگلستان بحساب می‌آید دست‌وپنجه نرم میکندواز کناری به‌کناری‌قایقش را میکشاند ، در مقابل پـا دا شی که هفته وار ازین مدر ك بدست می آور د پنجصد مار ك است .

ـکن و یلز با قایقی که تو سط انگلیس هاسا خته شده د ر ســت ٢٤ماه میشو د که این و ظیفـــه سنگین را عهده دار شده و هدفش ازانجام این کار طا قت فرساایـنست تامنحیث یك پاسبا ن ورزیده در لحظاتی که خطری یکی از معماران ویامسکو نین پل بزر گی که‌ساحل دوطرف بحر رابا هم وصل ساخته، تحدید می نماید جلو گیری بعمـل آورد. د رروی این پل عظیم‌عمارات ومنازل قدیمی هنوز هم پابرجاست واز چندیست که عده کثیری‌مصروف ترمیم عمارات آن اند در ابتداءاین بحر روزانه شا هد قر بانی های بیشما ری بود و لی از لحظا تیکه کن‌ویلز مامور مرا قبت اینکـــار گردیده تااکنو ن چنین حاد ثـــه دست نداده واگر احیانا نفر ی‌در بحرسرا زیر میشود . ناجـــی اوکسی جز کن ویلز نمی با شـد ، معماران‌و صنعتگرانی که ا کنـون مصرو ف کار در بالا ی این پل اند معتقدند که اگر هفته (١٠٠٠) ما رك به‌کن ویلز هم بد هند جا دارد زیرا تنها مراقبت چرا غها ی این پـــل عظیم رادونفر بعهده دارد از جانب دیگر چون این بحر به بحر منجمد شمالی منتهی میشود و همه کشتی های‌باربری از طر یق همین بحـر (تینمری) به لندن میرسنـد دا رای هوای بی نهایت سرد و کشتـــده است.

درینمورد هیلمو ت شمیـــت به‌خبر نگاری گفت : دو لـــت انگلستان با گما شتن این مرد بـا اراده این جرئت را به تجارومسافرین بحری داد تابدو ن احسا س خطرو نگرانی از طریق این بحر به لندن مسافرت نمایند، این تجو یز ارتباط ممالکی راکه از طریق این بحـــر اموال تجار تی شانـــرا بـــه لندن میرسا نند روز بروز مستحکم تروپایدار تر میسازد ، از طر فی‌هم انگلیس ها می توا نند در دل‌ا ین اوقیانوس راه یا فته و افتخـــار بزرگی راکما یی نمایند . ضمـــن انتشار آخرین اخبار به بریتانیایی هاگفته شده تا از طریق این بحر سفر های تجار تی شا نرا اعیـار سازند.

## موثر ترین‌طریقه‌تشخیص‌امراض

ـاز دیرز ما نیست که در جهان‌طبابت به منظور تشخیص امراض اشعه ایکس استفاده به عمل مـی آرند ولی اخیرا به عو ض عکاسی بااشعه ایکس از یك کمپیو تر کارمیگیرند ، کمپیو تر را طوری‌ساخته اندکه تشخیص مر ض را ساده‌تروسهل تر می سازد این اله( ا یمی) نام داشته و دکتور معا لج‌بااستفاده‌ازآن میتواند حصص مختلفه وجود رامطالعه و بررسی کند . ایـــن اختراع بزرگ امید وار ی بیشتری . برای مریضا نی که تاکنو ن مرض شان تشخیص داده نشده می باشـد چنانچه در شیشه کمپیو تر ، قلب مریضی رامی بینید و دکتور بـلا درنگ نوعیت مرض واینکه تکلیـف مریض ناشی از چیست می توا ند بفهمد.

ـقرار است در آخر ین ماه‌سال (١٩٧٥) این کمپیو تر در کلینیك هاوشفا خانه های آلما ن، انگلندو اضلاع متحده امریکا تحت ا ستفاده قرار بگیرد .

حصه ای از بدن یك مر یضـــ که قلب رادرشیشه‌کمپیوترمخصوص وکاملا جدید نشان میدهد

## بخاطر خوشنودی‌معشوق

ـالکسند رو س اند رادیـــز میلیو نر معرو ف قبل از آ نکـــه عاشق گر یستا ن انا سیس شودو دل در گروش بگذ ارد عا شق‌موتر ومخصو صا عاشق مو تر ها ییکه دارای مود ل کهنه می بود، بود وبه اساس همین عشق و دلبستگی‌که به‌موتر داشت ما لك هفت مو تراز نوع ( روز رایس ) که مودل آ ن از ١٩٢٠ الی ١٩٣٨ میرسید بـودو همچنان شخصا بحیث ر نیـــس فابریکه مو ترسا زی خود ش‌ایفای وظیفه میکرد .

الکسندر و س خوا ست یـــك مسابقه مو تر دوانی را رو یدست .

بقیه در صفحه ٥٩

ketab.com - The Digital Library

# شناور در برابر یک شعبده باز خارجی

. . .

## عملیات شعبده بازی المانی بیشتر مربوط ایلوزیون و عملیات شناور فکیریزم بود

شام سه شنبه ٤ قوس شناور شعبده باز مشهور شهر ماودوتن ازشعبده بازان آلمانی درجمنازیوم لیسه امانی، دربرابر چشمان حیرت زده ودرعین‌حال‌تحسین آمیزجمع کثیری ازتماشاچیان عملیات شگرف وتعجب آفرین اجرا کردند . کارهای محمدعلی شناور بیشتر مردم رابه تعجب وحیرت واداشت . کار ها و بازی هاییکه نه‌تردستی‌بودونه چالاکی‌دست، بلکه عملیاتی بودکه خارج ازجهان عینی‌ودید تماشاچی است ،ذهن تماشا چی بایست آنرا بپذیرد چون باچشمان بازآنهمه هنرنمایی رامی بیند وقبول میکند .

آنشب بطور بی سابقه مردم برای تماشای عملیات شناور وآندو شعبده باز آلمانی آمده بودند. بطوریکه همان فضای نسبتا وسیع جمنازیوم برای تماشاچی کوچك بود همه بپا استاده بودند وبادلگرمی انتظار آمدن شعبده بازان رامیکشیدند.

نخست (انکو فونو یلکی) شعبده‌بازآلمانی وهمکارش روی سن آمد وباکف زدن های ممتد حاضران روبرو گشت . وسایل برای دوشعبده باز آلمانی آماده بود .

بناغلی (انکو فونو یلکی) درحالیکه همه انتظار هنرنمایی اورا میکشیدند، چند پارچه ازعملیات شعبده بازی اجرا کرد که نشانه تردستی وسرعت عمل او را در (ایلوزیون) نشان میداد.

پارچه را که «انکو فونو یلکی» با خانم همکارش عرضه کرد بلعیدن چند تیغ ریش، شکستاندن ساعت و بشکل اصلی در آوردن آن،وازبین بردن‌یك نوت هزار افغانیگی بود. همچنان با قطعه ودستمال وچتری این دوشعبده باز نمایشاتی اجراکردند که خالی ازدلچسپی نبود .

بعدنوبت به بناغلی محمد علی شناوررسید. او یگانه‌کسیست که‌درزشته «فکیریزم»«ایلوزیون» و(تلیپاتی) درافغانستان سررشته ومعلومات دارد ودربخش فکیریزم خوب وارد است .

محمد علی شناور حین اجرای نمایشات تلیپاتی در جمنازیوم لیسه امانی.

ژوندون

ketabton.com - The Digital Library

مجید علی شناور نفر دوم سمت چپ با دو شعبده باز المانی

شناور بالباس محلی بادوتن از همکارانش روی سن آمد وبا استقبال گرم وپرشور تماشاچیان مواجه . تماشا چیان که انتظار داشتند هنرنمایی های شناوربرآندوشعبده باز آلمانی بچربد. وشناور باعملیات که انجام داد تماشاچی راراضی ساخت وقناعت آنهارا فراهم آورد .

نخستین عملیات شناور خوابانیدن یکی از همکارانش بود بروی تیغه های متعدد وبران . این صحنه حاضرین را به دلهره و اضطراب انداخت وهمه ازجاهایشان نیم خیز شدند. شناور بالای سینه همکارش برآمد وفشار آورد . بطوریکه گمان میرفت تیغه های بران دربدن همکارش فرودرودولی لحظهٔ بعد شناور همکارش رابلند کرد وپارچه سنگ بزرگ را بالای سینه اوبایکت بزرگ شکستاند .

بعدمقداری تیغ ریش رابلعید وبجای آ ن مقدار سوزن ازدهان خود فروکشید که همه این عملیات شناور حاضران را به تعجب وتحسین واداشت .

پس ازختم نمایشات شعبده بازی خبرنگار ژوندون مصاحبه باینباغلی ... وخانم انجام داده که خدمت خوانندگان تقدیم میشود .

بناغلی الکوفونویلکی ۳۲ سال عمردارد اصلا داکترطب‌است از۱۷ سال‌بدینطرف شعبده‌بازی میکنند واین بار دوم است‌که به افغانستان مسافرت‌میکند سفر اولش‌راسه سال‌قبل‌انجام داده بود . اودربسیاری از کشور های آسیا، افریقا، امریکای لاتین وشمالی واکثر کشو ر های اروپایی مسافرت نموده وحالاهم عزم مسافرت راتاآخرین قسمت جنوب شر قی آسیادارد. درمسافرت اولش تنها بود ولی‌حالا دونفر هستند یعنی یك خانم ۲۹ ساله هم بااوهمراه است البته اشتباه نباید کرد زیرا این خانم خانم این شعبده باز نیست ولی آرزوی‌ازدواج رادر آینده بدل میپرورانند.خانم شعبده باز اهل شهر برلین است و شغل معلمی دارد از ٦سال بدینطرف باعلاقهٔ که به (یلکی) دارد و هم چون استعدادخویش را درین کار دیده دست به‌شعبده بازی زده‌و دست همکاری را به( یلکی) داده است .

شعبده بازژن‌اولین مسافرتش‌به افغانستان است ولی او نیزمانند یلکی ازبسیاری‌کشور عادیدن کرده است .

وقتی ازخانم یلکی درمورد زندگی‌اش‌بیشتر طالب معلومات شدم بمن گفت که : من اصلا زندگی‌ساده دارم اوتذکردادکه هرگاه ازیلکی جداشوم بازهم به شعبده بازی ادامه خواهم داد زیرا استعداد آنرادارم ولی اگر در کنار فونویلکی باشم خیلی عالی‌وخوش آیندااست. اواززندگی خویش خیلی راضی وهمهٔ موفقیت های خویش رامرهون همکاری ورهنمایی های (یلکی) میداند .

(فونویلکی) اززندگی خویش منحیث‌طبیب و شعبده باز صحبت کردوگفت :

ـ ازآن جائیکه علم طب بااین هنر یك ارتباط مستقیم وهمیشگی دارد مرابه این جهان گشانیده وذوق واستعدادم مرا تا این او، اولین باریکه کارخویش راآغاز کرده یعنی به این هنرعلاقه گرفته زمانی رایادآور شدکه درکوه های سویس مصروف بازی سکی بود وشبانه وقتی بخاطر استراحت درکلبه‌ای میرفت درآن چاکتابی بدستش می افتد که مربوط صدهاسال قبل است ودرمورد شعبده بازی چیزهای دارد که(فونویلکی) به‌آن‌علاقه گرفته وآهسته آهسته به تمرینات آن‌پرداخت تاآنکه موفق به عمل شد وپاپشت کاری که داشت درموفقیت رابازگرد وپله های پیروزی رایکی پی دیگر بالارفت تابه این مقام رسید.

اوبه مسافرت هاپرداخت وبا استادان فن در تماس شد وشعبده بازان ماهرجهان راازنزدیك ملاقات کردبراندوخته های خود افزود تاآنکه مسلك خویش راشعبده بازی ساخت واز طب دست برداشت اوهمه ساله به یکی دومسافرت طولانی دست می زند وهنر خویش رابجهانیان عرضه میکند .

از( او) پرسیدم که شعبده بازی‌که رسته های مختلفی دارد توبکدام یك قدرت وتوانایی داری ؟ بجواب گفت :

(ایلوزیون) که بفارشی میشود آنراتردستی یاچالاکی دست نامید وتنها در همین رشته دسترسی دارم زیرااز یکطرف دراروپا استادان فن درین رشته زیاد هستند واز جانبی مردم اروپااین رشته شعبده بازی را نسبت به سایر رشته هامثل فکبریزم ـ تیلوپتی وغیره کمترخوش دارند .

مردم اروپا امروز شعبده بازی را منحیث وسیله گذراندن وقت وسرور و شادمانی تماشایی کنند نه بخاطر چیز دیگر امروز مردمان اروپا همه مصروف هستند آنها آرزو دارند چند لحظه راخوش بگذرانند تا خستگی های دوران کارشانرا رفع نموده باشند ازینرو چنبه های خنده رادرایلوزیون میتوان مشاهده کرد درحالیکه فکبریزم یامقاومت جسمانی حرکاتی دارد که براعصاب تاثیر وارد می کند روی این ملحوظ مردم حاضر نمیشوند چند لحظه تفریح خودرا باهیجانات روحی سپری نمایند پس نتیجه چنین میشود که فکبریزم دراروپا بازار ندارد وجای ایلوزیون راگرفته نمی تواند .

(فونویلکی)خوبترین وقویترین شعبده بازی راکه تاحال دیده درکشور هالیند ومجارستان است واز مرتاض های هندی وبعضا حرکات شعبده بازان اندونیزیا نیز به توصیف یادآور شده وشناور راباوجود آنکه کمتر دیده خیلی به خوبی یاد میکند ومیگوید: که چند حرکت راازونیز آموخته است .

یکی از شعبده بازان المانی در حال‌اجرای عملیات ایلویزیون .

ketab.com - The Digital Library

فردریکاوان ستاد

ایوژن فدور

ترجمه : رهبو

# چهره‌های پر نبوغ در آسمان هنر

## ایالات متحده می درخشد

انفجاری ازچهره های پرنبوغ جـــوان ، دگرگونی های‌درونی ونهادی درعالم هنرامریکا که‌تاکنون درتاریخ اینکشور سابقه نداشتـــه است، بوجود می‌آورد .

جوانان پر استعداد وسرشار از نبوغ‌هنری، که هنوز بتازگی سال های ۲۰و۳۰ عمر شان راپشت سرمی گذرانند، الرخودرا در ساحه های مختلف هنری از موسیقی کلاسیك گرفته تاادبیات ودرامه بجای گذارده اند .

گروهی چون اندری وات پیانـــونـــواز ، سوزان فارول بالرین شناخته شده اند ولـی برخی هنوز ناشناس مانده‌اند .

برخی ازآنها چارچوب هنری گذشته را در هم شکسته اند .

به صورت مثال میچل تلسون‌توماس رهبر آرکستر سعی می‌کند تافاصله بین تماشاگر، شنونده واعضای آرکستر رادر خارج سالـون موسیقی ازبین ببرد.

تقریبا همه‌ای شان به نسلی متعلق‌اندکه به صورت بدیحیث معتاد، عصیانگر وپیروان موسیقی راك معرفی شده اند .

آنان امروز درزمره نابغه های خلاق بشمار رفته باکار سخت وپر علاقه شان برای میلیون هامردوزن درکشورو خارج شادی و ســـرور می‌آورند .

سوزان فارول

**بازار فرهنگ :**

پشتوانه این انفجار خلاقه هنری انـــرژی پرتوآن بازار گسترده فرهنگ وجود دارد که پس ازسال های بعداز جنـــگ عمومی دوم گسترش بیشتر یافته است .

حکومت ایالات متحده اکنون سالانـه ۱۵۰ میلیون دالر- رقمی‌که‌درگذشته‌حتی‌فکرنمیشد- دراین بازار خرج می‌کند ورقم‌آن هرروزبیش ازپیش افزایش می‌یابد.

مطالعه ای نشان میدهد که نصف مـــردم امریکا به ساحه های هنری چون تیاتر ، بالت وموزیم علاقه دارند . وجوانان بین سن ۲۱تا ۳٤ رقم بزرگ رامی سازند . فقط ۱۸ فیصد گروه سنی یاد شده دراین ساحه ها عـلاقـه نمی گیرند .

اکنون بیش از۹۰۰ هزار شاگرد درساحـه هنرمصروف اندکه این رقم افزایش سه چند راطی دودهه اخیر نشان میدهد.

گنتر شللر رئیس مکتب موسیقی کانسر - واتوری نیو انگلته می گوید که :

(درسال های ٤۰ فقط عده‌کم آرکسترا ی امریکا قدرت داشتند تاآهنگ (آیین بهار)اثر ایگور استراوینسکی راینوازند ولی امروز حتی انسامبل های شاگردان این کار رامی‌توانند.)

**گسترش :**

برای تحرك جریان گسترش وایجاد مناطق هنری درسراسر کشور سعی بعمل آمده است زیرا درگذشته این‌کار به شدت در نیویارك تمرکز یافته بود. روی همین دلیل اهمیـــت برادوی روز بروز کمتر شده وتماشاخانه های ایالتی رونق می گیرد .

مارپلن ستسایو نقا د معروف مجله کیـو می گوید : (نمایش نامه نویسان جوان سعی می‌کنند که صدای ملی بیابند. آنان دیگر به نمایش نامه های بین المللی روی نمی آورند. واین خودنشان میدهد که مادر آستانه یـــك عصر طلایی تیاتر قرار داریم .)

درزیر این چهره هامعرفی میشود :

**میچل تلسن توماس یاتوسکانی جدید :**

میچل توماس یکی ازامیدوار کننده ترین چهره هنرمند جوان امریکاست که بتازگی پای به سن ۳۰ سالگی گذارده است .

اوقریحه سرشاری در هنر موسیقی داشته ورهبر آرکسترای فلارمونیك بفالو، رهبر جهان سمفونی بوستو ن و دایرکتر فلارمونیـــك نیویارك می باشد .

عده‌ای از منقدین اورا با آرتوروتوسکانی که اورایکی از بزرگترین رهبران آرکسترای زمان خودش بحساب می آورنـــد ، مقایسه می کنند .

نبوغ توماس زمانی درخشیدکه در ســـال ۱۹٦۹ ، ویلیام شتانبرگ که سمفونی‌بوستون رادر سالون فیلارمونیك نیویارك اداره میکرد مریض شد وکنسرت را ادامه نتوانســـت . درآنموقع اوبجای شتانبرگ آرکستر رارهبری کرد. درآنموقع هاربود سونبرگ منتقدروزنامه نیویارك تایمز نوشت‌که : (مردبلند قد، جوان ومتکی بخود روی صحنه آمدو درعمل نشـان دادکه چهره پر نبوغ است .)

این موسیقی دان کالیفورنیایی محصول یك دانش عمومی است اودر پوهنتون جـــنو ب. کالیفورنیا تحصیل کرد ودرتمام کانسرواتور های آنموقع شرکت کرد .

توماس عقیده داردکه همین گذشته زمینـه گسترش‌استعدادش راآماده ساخته‌وبموسیقی‌ای که پیوند نزدیك با «بوژوازی کهـن اروپـا» دارد، کشاند .

اوعقیده داردکه باید هنررا از سالون های شکلی به هرجاییکه امکان‌گردهم آیی‌شنوندگان بیشتر راداشته باشد، بیرون کرد. به همین دلیل اووانسامبل بفالواکترا در مکاتب،کلیسا هاوزندان هاکنسرت میدهند .

همچنان هنر مندان جوان سهم بزرگـی در دگرگونی های فرهنگی امریکا برای جـــذب اندیشه های نو همراه باحفظ مفاهیم کهن ، دارند. ولی باوجود نبوغ زیاد که درجوانان دیده میشودزیربار سنگین هنرمندان واردشده رنج می برند .

این رهبر آرکستر عقیده دارد که یکی از علل شکوفانشدن فرهنگ امریکا اینست کـه ماهمیشه عادت داشتم که بگویم : (امریکایی

ketabton.com - The Digital Library

جیمس ویت

بزرگترین نقاشان معاصر امریکا بلند برد . اوهنوز بتازگی ۳۰ سال راپشت سر نگذارده بود که حلقه هنرمندان بزرگ را بنفع خود در هم شکست .

سبك نقاشی او واقع‌گرایی که برخی حلقه های هنری آنرا کهنه می دانند، می باشدولی طرفداران او که بیشتر نسل جوان اند برخی تابلو هایش راتا ۵۰هزار دالرمی خرند .

یکی ازاستادان هنر نقاشی که شهـــرت جهانی دارد ویت رابحیث (یك نابغـــه هنـر تصویرسازی) خواند .

خودش می‌گوید :

(باآنکه پدرم ویدر کلانم هنرمندان بزرگ بودند . من درآوان‌کودکی‌ام هیچگونه احساس خاصی دراین مورد نداشتم . ولی مواداساسی سراسر دیوار های خانه‌ام راپوشانده بود . عادت داشتم پس ازدیدن فلمی آنچه در ذهنم نقش یافته روی کاغذ بیاورم .)

ویت می گوید : که پدرم در این راه مرا تشویق‌نکرد. ولی یکسال پیش عمه‌ام‌کارولین ویت کار نمودم . همچنان اوبرای یك سال کورس اناتومی (اندام شناسی) را خواند . اوبحیث عضو انجمن ملی هنری عقیده داردکه کمك های فدرالی برای گسترش هنر نقش مهم داشته است . واکنون جوانان امکان بیشتـر می یابند که درساحه هنری ابراز لیاقت‌کنند وبه عقیده اش : (اکنون می توان بحیث یك هنرمند هم زندگی کرد، درحالیکه این امکـان درگذشته مطرح نبود .)

**اندریوواتز :**

این پیانیست نابغه باقدبلند واندام باریك توانسته است که دودهه درقله شامخ هنـر پیانو نوازی قرار بگیرددرحالیکه خودش اکنون ۲۸ سال دارد .

یکی از منتقدان معروف هنری در نیویارك چنین می خواند :

(احساسی، پرجرات، رویاانگیز، قدرتمند... وفوق العاده .)

اوبرای اولین بار در آرکسترای معـــروف فلادلفیا درسن ۹ سالگی پیانو نواخت . او بسن ۱۶سالگی طی دوروز تمرین توانست تا جای پیانو نوازی راکه مریض بود در آرکستر فیلارمونیك نیویارك پرکند .

پس از ختم نمایش، تماشاچیان دیوانه وار برایش چك چك کردند، لیو نارد برنشتیـن رهبر آرکستر اورا بمرکز صحنه آوردواعضای آرکستر آلات موسیقی شان را گذاشته بـــه چك چك نمودن شروع کردند .

اوفرزند یك عسکر امریکایی است کـــه مادرش ازهنگری بوده درآلمان تولد یافته و درکودکی به امریکا مهاجرت کرد . او اوقات بیشتر تحصیلش را در کنسرواتور هـــا ی موسیقی گذراند .

خودش مگوید :

(ازاینکه مکتب نرفتم چیزی را از دســـت ندادم .)

به عقیده واتزعلت رشد استعداد هـــا ی جوانان شیوه تدریس هنری عالی ورقابت سالم است .

(این همانند ورزش است افرادی چـــو ن اولگا کوربت (جمناست معروف اتحادشوروی) توسط تمرین بهتری درخشیدند .)

او همچنان عقیده دارد که استعداد در بین جوانان وپیران دیده میشود .

**ریچارد دریفوس :**

ریکس رید، نقاد معروف فلم در روزنامه نیویارك دیلی نیوز، ریچاردریفیورس راچنین می نامد :

(یکی از پرانرژی ترین، هیجان انگیزترین ومناسبترین هنرمندیکه من تاکنون دیده ام .)

آرجروینستن هنگامیکه درباره جوانان در روزنامه نیویارك پوست می نویسد میگوید :

(واستعداد خارق العاده دارد. شخصیت او روشن وگوناگون است .)

اودرحالیکه ۲۷سال دارد بدنبال خودلست بلند بالاوقابل توجه ازشرکت درفلم هـــا و نمایش نامه ها دارد. این هاشامل بازی درفلم های (شعار های دیواری امریکا)، (باریارا) ، (دوران شاگردی ودی کرافیمز) و (فکیـــن) میباشد که برای دیگران شرکت در آنها یك عمر می خواهد .

دریفیوس دربروکلین نیویارك تولد شده و درهالیود رشد یافته ودرمکتبی تحصیل کرده که درکنار یکی‌ازاستدیوهای بزرگ فلمسازی قرار داشت .

خودش می گوید :

(من وبرادرم گاه‌گاهی بدزدی سری بـــه استدیومی زدیم .)

این هنرپیشه جوان به روشنفکری وآینده نگری شهرت دارد وچه بساکه این خصلتش موجب سرگردانی هایش شده است .

درحالیکه عضوکلوپی بود بخاطر نمـــایش انتقادی که طی آن مشتریان را تحقیر کرد از کلوپ رانده شد .

با گذشت سال ها او هنوز کرکترش را حفظ کرده است .

خودش می گوید :

(سوداگری سینمایی توسط چند دزد متحد اداره می شود. وبه آن تیاتر وتلویزیون را می توان علاوه کرد . سوداگری تفریحی فرق بادیگر سوداگری هاندارد وسطح فساد درهمه جا موجزن است .)

او عصبانگر انه به این نتیجه رسیده‌است که : زندگی تیاتر وحتی سینماگر در حا ل پایان یافتن نیست در سراشیب سقوط قرار دارد

شرح میدهد :

(اساسا اقتصاد این جریان راتکمیل میکند، وبه این معنی نیست که یك ساحه هنـر ی برتری خاصی برساحه دیگر دارد .)

اوهمچنان مصارف هنگفت وسربه‌آسمان‌سای تولید فلم رایکی از عوامل پریشان کننـده

لطفا ورق بزنید

مارگرت هارریس

لنفورد ویلسن

کدام ریشه فرهنگی ندارد . آنها فقط گروهی ازمردمان مختلف اند. خوب به هرترتیب‌اکنون مافرهنگ همه راجذب کرده ایم وبه آن بـــه صورت خلاق چیزی اضافه کرده ایم . هیـــچ کشوری چنین موقعیت نداشته است .)

**جیس ویت :**

این نقاش پرآوازه در خانواده هنرمندبدنیا آمد .

درآوانیکه هنوز کودك بود نقاشی های این پسرك توجه همه رابخود جلب کرد. اکنون اوبالارژی سرشار از استعداد وقریحه نبو غ در جهان هنرنقاشی شهرت دارد ، بگفته اش برای خلق یك اثرعمیق تلاش همه جانبه و توانایی لازم ضرورت است .

پرده های نقاشی این هنرمند اورا درزمره

ketab.com - The Digital Library

اندری وایتز

میدادند.

بانیم، عقیده دریفیوس است که ضرورت عامه برای درامه یك شكل ویا دیگر هنررا تقویت می كند .

اومی گوید :

(مردم آگاهانه به تیاتر می روند كه‌احساس انسانی رالمس نماید، ودرك كند. هنرمنداین احساس انسانی را نمایش می‌دهد . درزندگی واقعی، فقط اطفال واشخاص دیوانه حق‌دارند چنین احساسی راابراز كنند .)

**سوزان فارل فرمانروای رقص :**

سوزان فارل درحالیكه دراتاق‌لباس پوشی مركز فرهنگی كنیدی در واشنگتن، مشغو ل پوشیدن بوت های نازك رقص بالت بود بیاد می آوردكه اولین بار كه به صنف بالت داخل شد ۸ سال داشت .

(من قدبلند بودم ومعلمان سعی می كردند نقش مردرا بازی كنم .

این كار برفریحه ام صدمه وارد نكرد ولی برایم هیجان انگیز نبود .)

او ۲۹ سال پیش در سپتامبر تولدیافت.

اواكنون یكی ازمعروفترین چهره های هنر بالت ویكی از بلندپایه ترین بالرین ها ی گروه بالت شهر نیویارك می باشد . مهارت وتوانایی او دراروپا وایالت متحده مورد ستایش قرار گرفته است .

فار رل مدتشش سال درگروه‌بالت‌موریس بیجار دربروسل كار نمود .

اوبیاد می آوردكه دردوران كودكیش در شهری چون سیناتی شوروهیجان هنری كمتری وجود داشت .

اومی گوید :

(اروپا درسناحه هنراز ماپیش است زیرادر آنجا حمایه دولتی ازهنرتاسطح حملات صورت می گیرد .)

به عقیده فارول یكی از علت پایین بودن سطح هنری در امریكا آنست كه پدر ومادر اطفال خودرا بیشتر به تماشای انواع ورزش هابرده وكمتر سری به موزیم ها وكنسرت ها میزنند .

خودش بیادمی آورد كه بیشتر به ورزش بیسبال علاقه داشت و لی خواست پرستار شود .

ولی اكنون :

(من رقص رامی پرستم بخصوص درلحظه‌ای كه بتوانم به این جهان پراز دردسرومشكلات خوشی بیاورم .)

**لتفور ویلسن :**

لتفورد ویلسن درپای كوه های شا مخ روزارك درجنوب میسوری بدنیا آمد وسروكار كمتری باهنر تیاتر داشت .

ویلسن اكنون كه ۳۸ سال دارد بیش از ۵۰ نمایش نامه نوشته ویكی ازبهترین نمایش نامه نویسان ایالات متحده بحساب میرود .

مهمترین اثرهنری اش بنام «بالتیمورداغه» می باشدكه برایش جایزه انتقادی در امه تیویارك رابهمراه آورد . این اثر باكمی تغییر روی پرده تلویزیون نیز آمد .

درجریان رسیدق به قله شامخ هنر نمایش نامه نویسی اوكارهای چون دهقانی، ظرف شویی، آشپزی، كتابداری وصندوق سا زی انجام داد . نمایش نامه هایش اكثرا انعكاس اززندگی چندین چهره اوست وبیشتر اززندگی طبقات متوسطی كه درمیسوری، آیوا، كالیفرنیا والینوز زندگی می‌كنند پرده برمی دارد .

درحالیكه به پوهنتون سان دیاگونام‌نویسی می‌كرد به سرودن شعر شروع‌كرده بعدداستان های كوتاه وبالاخره نمایش نامه نوشت .

جریان كاریكه اوسعی كرد آثارش را چاپ كند پیچیده ودردآلود است . خودش میگوید:

(حالاكه به گذشته ام فكرمی كنم تما م هفته نامه كریسچن ساینس مونیتور اورا یكی (ازهیجان انگیز ترین شخصیت موسیقی ودرامانیك امریكا كه طی سال های اخیرروی سن نمایش ظاهر شده است ) خوانده است .

تازه می خواست‌كه شغل پرستاری رابگیرد كه انتقادیك روزنامه ازاوكه دریك نمایش‌نامه مكتب شركت كرده بود، مسیر زندگیش را تغییر داده وبه هنر خوانندگی اپرا روی‌آورد. طی چند روز تمرین توانست تا در اپرای (نی استراو آمیز) شركت كند. اودر سومرویل نیوجرسی تولد یافته وكارهای چون نگهداری طفل ومنشی‌گری را انجام داده است .

خودش می گوید :

(آنچه كه آرزوداشتم این بودكه دربرودوی بسرایم .)

اوباوجودیكه تازه گام های لرزانش راروی صحنه اپرا، این هنر سنگین گذارده است ولی ازعظمت آن نمی لرزد .

بقیه درصفحه ۵۸

ماكس گرافورد

ریچارد دریفوس

ژوندون

جریان رد شدن چاپ آثارم برایم خنده آور معلوم میشود . ولی همه این حوادث برایم دردناك وتاثرآور است .)

اولین نمایش نامه بنام (روز طولانی) را درطرف یكروز برای تیاتر ـ كا في نیویارك نوشت. طی سال های ۶۰ تا۷۰ بسیاری از درامه هایش به شمول (سنگ گینگـــام) و (آسمان سیمولی) دربسیاری تماشاخانه های خارج نیویارك روی صحنه آمد وبا وجـــود ستایش هاییكه از آنها بعمل آمدبه برادوی راه نیافت .

آخرین اثرویلسن بنام (سازندگان خاكرین) از طرف روزنامه نیویارك تایمز به حیث یك اثر (حماسی) ستایش شد .

اوازاینكه برادوی بحیث مركز درام امریكا روبه زوال است متاثرمی باشد . بآنهم برخی تیاتر های كوچك نقش مهمی برای هنرمندان جوان بدست می آورند .

(من دیگربرای برادوی نمی نویسم . بـــا تیاتر های دیگر كه آینده به آنان تعلق دارد كارمی كنم .)

**ایوآن فودور :**

ایوآن فودور باآنكه فقط ۲۵ ســـال دارد جایزه بزرگی‌درنواختن ویلن درمسابقه بزرگ چایكوفسكی درمسكو بدست آورد و توجـــه بسیاری از منتقدان ، موسیقی‌دانان ونوازان‌را بخود جلب كرد .

اوباآنكه یك سواركارماهر، ورزشكارتنومند میباشد احساس جالبی درمورد هنر دارد .

(نقطه اوج یك نمایش زمانی است‌كه برای تماشاگر آرامش ولذت بدهد. اهمیت اساسی یك نمایش درآخرآن نهفته است كه بنظـرم وقتی خوب میباشد كه باتماشاگر نزدیك‌شوم دریك اثرهنری چیزی خلق میشود ، چیـزی زنده وحركی مانند درختی كه آن رابتوان‌لمس كرد. این شی طی جریان نمایش بزرگ و بزرگ میشود. این راه باید معیار واقعـــی سرور درارتباط موسیقی باید خوانده .)

اودر رنوورتولد یافته واكنون درگلورادو زندگی‌كرده دربسیاری مواقع برای تماشاگران خارج ازسالون موسیقی ویلون می نـوازد .

اوبسن ۸سالگی آرشه ویلـون را بدسـت گرفت وبزودی دریافت كه می تواند تك نواز ماهری شود .

طی سفر های اخیرش به این نتیجه رسید كه :

(خارجیان احترام فوق العاده به پیشرفت های هنری مادارند .)

**فریدریكاوان ستاد :**

هیـــچ خـــو ا ننـــد ه ا ی بـــا سرعتی كه فردریكا وان ستاد پلـه هـــای پیشرفت رایكی دنبال دیگر پیمود ، به اوج شهرت نرسیده است .

درحالیكه‌تازه پایش رادراپرای متروپولیتین درسن ۲۴ سالگی در سال ۱۹۷۰ گـــذاشت توانست تادرتلش های مهمی‌ازسان‌فرانسیسكو تاپاریس بسراید .

ketabton.com - The Digital Library

ثروت در دل کوه ها :

از: زهاب نوری

# بیرایت

## سنگی با خواص گونه گون

## ذخایر بیرایت غور بندوهرات تحت استخراج است

قبل از آنکه دل کوه ها شگافته به پودر تبدیل گردیده و بکـــار میرود .

منبع ریاست استخراج در مورد ذخیرهٔ دیگر بیرایت ، میگوید :

– معدن بیرایتی که در منطقـــهٔ سنگلان هرات کشف شده است . از حیث فیصدی دارای جنسیت عالی بوده و مقدار آن به کتگوری هـــای مختلف ، به بیشتر ازیك ملیون تن میرسد.

استخراج ذخایر این معدن ازسال ۱۳۵۳ شروع شده و تا حال درحدود دوازده هزار تن بیرایت استخراج‌ودر حدود یازده هزار تن آن ، به اتحاد شوروی صادر شده ا ست.

منبع علاوه میکند :

اتحاد شوروی به امضا رسیده ،تاختم امسال بیشتر از سه هزار تن‌بیرایت دیگر نیز به اتحاد شوروی صـــادر میشود .

صدور وانتقال بیرایت همیـــن اکنون بصورت منظم جریان دارد .

می پرسم :

– قیمت بیرایت چگونه تعییـــن گردیده است ؟

منبع وزارت معادن و صنایع در پاسخ میگوید :

– قیمت بیرایـــت ۹۵ فیصـــد ، مطابق موافقهٔ طرفین درسال گذشته، بیست وپنج دالر فی تن متریك‌تعیین شده بود ،که پیمانه صدور بیرایت به این قیمت ، درسال گذشته بـــه شش هزار ودو صد تن رسید.امسال قیمت بیرایت که دارای ۹۵ فیصد بادیم سلفیت باشد – با موافقـــهٔ وزارت معادن و صنایع و مقا مـــات اتحاد شوروی به سی وسه دالر فی تن متریك قبول شده است

منبع در مورد استخراج بیرایـــت میگوید :

– مراحل استخراج بیرایت ازنظر علمی وفنی توسط متخصصین افغانی انجام می یابد ودر نظر است ، تـــا مطابق اساسات علمی استخـــراج بیرایت به پیمانهٔ وسیعتری صور ت بگیرد .

بیرایت عبارت از سلفات طبیعی بادیم است ، که گاهی در ترکیب‌آن کلسیم ، سترانسیم ومگنیز،بصورت مواد اجنبی پیـــدامیشـــود . رنگ بیرایت غالباً سفید و یا خاکستر ی است و برنگ های سرخ ، زرد ، قهوه‌یی وسیاه نیز گاهگاهی یافـــت میشود .

منبع ریاست استخراج و زارت معادن و صنایع بیرامون مـــــوارد استفاده از بیرایت افغانی میگوید :

– چون بیرایت منطقهٔ سنگلا ن هرات از حیث جنسیت درسطح عالی است مـــوارد استعـــمال آن نیز، در صنعت زیاد است . از بیرایت‌بیشتر برای برمه کاری چاه های نفت‌وگاز کار می گیرند ، زیرا وزن مخصوص آن (۴ر۶–۳ر۴) زیـــاده بـــوده ودر تعاملات کیمیاوی غیر فعال است .

بقیه درصفحه ۴۹

پاك كاری بولدوزر در مقابل رگ ۱۴

استخراج بیرایت بعد از انفـلاق‌توسط اسکواتر در بالای رگ (۵)

ketab.com - The Digital Library

شهر زیبای لواندا که بکلی چهره‌اروپایی دارد.

# تازه‌ترین جمهوریت براعظم افریقا
# سرزمین قشنگ ترین
# آهوان جهان وبزرگترین پارک ملی سرزمین الماس
## وطن اصلی نباتات سوانا
# انگولا

روزگاری بودکه دنیای تاریك نیگروها با جهان رنگین وروشن رابطه ای نداشت تاآنکه درقرون پانزدهم وشانزدهم میلادی ملوانان اروپایی کرانه های افریقاراکتشاف ودریافتند که‌مردم افریقای استوایی فرهنگهای عالی‌را بناء وامپراتور های بزرگی از بومیها رابوجود آورده وسقوط نمودند ولی اروپا ازآن دنیا بی خبربود . داخل افریقا حتی یك قرن قبل درروی نقشه های اروپاییان کاملا بدون نام ونشان مانده بود، تاقرن بیستم سفید پوستان درروی خشکی از دماغه امید نیك تا بحیره مدیترانه مسافرت نکرده بودند ولی بعد ها قسمت عمده‌ای ازافریقا راملل اروپایی اداره میکردند وبین خود ازنیمه قرن نزدهم حدود ونفوذ تعیین نموده بودند درحال حاضر ازاین متصرفات کاسته شده ویکایك ملل آزاد در قطار ملل گیتی افزوده گردید ویوغ استعمار رادرهم شکستند منجمله انگولاکه تازه ترین این کشور ها میباشد به آزادی وآرزوی ملی خویش نایل گردید .

درانگولا، دولت پرتگال کنترول سیاسی واقتصادی داشت بو اسطه پیدایش باغات مصنوعی، معادن واداره ای آنها برمنابع این کشور ،سفیدپوستان نیز درآنجاسکونت‌اختیار کردند ولی این امر در حال حاضر صورت دیگری بخود گرفته هرساله صد هاسیاهپوست بوسیله کشیشها ومدارس‌دولتی تعلیم‌وتربیت رافرا گرفته وبسیاری ازآنها وارد فا کولته هاشده درعلوم مختلفه ، مهندسی، انجنیری، طبابت وحقوق درجات خوبی گرفته اند و آهسته آهسته نیگروها جای سفید پوستان را اختیار کردند . وحشی ترین دستجات سیاهان

ketabton.com - The Digital Library

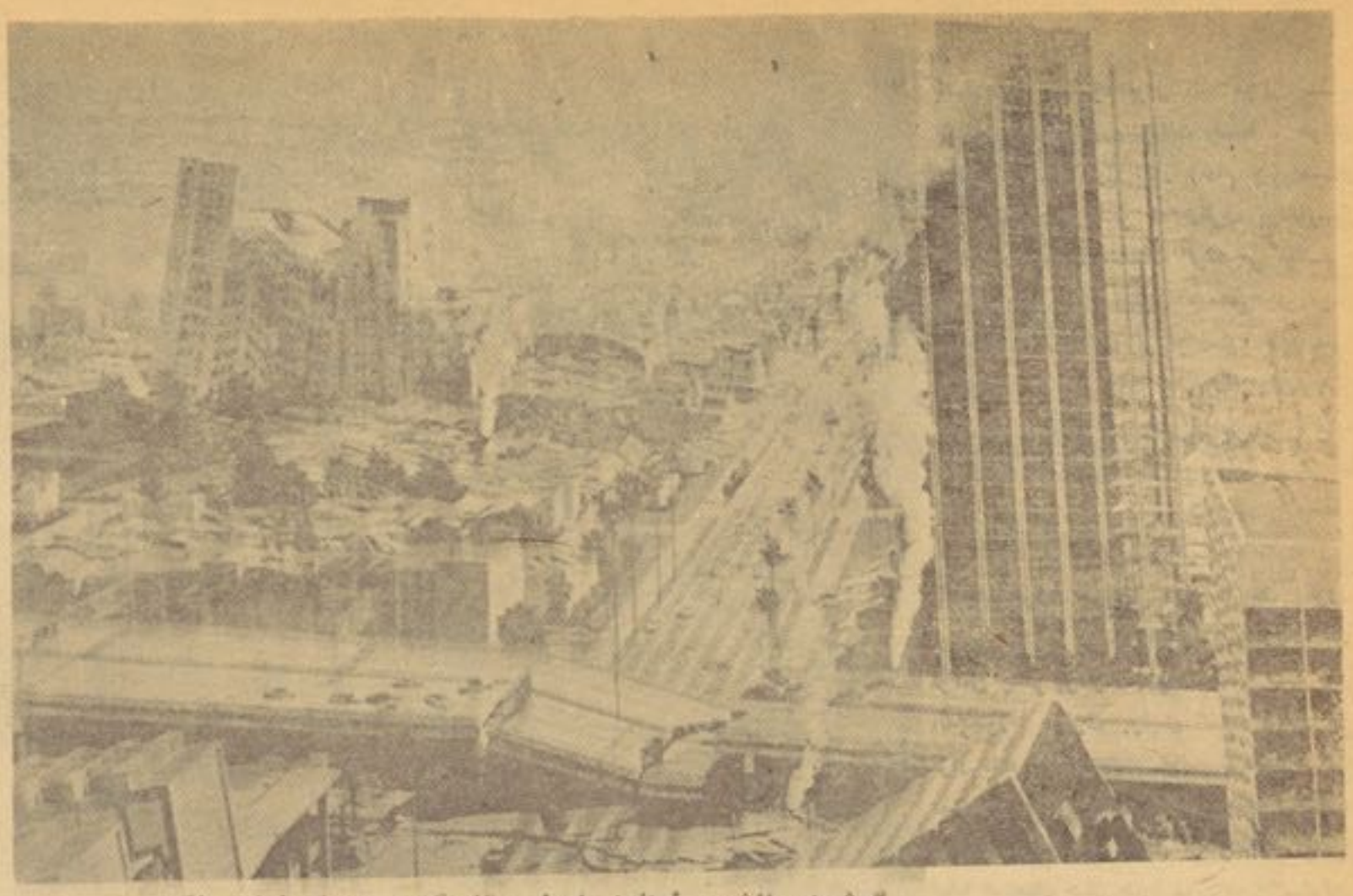

گوشه‌ای ازشهر لواندا پایتخت‌آنگولا و اروپای نمایی انگولا

یکی اززیبا رؤیان نیگرو که سروصورت خودرا با رشته وموره های رنگینی آرایش میدهند .

شکارچیان وخوشه چینان جنگل اند که آنها راپیگمی وجنگلی مینامند. سیاهپوستان واقعی زارع بوده وظاهرا شکار چیان راازاراضی‌بهتر دورساخته‌اند واین وحشی هادر جنگلها و در بیابانهای خشك انگولا بسر میبرند .

آب وهوای انگولا معتدل وباران کافی دارد ولی بسمت جنوب وشرق خشك شده میرود وریگستان کالاهاری راتشکیل میدهد درشمال مملکت سوانا (مرغزار) وجود داردکه نباتات اصلی افریقا میباشد دراین علاقه باران هنگام تابستان باریده درختان غلوبدرستی نروییده وازیکدیگر بفاصله دور میرویند وتمام علاقه راگیاه بلند فرا میگیرد لیکن تمام منظره در موسم خشك وبی باران دراثرخشك آبی و گرمی زرد، ودرموسم بارانی کاملا سبزوخرم میگردد. حاصلات‌قهوه زیاد شده میناك،جواری تمباکو وگسترانیل روبه تزایداست درمعدنیات الماس، طلا، مس وآهن پیشقدم اند .

نژاد اصل انگولارا نیگرو تشکیل میدهدکه پوست آنها سیاه وموهای مجعد ولبهابزرگ دارند. آنهاقوی الجثه وبلندقامت بوده پیش ازورود اروپائیان حکومتهای بزرگی داشتند . اروپاییان که تقریبا تماما افریقا را به تصرف خود درآورده بودند وموافعیکه برای رهایش شان مساعد نبود برای بومیان آزاد گذاشته شده بود وآنهارا بذرایع مختلفه تبلیغ وبدین خودداخل نمودند ولی هنوزهم در انگولا یك تعداد نیگرو های باطل پرست موجود است .

لونداشهر زیبا ورنگارنگ انگولا از جمله شهرهای زیبا وعالی براعظم سیاهست که‌رول مهمی رادر اوضاع سیاسی واقتصادی انگولا بازی میکند این شهر مانند شهر تاریخی و مقبول رومادربالای هفت تپه بنایافته است که دارای بهترین ارکتیکت عصری ومدرن امروزی میباشد وباسرسبزی خاصی احاطه گردیده آفتاب کافی وفراوانی دارد . توریست دراولین برخورد در این شهر تصور خواهد کرد که لوندا ذاتا جایگاه اصلی اهل سفید پوستان بوده سیاهپوستان را درآن راهی نیست زیرا پرتگالیها در تلاش آن بو دند که بیشتر سفیدپوستان دراین شهر تمرکز یافته و از همین جاست که پرتگال درمدت پنجصد سال مستعمراتی خویش زمینه را برای مهاجرت اروپاییان دراین شهرفراهم ساخته روی همین هدف تاحدامکان به تعداد باشندگان سفید در این کشور پرداخت وکلونیزم هاعقیده داشتند تاچهره افریقایی این شهر رابکلی بگردانند. بهترین منازل عصری ومحلات خوش آب‌وهوای این سرزمین ازآن سفید پوستان بوده برخلاف اماکن دشوار وغیر قابل سکونت به کار های شاقه نصیب سیاهپوستان این کشور شد ه بود .

اهالی انگولا مخصوصا لوندا رااسمیلادوس واندیگنوس هاتشکیل میدهند درعمه احوال اسمیلادوس ها نخواستند تالسان وکلتور پرتگالی رااختیار و دایما علیه آن مجادله میکردند ودرمدت بیش ازا ۱۵ سال جبهه ملی آزادی انگولاباکلونیزم درمجادله بودند .

تازه وارد خارجی بشهر ۲۵۰هزار نفری لوندا هرگز تصور آنرا نخواهد کردکه دریکی ازشهرهای سرزمین افریقا قدم گذاشته باشد بلکه چهره شهر لوندا خاطره شهر های پالرموونابل رادرانظار جلوه میدهد مخصوصا هنگام شب که تازه وارد بقلعه مستحکم و تاریخی قرن پانزدهم که‌کنار تپه قرار دارد نظراندازی کند آنوقت به حقیقت متوصل‌خواهد گردید. دیواری که شهر راتقریبا احاطه نموده است بذات خودنمونه ای ازیادگارهای دوره‌ای طلایی ودرخشان انگولا را نمایندگی میکند منظره شهر ازبالای تپه برخلیج نیمه دایره زیبایی خاصی دارد باآنکه لونداورسر زمین افریقا قرار دارد ولی تقریبا باشهر های اروپایی همسری میکند. برعلاوه بلاك های سربفلك ومدرن وپله های سا حلی قشنگ وسرسبز که باباغچه های گل احاطه شده است اززیبایی های خاص انگولا بشمارمیرود خوشتر ازهمه چیزیکه درانگولا مخصوصا در لونداکمبود وبه ندرت دیده میشود همانا سیاه پوست افریقایی است.

اهالی شهرنشین انگولا را سفید پوستان موی تاوهمچنین اسمیلا دوس ها تشکیل میدهند میتوان گفت‌که رهبران پرتگالی نظربه سیاست عسکری‌خودبه تقسیمات سیاهپوستان آنجا چنین پرداخته است : اندیگنوز یعنی شهری یاداخلی واسمیلادوس بمعنی بیگانگان که‌تعداد آن به ۴۰هزار نفرمیرسد که به‌تناسب جمعیت ۲۵۰ هزارنفری این شهر قلیل‌میباشند وآنهاییکه‌بسیاری شان باهم ازدواج ومخلوطی

ketabton.com - The Digital Library

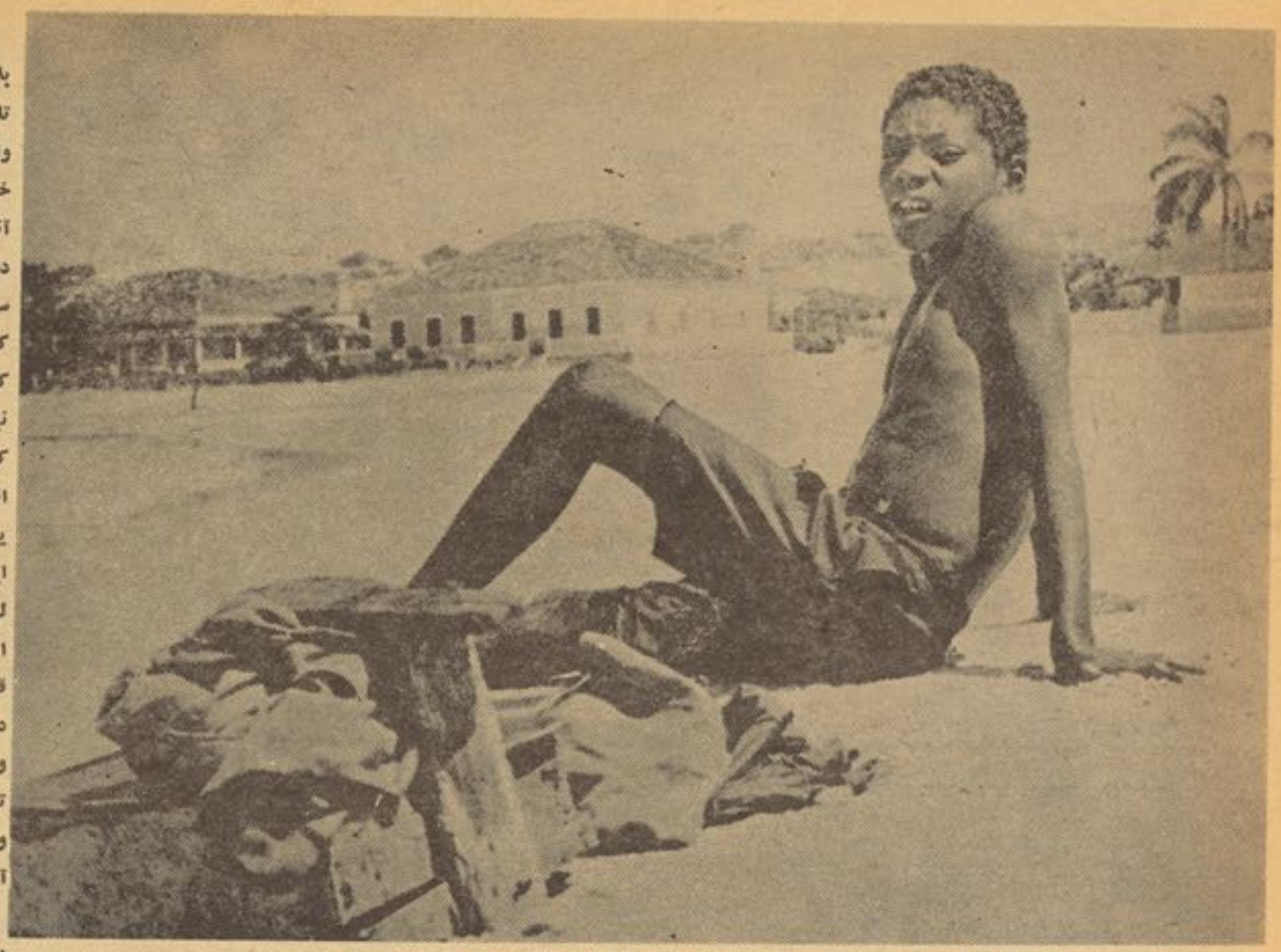

اطفال انگولا از سنین ۱۰ـ۱۲ سالگی بکار های شاقه گماشته میشدند .

ازافریقایی واروپایی راتشکیل داده اند که طبقه مردم شهری رادربرگرفته حقوق وتابعیت پرتگالی رادارااند این مردم حتمی بزبان مکمل اسپانوی تکلم ووجایداد های بزرگی رادارااند برای افریقایی متوسط سطح زندگی خراب ومعارف پایین سو به اختصاص داده شده است ازهمین جاست‌که تعداد اسسمیلادوس‌ها کم است وازهمین جهت درانگولا آرزوی هر افریقایی اسسمیلادوس شدن‌است تاتحصیلات بهتر وسطح زندگی عالی داشته باشد در سال های اخیر حکمروایان پر تگا لی برای اسسمیلادوس شدن وکاندیدهای آن مشکلات نوی راروی کار ساخته بودند وآن از ناحیه بیشتر تجمع آبادی پرتگال در انگولا میباشد واین ساختمانی وتجمع نفوس پرتگالی درسر زمین انگولا باعث ایجاد بیکاری درآنجاگردید.

پس اندیگنوز هاچطور اند؟ همه میدانیم‌که پروپاگند های پرتگالی سراسر جهانراگرفته علاقه های دوراز بحر فوق العاده تحت حکمروایی سیستم نژادی درآمده اند درلوندا بنگویلایعنی گوبیتو کدام اعلان یانوشته ای مبنی برمنع ورود افریقایی هادر هرکجا که باشد دیده نمیشود برای آنها مجاز است تامانند دیگران ازرستورانت ها ، هوتلها واگونهای درجه اول قطار وتمام چیز های خوب کلتوری وتمدنی که ازطرف پرتگالیهادر آنجا آورده است استفاده کرده می تواند . درجاده های شهر میتوان عده‌کمی افریقایی سیاهپوست راملاقات کردکه معمولا صبح‌بسوی کارشتافته وشام هنگام بازگشت ازکارمیباشد کسانیکه به شهرهای انگولا وارد میشو ند نیگروهای افریقایی رادر هوتلها ، سینما ها کافی هاوحتي درسرویس هابرخورد نمیکنند. اندیگنوزها از سرویسها استفاده نکرده زیرا یکطرفه کرایه سرویس نیمه عایدات یکروزه ایشان میباشد ازاینرو افریقایی هاازجاده های لوکس چشم پوشیده زیراساعت ۹ شب برای اندیگنوزها ازطرف پولیس گشت وگذار منع قرار داده شده وایشان ترس آنرا دارند که درساعات مذکور باعث خطرات جانی شان‌گردد ویااینکه برای ابد بمنزل برنگردد از اینرو تماما استعمار چیان بدوطرف جاده های لوکس ومدرن شهرها حیات بسرمیبرند که درنواحی آن گشت وگذار سیاهپوستان ممکن نیست .

هزاران اطفال آنجا کوچکترین چانسی برای دخول درمکاتب ندارند مخصو صا کـه سن دهسالگی راسپری کرده باشند وآنوقت بفشار وقوه بکار گماشته میشوند. اطفال سیاهپوست این سرزمین ازده سالگی و بدون اطفـال سسمیلادوس مجبور ومکلف اند تابکار شش ماهه‌بدون وقفه درفابریکات‌وموسسات اروپایی هاکار کنند وهریك ازآنها کتابچه استخدام کاررا که درآن حاضری، معاش و غیره درج میشود نزدخودداشته باشند. درانگولا اکثر اطفال بین سنین ۹ـ۱۲ سالگی تحت مراقبت پولیس درسرك سازی دیده میشدند همچنین سیاهپوستان بپاکی وصفایی سرکها، راههای آهن، پلها،کوچه، معابر عمومی وغیره میباشند چون مردان درکار های ثقیل ومشکل گماشته میشوند بنابرآن معاونیت اوشانرا طبقه اناث واطفال بعهده دارند .

«باقیدارد»

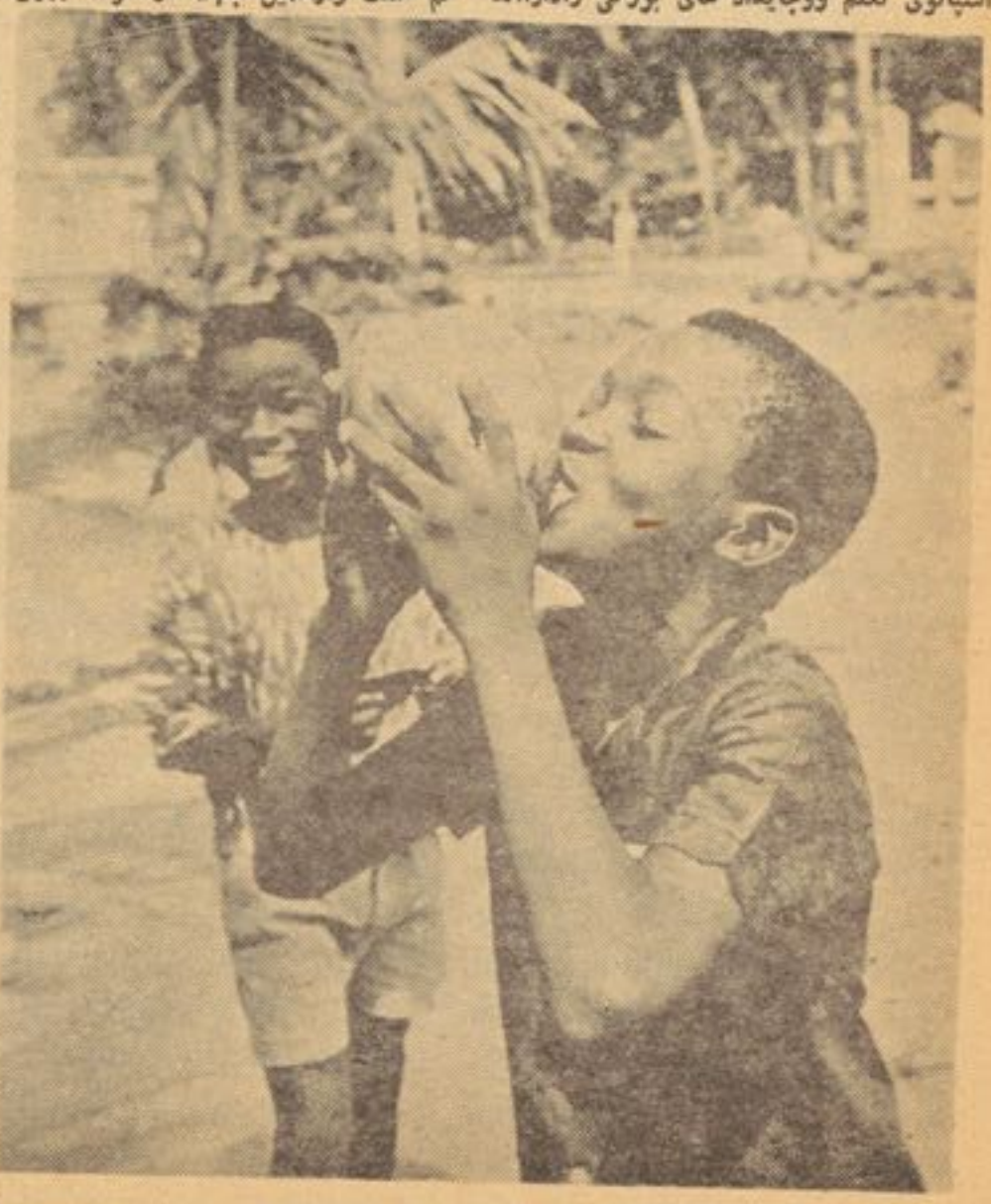

ناریال یگانه میوه وغذای لذیذمردم‌این سر زمین

بسیاری مردم در اینگونه خانه هـازندگی میکنند

ketabton.com - The Digital Library

بقلم : عنایت الله

## پرتوی چنداز:

# زندگانی استاد خیرمحمد

ـ افغانستان یك هنرمند بزرگ خودرا از دست داد .

ـچندی قبل بزرگترین پورتریتیست افغانی درگذشت

بروز ۲۵ثور ۱۳۵٤خبروفات استادخیرمحمد ازرادیو افغانستان پخش گردید وتمام اهل معارف ومطبوعات مملکت ازشنیدن این خبر تاسف انگیز، اندوهناك وپریشان شدند .

اویکتن ازبزرگان هنردرافغانستان، ازمعلمان باسابقه دارمعارف، ازهمکاران قدیم مطبوعات وبالاخره کسی بودکه زندگانی خودرا قربانی هنرنمود، هنریکه براستی نمایندگی از کلتور اصلی واصیل افغانی میکرد .

بعداز وفات استاد بر شنا دومین خساره هنری درعالم نقاشی افغانستان رخداد، گر چه استادازاین جهان رفت ولی درقلب هنردوستان جایش باقیست .

### ٦۲ سال قبل از امروز :

شصت د و سال قبل در کابل قدیم یعنی کوچهٔ علی رضا خان طفلی دیده به جهان کشود که اسمش را خیرمحمد گذاشتند، قبل ازاینکه خیر محمد بدنیا بیاید یعنی یکماه پیش از تولدش در سال ۱۲۹۲ پدرش درغزنی چشم ازجهان پوشید، ومادرش وخواهر بزرگتر اوکه بعدادر بارهٔ وی نیز صحبتی بمیان می آید، در خانهٔ مامایش انتقال داده شدند .

مهربان بود، وواقعا اورااز دل وجان دوست داشت، آنچه راکه دل خیرمحمد آرزو میکرد . چون پدربسیار مهربان آنرا مهیامی ساخت .

میرزا محمد یعقوب خان (مامای خیر محمد) شخص فهمیده ودانشمندبود، زمانیکه مسوولیت تربیهٔ خواهرزاده‌اش رابدوش گرفت، زحمات وتکالیف زیادی درتربیه اوبخرج داد، درین وقت خیرمحمد خواهری ازخود بزرگتر نیز داشت که اسمش (خانم سلطان) وباوی درخانهٔ مامازندگی میکرد که هنوز درقیدحیات است .

### تیم قرن پیش :

خیرمحمد در فضای کابل نمو میکند وبا همبازیان وکوچگیان خوددر کوچه ها گشت وگذار مینماید مگراودر پهلوی اینکه باایشان گام میگذارد، الهاماتی ازمحیط کابل ـ کوچه های پرخم وپیچ ومناظرطبیعت کابل می‌بردارد وآنها رابذهن می سپارد ، وبعضا برای اینکه

انعکاسی از الهام خود واردسازد، توسط زغال وپنسل دروازه ها، دیوار ها وروی های‌صفحه هارا سیاه می سازد ومطابق ذوق خود تابلوها می بردارد. مگر درطول این مشق و تمرین فامیل اوهمیشه تشویق میکردند .

مامایش خیرمحمدرا درمکتب (صداقت)شامل نمود، گرچه اودرهمه مضامین تاحدی علاقمند بود، مگر درکنار آن همه ، خط کشیدن وسیاه ساختن صفحات کاغذ اورا بطرف خود جلب میکرد. زمانیکه چند صفحه ازکتابچه های اورا مامایش مشاهده کرد، خیلی مایه تشویق و توصیف اوپرداخت واین موضوع بیش ازپیش درانکشاف استعداد وذوق در رسامی اووارد کرد، درمکتب نیز استادانش میگفتندکه این شاگرد درمضمون رسم استعداد خوب دارد ، وایشان نیز سهم فراوان درزمینه انکشاف او درهنرداشتند، درین وقت آرزوی مادرش نیز فقط تربیهٔ طفلش بود وازکاروایی وی لذت می برد ومیگفت : (پسرکم حرف های ماما و استادانت راخوب گوش‌کن وهرچه که آنها میگویند همان کن ).

ماماومادرش درنظر داشتند که خیر محمدبه هرصورتیکه باشد بایداز علوم بی بهره نماند، یااینکه عالم شودو یااینکه هنرمند مشهور گردد .

خیرمحمد درقطار همصنفان خود در مضامین دیگرپهلومیزد، امادرقسمت هنرازدرخشانترین همصنفان خودبود، اوعلاوه ازاینکه یك شاگرد لایق وبااستعداد شمرده میشد، صدای خوب داشت ودربعضی فعالیت های ماورای درسی شرکت میکرد واز خواندن خود دیگران را محظوظ می ساخت ، درین وقت خیر محمد نمیداندکه اوچه میشود وراهی راکه باید به پیش گیرد چه است ؟

مگریك جملهٔ مامایش را همیشه بخاطر می آوردکه : (بچیم نام خداچقدر رسمهایت خوب است معلمهایت درین باره چه میگن ؟ معلم صاحبهایم میگن ، آفرین بچهٔ زحمت کش وبااستعداد هستی کوشش کن که رسامی رادرپهلوی مضامینت پیش بری) درین وقت اونام مکتب صنایع نفیسه راشنیده بود که دوسال قبل آن مکتب در (کوتی لندنی) واقع (پل آرتن) امروزی تاسیس شده بود .

### چهل وهفت سال قبل از امروز :

خیرمحمد نظربه استعداد وذوق شایان در مکتب صنایع نفیسه پذیرفته شد ، یعنی در دورهٔ سوم مکتب مذکور شامل گردید . بدنخواهد بودکه درینجا ازدودورهٔ قبل نیزنام برد، آنهائیکه دراولین دوره فارغ التحصیل شده اند عبارت ازاستاد غوث الدین واستاد خیرمحمد یاری وازدورهٔ دوم ازجملهٔ چند نفر یکی هم استاد کریمشاه می باشد .

خیرمحمد درآن وقت بچنان جدیت وعلاقه کارمیکرد که‌گویی به یگانه آرزوی خودرسیده باشد، اوازهر نقطهٔ نظرشاگرد باعلاقه وکارگر بود: نویسندهٔ این سطورکه ازپانزده سال باینطرف بااستاد موصوف آشنایی داشت واز نزدیك اورامی شناخت ، درزمینه کار هایش چنین حکایه میکرد: باوجود آنکه از تشویق مامایم هیچوقت بی بهره نمی ماندم اماکاریکه من ازوی مخفی انجام میدادم وسعی میکردم که ازقضیه کارم قطعا آگاه نشود، همان بود که بعضی وقت ازطرف شب وبااوقات دیگریکه زمینه فعالیت بمن مهیا میگردید، بقبرستان می رفتم وبه مسلك اناتومی خودرا تقویه میدادم وسکیچ های زیادی راترسیم میکردم . روزها رابااین سختی ودشواریها سپری‌کردم، هروقتیکه سکیچ نوی راایجاد میکردم، استادم ماستر عبدالعزیز (ازجمله استادان هندی که بالاخره درافغانستان وفات یافت وازبزرگترین هنرمندان بشمار میرفت وشاگردان زیادی را درین خاك تربیه نموده است) بسیار زیادخوش میشد وآفرین وتحسین میکرد .

### چهل ویك سال قبل از امروز :

استادخیرمحمد از مکتب صنایع نفسه در سال ۱۳۱۳ بحیث شاگرد ممتاز فارغ گردید وشروع بفعالیت های زیادی نمود، در پهلوی فعالیت های نقاشی بدورشته مهم خیاطی وبوت دوزی دست زد، ازاقارب نزدیك و ی پرسیدم : علت رجوع استاد علاوه از رسامی درین رشته هاچه بوده، وی جواب دادکه دران وقتها هیچکس تابلوی کسی رانمی خرید و بسیاری ازتابلو هادر خانه قرار داشتند، وهر گاه کسی ازوی تابلویی رامطالبه میکرد بمعنی بخشش بودنه برای خریدن .

استاد برای اینکه زندگی روزمره‌اش را تامین نماید دربوت دوزی نزدعبدالواحد ملقب به اوزبك شاگرد نشست وبعدهایك بوت دوز ماهر شد، ودرآن ایام بعضا دست بخیا طی میزد ودرین مسلك ابتکارات خوبی هم داشت وبه طرح نومی پرداخت ، دیزاین های نوی راایجاد میکرد، تااینکه بعدها همه را گذاشت وپای هنررسم رامحکم گرفت وبالاخره آنرا بسررساند .

### رسام موسیقیدان :

خیرمحمد ازآوان طفولیت خوش صدا بود وبه این هنرکه چطور سازموسیقی ترتیب‌گردد واردبود تال رادرساز فوق العاده میدانست واز موسیقی های ناموزون رنج می برد، هر گاه موسیقی را می شنویدکه موزون نیست ، سخت پریشان می گردید. استاد بنواختن دوآله موسیقی وایلن وهرمونیه مهارت تام داشت . درمیله هاواوقات فراغتش این آلات رامی نواخت وصدای دلکش ازحنجره بیرون میکرد، اوخوش‌خوانی وموسیقی راازبدوطفولیت درپهلوی هنررسم پیش میبرد، ولی باوجود آنکه اودرین فن میدانست هنررسم را بحد پرستش دوست داشت وغرق رسامی بود .

### تحصیلات عالی استاد :

استاددرسال ۱۳٤۸ جهت مشاهده وضمنا تحصیل عازم ایتالیا شد، علاوه ازاینکه‌موزیم هاوغیره مراکز هنری رامشاهده میکرددرکورس های نقاشی حصه میگرفت ودر قطار شاگردان درس رافراگرفت ، اومرد هوشیار ودارای وسعت نظربود، اومیگفت تحصیل درهر دورهٔ حیات جایز است وهیچکس نمیتواند مکمل شود. درسبك رسامی های ایتالوی بادقت میدید ونظر عمیق میکرد، ازهرنقطه ، نقطه ها پیدا میکرد وازهر کلمه ، کلمات ، نه تنها اوهنرش رادرقسمت رسم در ایتالیا تقویه بخشید، بلکه آنچه را که باخود آورد به شاگردانش آموخت وهنرش رانخواست با خود بگوربرد، بوضاحت می توان گفت‌که استعداد عالی ولیاقت کامل راباخود برد، اماحتی‌الوسع سعی بخرج داد، تاآنچه راکه یاد داشت‌و می توانست بفهماند، بادلگرمی خاص به شاگردان آموخت .

( باقیدارد)

ketabton.com - The Digital Library

# هنر در لابلای قرنها

واضح است که سال ۳۳۰۰ق م ازنظر تاریخ نویسان شروع دو رهٔ تاریخی قبول گردیده است. زیرادروادی نیل تقریبا ۵۳۰۰ سال پیش از امروز خط ، بزرگترین اختراع بشرقدیم ایجاد شد و بدین ترتیب حدفاصلی بین دورهٔ تاریخی و قبل ازتاریخ بو جود آمد . اما سوالی مطرح می گردد مبنی بر اینکه آیا با ایجادخط و آغاز دورهٔ تاریخی تغیر آنی وفاحشی درسیر تکا ملی مدنیت هـابوجود آمد یاخیر ؟

درست است که ایجاد خط دانش‌کنونی ما را راجع به سرنوشت‌بشر افزود و آنرا مستند ساخت امانباید فراموش کرد که انسان راه طولا نی ای را پیمود تا به مرحلهٔ ایجاد خطرسید ، چه پدیده های مادی ومعنوی‌مرتبط بهـم سیر تکا ملی خـود رابه حالت طبیعی پیمودند تا این‌جهش ذهنی نصیب شان گردید .

انسان دورهٔ سنگ قدیم در جلگه‌ها و چمن زار های اروپا تا اندازهٔ توانست راهش را در طبیعت بیکران‌بیابد وزندگی اش را باشکـــار حیوانات ، چیدن میوه و خزیدن درمغاره ها از خطر محو شدن نجـات‌بخشد و حتی پدیده های هنری ای‌بوجود آرد .

این تلاش زمینه را برای نسل‌دوم‌انسان در دورهٔ سنگ جدید آماده ساخت تا با اهلی ساختن حیوانات وپرداختن به زراعت قادر به تشکـل جوامع مستقرگردند . ازآثار مکتشفه‌درشرق میانه مربوط بـدیـــن دوره‌واضح گشت که انسان های نیولیتك‌رابطه عمیقتر روحی را با قدرت های ماورا الطبیعه داشتند .

نباید نا گفته گذاشت که ایـــن‌انکشافات تاریخی محض مربوط به‌وقایع اروپا وشرق میانه بوده بلکه‌حفریات و تحقیقات باستانشنا سی اخیر بین سالهای ۱۹۵۸ ـ۱۹۵۹ و۱۹۶۰ سیر عین انکشـاف را درآسیای مرکزی به ثبوت رسانید .

چنانچه هیأت باستانشنا ســـان‌آمریکائی به سر کردگی لوی دوپری‌ابزار سنگی و مجسمهٔ را در شمال‌شرق افغانستان از درهٔ‌کر نزدیك‌بابا درویش کشم بد خشان بدســـت‌آوردند که قدامت آن بدورهٔ سنگ قدیم می رسد و بیشتر از(۲۰۰۰۰)سال قدامت تاریخی دارد .

راجع بدین موضوع در شماره‌های‌آینده صحبت مفصلی خواهیم‌داشت.وحالا می پردازیم به هنر مصـــرباستان و مدنیت وادی نیل .

## ایجادخط و آغاز دورهٔ تاریخی

## هنر مصر و بین النهرین

### مدنیت مصر

نظربه عقیده مولفین‌کتاب سیر تکامل مدنیت (چاپ نیویورك) تقریبا ۶۰۰۰ سال پیش از امروز اقوام زراعت پیشه حامی شالودهٔ‌مدنیتی رادروادی نیل گذاشتند که دارای شهر ها ی متعدد به امتداد رودخانه شهراه ها ی تجارتی وبندرگاه هایی دردلتای نیل بوده است .

درحوالی (۳۲۰۰ق .م) هنگا میکه شاهـان جنوبی قسمت های وسطی وشمالی مصر تـا نزدیکی های دلتای نیل راتسخیر کردنـــد ، مصر وحدت سیاسی بیشتری یافت وشهـــر ممفیس مرکز زمامداری فرعـون (فر مانروای یگانه) قرار گرفت . بدین ترتیب تمدن‌زراعتی مصر مبدل به امپراتوری مقتدری گردید کـــه باموجودیت بحیره مدیترانه از شمال وصحرا های شرقی وکوهای جنوبی تا اندازه زیـادی میتوانست از خطر حملات بیگانه محفوظ بماند.

یکی از عللیکه تاثیر هنرهای بیگانه را در هنرمصر کمترمی بینم نقش موقف جغرافیایی آنست .

ketabton.com - The Digital Library

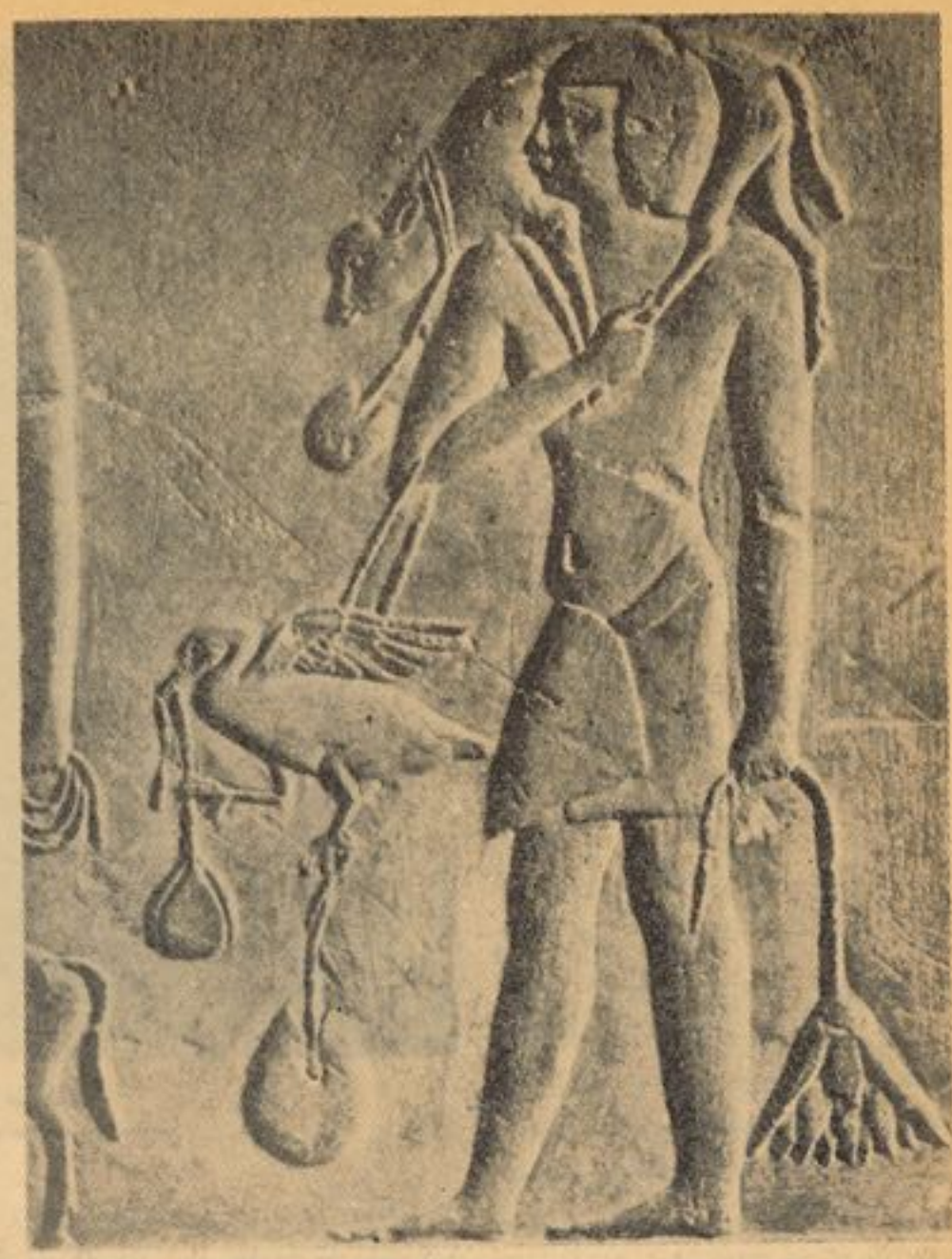

مجسمه ری لیف (نیمه بر جسته)که‌یکی ازاهالی شهر ممفیس رانشان مید هد . این اثرکه ازسنگ تراش شده مربوط دورهٔمدنیت مصر است .

نقاشی بر روی دیوار که یکی ازفراعنه راباهات الههٔ مصری نشان میدهد .
(معبد سبتی )

تمدن مصر تغییر ناپذیرترین دورهٔ مدنیتی است‌که تاریخ بخود دیده است زیرا عقاید محافظه کارانه جامعه مصر باعث تسلسل عنعنات باحفظ عین ارزش ها در طی قرون متمادی گردید . چنانچه افلاطون در باره هنر مصر چنین ابراز نظر می کند .

((هنر مصربرای مدت ۱۰۰۰۰ سال تغیری بخود ندید .))

البته نظریه افلاطون خالی از مبالغه نیست امآانچه خصوصیت تمدن مصررا تشکیل میدهد تسلسل وتداوم مفکوره وطرز دید هنری در مصر باستان است . اساسات شیوه های هنری، فلسفه زندگی، عقایدمذهبی وموسسات سیاسی واجتماعی ایکه درقرون اولیه این مدنیت پیریزی گر دید برای سالهای درازی زنده ماند ونگهداری شد . امابآنهم نمیتوان بصورت یقین نظردادکه هنر مصر مطلقا فاقد نوآوری وابتکاربوده است ، بلکه عقیدهٔ بهتر آن خواهد بود تاقبول کنیم که هنرمصر بین دوقطب مخالف محافظه کاری ونوآوری به نشو ونمای بطی خود پرداخت وبطور کلی‌راکد نبوده است

- گرچه هنرمصر تااندازه زیادی ازتاثیرات هنر اجنبی برکنار ماند اما باآنهم عنعنات‌و مفکوره های ازبین النهرین قدیم در دورهٔ زمامداران باستان (قبل ازایجاد خط ) وارد جامعه مصر گردید . این عناصر بقایای عنعنات هنربین النهرین بوده است . مثلا موجودیت حیوانات درحال حلمه وایستاده به دوپاکه اکثرا شکل نیمه انسان ونیمه حیوان رادارند ودرنقاشی های مصر بطور متناظر بدوطرف تصویر قرار دارند از مدالهای خانوادگی اشراف بین النهرین گرفته شده است . همچنان تاثرات هنر یونان رادر اواخر دورهٔ سلطنت سوم درهنرمصر دیده میتوانیم این تاثیر ازنگاه تشابهات انسانی ومنظره های مربوط بحیات انسان قابل ملاحظه میباشد که درهنر مصر این تصاویر بشکل مستقل تبارز نکرده بلکه باهنرمهندسی ومجسمه‌سازی امتزاج یافته است .

درین بررسی خصوصیات هنر مصر کهن ازنگاه عقاید مذهبی، نقش فرمانروایان ووازه های شیوه های هنری مورد بحث قرارخواهد گرفت .

جامعه مصر یك جامعه عنعنوی محافظه‌کار منهمك بخود بوده وعدم تسلط بیگانگان بر مصر باعث حفظ این ارزشها درطی قرون متوالی گردید. مصریان باستان به زندگی بعداز مرگ عقیده داشتند وحتی زندگی بعد ازمرگ راهقدمتر برزندگی دنیایی می‌شمردند. برای مصریان حیات دنیایی راهی بود که انسان رابسوی‌حیات جاویدان رهنمونی‌میکرد. عده‌ای ازتاریخ دانان معتقد اند که شایداین عادت بقایای طرز تفکر انسان دوره سنگ جدید (نیولی تیك) بوده باشد .

امابشکل بسیار تغییر خوردهٔ آن مرگ‌برای انسان دوره نیولتیك تااندازه زیادی متحیر کننده وترس آور بوده تابه مصریان باستان زیرا مصری های قدیم معتقد بودندکه باید هرفرد بشر آمادگی ای برای حیات مسرت بار بعداز مرگش داشته باشد .

روی همین منظور بودکه در ساختن مقبره های خودتوجه شایانی بخرج میدادند تااز هر نگاه آرام، پایدار ومستحکم باشد ، چه می بایست این مقبره هابرای همیشه پا برجا میماند تاروح بتواند بطور آزادانه درآن رفت وآمد داشته‌واز آمدن بدانجا لذت برده حتی

بقیه در صفحه ۶۰

معبد رامسس دوم لدابوسمبل که درحوالی ۱۲۵۷ ق.م اعمار گردیده است .

kabulon.com - The Digital Library

پیغله شاکره عظیمی تدوین کننده‌کتاب کدام مسلك

# کدام مسلک؟

## آشنائی باجهان کار کتابیکه شاگردان را به‌جهان کار آشنامی سازد

گفتگو از : ر، اشعه

**جوانان ما می توانند در صورت آگاهی از مسلك های‌مختلفه ، شرایط وایجابات مسلك ها ، با درنظـــرداشت علایق واستعداد خـــود ، مسلکی را انتخاب نمایند و استعدادخویش را در رشته مورد علاقه تبارز دهند .**

• • •

**زنان نویسنده وشاعر درین مرحله‌از تاریخ کشور، رسالت بس‌بزرگی را بدوش دارند .**

• • •

**کلمهٔ زن در نزد من مفهوم ازلی‌وابدی را دارا اســت ، زیـــرا زن سازنده بشریت است و جهانی‌ثمرهٔ‌تربیت دامان او .**

• • •

**هر شعریکه بتواند احساســـس‌گوینده را دریك قالب موزون ، بـی کم وکاست بیان کند ازآن خوشـــم‌می آید .**

اگر افق نظر خو د را نسبت به گروه که نیمی از جامعهٔ ما راتشکیل میدهد وسیع‌وگسترده سازیم وحوزه تلاشها وفعالیت های اورا نیزچون افق دید خود وسیع تر تصورنمائیم آنوقت خواهیم دید که زن شجاعت آنرا دارد که شانه اش را زیر بـار خدمت جامعه اش بـه هموطنش و بالاخره به همنوعش خم نمایـــد . مهر با نانه و با صبر و حو صلـــه فراخ از انجام وظیفه ایکه بدوسپرده می شود مؤفقانه بدر آید .

زن افغان در طول تاریخ تامرزیکه به او موقع داده شده و زمینه مساعد بوده به انواع و اشکال اموراجتماعی پرداخته و همیشه پیروزی ها از آن او بوده و خواهد بود .

دانش نوین، تجارب درســـت وسودمند ، ایمان به نو آوری وآینده نگری از صفاتیست که زنان ما بـه آن عقیده وایمان راسخ دارد .

آنگاه که زن افغان سواد می‌آموزد در محافل و مجالس ملی وبین المللی اشتراك و سخنرانی می کند وحوادث اجتماعی و محیطی را تحلیل وتجزیه نموده و به نتیجه گیری می پر دازد. آنوقت است که دریچه ای ازدنیای جدید علوم و تکنا لـو ژی نـــو در برابرش گشوده می شود درآنصورت اوبه عنعنه هائیکه سرراه او قـــرار میگیرد رکود، عقب ماندگی وعـــدم پیشرفت اوشده پشت پا خواهد زد وپیش خواهد رفت خواهد ر ز میـد وسر انجام همای پیروزی بالا یش پروبال خواهد گشود .

زنان روشنفکر و تحصیل کردهٔما، بخوبی درك نموده اند و میدانند در صورتی قادر خواهند بود به معنـی واقعی از ثمرات موهبت عظیـــم مساوات بر خور دار گردند که تمام مسایل اجتماعی را بطور آگاهانـــه واصول درست تعقیب نموده ونتایج صحیحی از آن برگیرند .

اکنون که در کشور ما و سایـر کشور های جهان طبق اعلامیه‌جهانی حقوق بشر اصل تساوی حقوق زن ومرد اعلام گردیده بر کلیه زنـــان ودختران تحصیل کرده ، روشنفکر وفاضل ما که دارای وجدان بـیدار اجتماعی هستند و نسبت به نیك‌وبد وضع اجتماعی و چگونگی ســطح معلومات و شخصیت انسانی‌خواهران ومادران هموطن خود احساســـس مسئولیت می کنند فرض است که از هیچگونه کمك و همکاری اخلاقـــی، مفید وسالم و آموزنده دریغ ننمایند. همچنان شمول زنان در کلیه وظایف خطیر و حساس اجتماعی نشانـــهٔ بزرگ اهمیت شان در جا معه است بر آنهاست که ازین فرصت طلائی که عدالت ، مساوات و دیموکراسی حقیقی وواقعی در معرض تطبیق و تعمیل است مصدر خدمات مفیدبرای مردم و جا معه خود گردند .

جای بس امید واریست که‌امروز زنان محروم ورنج کشیده افغان ، د رجهت احراز حقوق مدنی و آزادی اجتماعی ، این آرزوی دیرین خود ، بزرگترین موفقیت ها و نوید های را در آئینهٔ تابناك آینده مشاهده مـی نمایند ودر تمام شئون مملکتی بـا مردان دارای حقوق مساوی اعـــلان می گردند .

روی همین منظور و برای اینکه دانسته شود که واقعاً زنان با درك مسئولیت های اجتماعی ، کلتوری ، فرهنگی و غیره دو شا دوش مردان د رخدمت مردم واجتماع اند مصاحبهٔ باپیغله‌شاکره عظیمی‌دخترژرف‌اندیش و تحصیلکـــر ده بـه عمل آور دیم که اینك ا زنظر خوانندگان گرامـی گذارش می یابد .

شاکره عظیمی تحصیلاتش را در رشته روانشناسی دیپارتمنت تعلیم وتربیه پوهنځی ادبیات و علوم‌بشری تمام نموده و اکنون به حیث معلمه

ketabton.com - The Digital Library

امروز زنان محروم ورنج کشیدهٔ افغان ، درجهت احراز حقوق مدنی وآزادی اجتماعی این آرزوی دیرین خود ، بزرگترین مؤفقیت ها و نوید های را در آئینهٔ تابناك آینده مشاهده می نمایند .

رهنمائي ليسهٔ آريانا د رخدمت تربيه نو باوگان دبستان علم ومعرفت مصروف تدريس و آموز گاريست .

با شاگرد عظيمي ظهريكي اززوزها در دفتر مجله معرفی شدم وبعد از تعارفات معمولی پای صحبتش نشستم واز او خواهش نمودم تا گفتنی هایش را برای ژوندون که انعکاس دهندهٔ خواسته های مردم است بازگو نماید، خواهشم را پذیرفت و گفتنی هایش را چنین فشرده و مختصر باز گو نمود :

میگویم :

شنیده ام کتابی بنام «کدام مسلك» را برای استفادهٔ طلاب معارف تهیه کرده اید ، لطفا بگوئید که این کتاب برای کدام سویه ها وزوی چه هدف تهیه و تدوین شده است .!؟

– نخست یاد آور می شوم که این کتاب از منابع انگلیسی بهزبان دری تر جمه شده . اما یك ترجمهٔ کاملا اصیل نبوده بلکه مطالب مسلکی مربوط به شرایط وایجا بات جا معه افغانی نیز درآن گنجانیده شده است . این کتاب به سویهٔ صنوف هفت و هشت و برای آشنایی بیشتر آنها با جهان کار تهیه گر دیده است .

همیشه دیده شده که جوانان آرزو مسلك های را که ایجاب تحصیلات عالی را می نماید در سر می پرورانند. هرگاه زمینهٔ تحصیل برایشان میسر نمی گردد ممکن است شاگردمایوس گردد در حالیکه مسلك های دیگر نیز وجود دارد که ایجاب تحصیلات عالی را نمی کند مگر جهان وسیع کارمی تواند از چنین شاگردان استقبال کند .

جوانان ما می توانند در صورت آگاهی از مسلك های مختلفه ،شرایط وایجابات مسلك ها با درنظر داشت علایق و استعداد خود، مسلکی را انتخاب نمایند و استعداد خویش را در رشته مورد علاقه تبارز دهند .

محترمه عظیمی لطفاً بگوئید که این کتاب حاوی چه مطالب و نکات است واز طرف کدام منبع به شما سپرده شده است ؟

– معرفی مسلك ها ، کتگوری مسلك ها ، ایجا بات و شرایط کار در مسلك های مختلفه ، شرایط استخدام ، قصه های کوتاه درباره کارو نیز عکس های مربوط به کار ومسلك ، برای ارائه کر د ن ونمایاندن بهتر مو ضوعات ، مطالب و متن این کتا ب را تشکیل میدهد .

وی به گفتارش ادامه داده گفت : مدیریت عمومی رهنمایی و زارت معارف برای آشنایی بهتر وبیشتر شاگردان با جهان کار همیشهٔ تلاش نموده واین تلاشها را در قالب پامفلت ها ، نشریه ها ، سیمینار ها و کنفرانسهای مسلکی ، نمایش فلم ها و غیره رهنمائی های مسلکی وهمچنان بر گذاری روز های بنام « روز جهان کار» را در مکاتب بر گذار می نماید تا شاگردان را بیشتر تنویر نموده و رهنمایی کند لهذا این کتاب هم جز این فعالیت ها بوده و هدف از نوشتن آن آشنایی بیشتر شاگردان با جهان کار است این کتاب از طرف مدیریت عمومی رهنمائی تعلیمات مسلکی و زارت جلیله معارف برای ترجمه و نگارش به من سپرده شده است .

از او می پرسم :

آیا می شود کتاب تان در مکاتب مسلکی و غیر مسلکی مورد استفاده قرار گیرد ؟؟

بلی ! می شود این کتاب را در مکاتب مسلکی به صفت یك وسیله درسی در مکاتب غیر مسلکی به صفت یك وسیله ممد درسی طرف استفاده قرار دارد .

محترمه عظیمی شنیده ام شما به نوشتن قصه نیز دسترس دارید و شعر هم میگوئید هر گاه چنین است میخواهم در باره اشعارو داستانهای تان نیز چیزی بگوئید ؟

من د رحدود یك هزار قطعه شعر وچندین داستان کوتاه و ناول نوشته ام شعر هایم را بعضاً به نشر سپرده ام واما داستان هایم را تاکنون نشر نکرده ام ودر نظر دارم در آینده قریب تك، تك آنها را بدست نشر بسپارم .

ازچه نوع شعر خوش تان می آید ودر شعر از کدام سبك پیرو ی می کنید ؟؟

– هر شعریکه بتواند احساس گوینده را دریك قالب موزون بی کم وکاست بیان کند ، از آن خوشم می آید . اما در مورد سبك خودم ، احساس من، سبك منست،احساسم د رهر قالبی که شکل گرفت واندیشه های مرا رنگ داد ،سبك من است و هیچگاه خودم را اسیر سبك معیین نمیدانم .

خوب شاکره جان شما که خوشبختانه دختر شاعره ونویسنده هستید لطفاً بگوئید که زنان نویسنده چه رسالتی در مورد جا معه بدو ش دارند ؟؟

– درینجا که منظور شما تنهازنان نویسنده و شاعر است ، میخواهم بگویم که زنان و دختران ما.مخصوصا درین مرحلهٔ از تاریخ کشور رسالت بس بزرگی رابدوش دارند ، زن باید یاد گار های زنانگی اش را برای نسل های بعدی به ار مغان بگذارد واین شامل همه خصو صیات مشخصی یك زن منور و روشنفکر شده می تواند .

اثر یك زن چه شعر و چه نثر باید نمایانگر احساسات درونی یك ز ن باشد و او را چنان ترسیم نماید که نسل های بعدی بتواند به وضاحت کامل زن امروز را در تصویر یکه از خودش از جانب خودش ودر قالب احساسات خودش به ار مغان گذاشته است نگهداری کند ودر لابلای اندوخته های ادبی او خشت دیگر از دانش نوین خودش را به عمارت هنر و ادب کشور بگذارد و آنرا پرمایه تر سازد .

وقتی نظرش را به حیث یك

بقیه در صفحه ۵۵

kayhan.com - The Digital Library

# ستاره گان

## افسانه

## ساز

مترجم : مهدی دعاگوی

## بخاطر واهمه‌از ازدواج

(جین برکین) آوازخوان مشهور که‌مخصوصا این اواخر باآهنگ (من دوست دارم) شهرت فوق العادهٔ بدست آورده است وتوقع میرفت که شایدبزودی ازدواج‌کند. بیکی ازنگارندگان بخش هنری بصراحت این مطلب را اظهار نموده که اوحاضر نیست ازدواج کند اگر چه همین اکنون مادر دوطفل میباشد .

(جین) درپهلوی اینکه صاحب آواز گیرنده وخوش آیند است قدرت تمثیل مشکل ترین قطعات نمایشی رانیز دارد چنانچه پارچه های بازیگری او نمایانگر این حقیقت غیر قابل انکار میباشد . درمورد این تصمیم (جین) تبصره های فراوانی به نشر رسیده که برخی آنرا انعکاس از روحیهٔ ضد اخلاقی او خوانده وعدهٔ هم آنرا حمل به عقده بدبینی نموده است .

ولی حقیقت موضوع اینست که وقتی‌شوهر اوبصورت ناگهانی روی گشتا نده وحتی کوچکترین توجه هم به طفلش ننمود ، صدمهٔ شدیدی باحساسات اووارد کرد وازهمان وقت تصمیم خودرا گرفت که دیگر بدام ازدواج خودش راگرفتار نسازد .

بعدها دراثر تصادفات وظیفوی با (سرکی کاینسبرگ) کمپوزرمشهور وتکرارآن باهمدیگر متمایل شدند وازهفت سال است که در زیر یك سقف باهم زندگی مینمایند وباوجوداینکه از (کاین) هم طفلی بدنیا آورده کو چکترین احساسی ضد ونقیض دربرابر طفل اولی اه که مربوط بدیگری است ننموده وچنان تصور میشودکه هردو طفل از (کاین) میباشد .

از اینرو ( جین ) ترسی که از ازدواج دارد. بیرون ازاین دایره ولی صمیمی ترومسعودانه تربا (کاین) زندگی می کند وبصورت مشترك کار های هنری خود را نیز دنبال مینمایند وهرگز اتفاقی نیفتاده که آنها همدیگر خود رابیگانه وجداز خود تصور نمایند .

– جین برکین که ازازدواج واهمه دارد .

## فعالیت تاسر حدمرگ

(لیل داگودر) هنرمند پنجاه ساله ایست‌که تاکنون خدمات برجسته درجهان سینما وتیاتر آلمان انجام داده وهنوزهم باوجود بیماری که دارد ازانجام خدمات صادقانه هنری شانه‌خالی نمیکند .

(لیل) زنیست که عملیات فعالانه داشته وباوصف کبرسن وباوصف اینکه بقول خودش لایت هاونور افگن هافروغ چشم های او را تضعیف نموده بازهم چه درتیاتر وچه مقابل کمرهٔ فلم جلونورافگن هاظاهر میشود وازآن لذت میبرد وآنرا یك حرکت عاملانه انسانی میخواند .

(لیل) چون قدرت دید رااز دست داده باز هم بخاطر عشقی‌که بکار های هنری دارد تکست نمایشنامه هاوفلم هارا توسط ذره بین مخصوص مرور میکند وبحافظه می سپارد تادر کارش ناموفق جلوه نکند. اوگفته‌است بیماری وضعف قدرت باصره نمیتواند اورا از دنیای خواستنی اش جدا نماید اما مرگ موضوعیست جدا .

– لیل داگودر هنرمند پنجاه سالهٔفلم‌و تیاتر آلمان .

– برندسیمون کمپوزر ۲۶ ساله .

## موفقیت در پاریس

(برند سیمون) پسر بیست وشش ساله کمپونیست معروف (هنس آرنوسیمون) که که شهرت بخصوصی در عالم موسیقی دارد اخیرا به شغل پدرش متمایل ومنهمك شده است . اوپس ازآنکه مدتی درفرانکفورت باین مشاغله ادامه دادناگهانی بسوی پاریس پرواز نمود وبایکی ازدوستان صمیمی اش در آنجا پیوست وکارمشترك خودرا آغاز نمودند .

برند سیمون وداخیل گرهارد دوستش سر انجام آهنگی ساختند که به آواز (ماری‌لافارت) ریکارد شد ودر اولین مرحله به تعداد چهار صد هزار ریکارد آن بفروش رفت ونام او را بزبان ها انداخت .

(برند سیمون) یکی ازخبرنگاران فرانسوی گفته است عنقریب خوداوهم مکروفون بدست خواهد گرفت وچند آهنگ ازساخته های جدید خودرا بمردم تقدیم خواهد کرد تادیده شود حاصل ونتیجه برایش ببار خواهدآوردویاخیر؟

صفحه ۲۲

ketabton.com - The Digital Library

# افسانه‌ازسیناترا‌ودخترش

(فرانك سیناترا) آواز خوان وهنر پیشهٔ معروف سینما چندی قبل با (تیناسیناترا)دختر بیست وشش ساله خود بیك مسافرت وتفریح بسوی ممالك اروپا پرداخت . اجنت فلم های (سیناترا) که نام شناخته شدهٔ در ممالك اروپایی دارد کمر بخدمت گذاری بسته بود ومخصوصا درمحافل ومجالس طوری ظاهر میشدند که‌گویی فقط یك فامیل جوش خورده باهم استند. اماگاهگاهی سیناترا از خود حرکاتی نشان میداد که مخالف بود به آنچه مردم نسبت باو میدانستند وقبول‌کرده بودند. (سیناترا) بااین حرکت بسیاری از گر یدت های خود نزدمردم ازدست داد. زیرا عدهٔ زیادی که ارتباط پدر ودختر را نمیدانست باملاحظهٔ حرکات‌جلف شان ابرازتنفرمینمودند. وآنانیکه اززندگی سیناترا وهم از زندگی دخترش نیکو اطلاع داشتند ومیدانستند که دخترش تاکنون سه شوهر راعقب مانده وحالا باوصف اینکه ازهمه چیز اطلاع داردازمعاشرت دخترش با (دانی اودنوان) اجنت فلم ها یش جلوگیری نمیکندزبان بدگویی بازنموده بودند. چنانچه وقتی یکی ازرهگذران به صیغه کنایه دریك جادهٔ پاریس به آنهاگفت : شما جفت مناسب نیستید. پدرودختر خندهٔ سر داده و سپس سیناترا گفت : ماباهم جفت نی بلکه عاشق ومعشوق استیم .

شاید این جمله شوخی بود اما مردمان از آن افسانه ساختند وبااین ملاحظه میتوان حکم کردکه سیناترا دیگر برای مردم کهنه وغیر قابل تحمل شده است .

ـ سیناترا محبوبیت گذشتهٔ خودرا ازدست داده است .

# بخاطر دوام‌دوستی

ازمدتیست که (اوشی گلاس) ستارهٔ شناخته شدهٔ سینما باندویر انتیك فروشی خود نام وشهرت هنری خودرا محفوظ نگهداشته و مخصوصا دستگاه عرضه مودهای اطفال که به

ـ تصویری‌که حکایتگر یك بدشانسی‌است.

# آنچه‌را‌که‌شانس بدنمیگویند

درمیدان هوایی (چارلزدی گولی ) شهر پاریس بسیاری ازفوتو گرافی هاوفوتوراپورتر هاآرزو می‌کردند تابتوانند ازکریستینااناسیس عکس یادگاری‌بدست بیاورند ولی (کریستینا) بامهارت وزرنگی خاص زمینه ها ی مساعد عکاسان رابهم میزد وحاضر نمیشد چلوکمره قرار گیرد زرا اوعقیده دارد به محض اینکه یك فوتوبدست یك خبرنگار برسد آنوقت از شیمهٔ دهم وخیال خودقصه ها وحکایاتی بنامی‌کنند وبروی صفحات منعکس می سازند.

عکاسان بزرگترین حربهٔ (کریستینا) را در شدت درمونتشن فعالیت می‌کند رضائیت خاطر (اوشی) را بوجه احسنی فراهم کرده است‌که دراین صورت دیگر کمبودی درزندگی کنو نی خوداحساس نمیکند. ولی‌بااین وجودچندی قبل ازطرف یك مودلیست فرانسوی (گای لاروخ) دعوت شد تادر نمایشی که در نظرداشت در شهر (الیسار) دایر نماید اوشی بحیث مانکن درآن حصه بگیرد .

(اوشی) دعوت مودلیست ر ا بکمال میل پذیرفت واظهار داشت که محض بخاطرتعلقات دوستانه یی که بین اوو (گـای) وجود دارد باینکار متوسل شده است درغیر آن اگرقرار باشد دیگر مودلیست عاازاو درمامول موردنظر خود استفاده نمایند ممکن است آرزوی اوشان برآورده نشود .

آنواحد مجلهٔ معروف امریکایی (پیو پل) میدانستند زیرا با عمین مجله اوبخوبی میتوانست چلوکمره رابگیرد . درست در فرصتیکه اووارد ترمینل میشد ونیم رخ خود راتوسط مجله پوشانیده بودکه فوگرافر ماهر دیگرازاویه مقابل فوتواورا برداشت .

(کریستینا) ازاین اتفاق ناگوار مضطرب و متاثر شد امادیگر چارهٔ نداشت .

فوتوگرافر این فوتورابدون هرگونه تبصره چاپ نموده صرف تذکردادەکه ازنگاه راپورتر هاوفوتوراپورترها مشکل است قیافه هاوچهره هاواعمال خودرا اشخاص درپرده نگهدارند .

ـ اوشی گلاس درحین نمایش لباس های‌جدید مودلیست فرانسوی .

ketabton.com: The Digital Library

ترجمه دکتور جیلانی فرهنمد

# نظریه جدید درباره کائنات

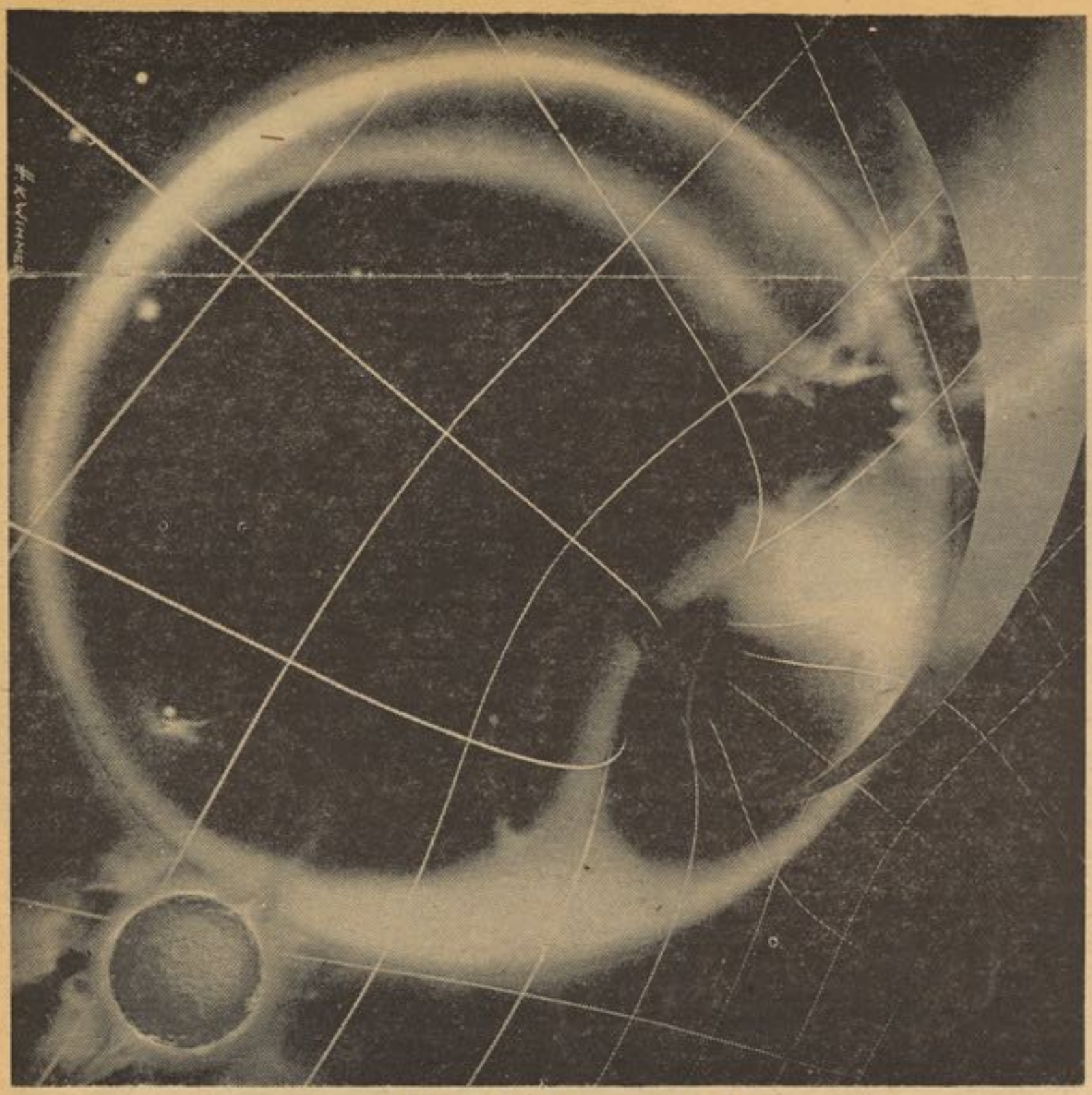

منفذ های سفید خود منبع مواد دیگر ازجهان میباشد

دانشمندان که امروز آلات ووسایل فنی دقیق در دسترس دارند ، خلق شدن کائنات را از اثر انفجار ناگهانی کهکشان بزرگی متشکل از ملیونها ستاره میدانند .

د راثر این انفجار، ستارگان در فضای لا یتنهی انبساط نموده و منوز هم انبساط مذکور ادامه دارد .

به نظر استرو نو مها سرعت انبساط ستارگان در اثر عمل قوه جاذبه که بین کهکشان های مختلف وجود دارد روز به روز کمتر میشود.

از جانب دیگر محاسبهٔ که ازکتلهٔ کهکشان کائنات صورت گرفته آنرا یك برنه حصهٔ کتله نشان داده که جهت کم شدن سرعت به آن نیاز منـد میباشد .

د راینجا سوالی پیدا میشود که بقیه کتلهٔ مذکور را در کجا میتوان سراغ کرد ؟

بعضی از علما گمان میبرند که کتلهٔ مذکور را در منفذ های سیاه میتوان جستجو کرد اصطلاح اخیرالذکر در سال ۱۹۳۹ از طرف رو برت اوپن هیمز و همکارش هارت لندا از یونورستی کالیفور نیا پیشنهادشده بود .

تیوری اوپن هایمز چنین بود که وقتی کهکشان متلاشی شد بقیه ستارگان کهکشان که کتلهٔ بزر گی را تشکیل میداد به تدریج قدرت حرارت هستوی خود را از دست داده بود چون از فرو زندگی و حالت مشتعل سرد گردید گازاتی ازآن بلند شد که کم کم شکل یك کرهٔ بزرگی را بخود گرفته بسوی مرکز ثقل ستارگان سقوط نمود .

گاز مذکور در موقع سقوط سرعت عجیبی کسب کرده ودر صورتیکه ستاره بزرگ بود گاز بطرف مرکز ستاره پیش رفته و نابود شد .

اگر از فر مولهای عمومی تیوری نسبی انشتاین کار بگیریم امکان انقباض وانهدام ستارگان را نجوم شناسان مطابق به قوانین فزیکی میدانند و تکاثف ستارگان بصو رت لایتنهی زیاد میشود و لی جای اضافی را در فضا اشغال نمیکند چه قدرت کشش ستاره ها به اندازهٔ زیاد شده میرود که بالاخره هیچ شعاع ونوری در آن نفوذ کرده نمیتواند بنا بر آن چنین ستارگان را در اثر مشاهدات نمیتوان کشف کرد . اینطور یك ستاره معمولا بصورت منفذ سیاهی د رمی آید . گرچه و جود منفذ های سیاه هنوز هم ثابت نشده ولی علما گمان میکنند که شاید ٪۹۰ کتلهٔ جهان را همین ها تشکیل داده باشد .

این ستارگان که بزرگی آنها برابر به آفتاب بوده شاید به مرور زمان سرد شده و ازبین رفته باشند .

یکی از طرق واضح ساختن این تیوری دریافت منفذ های سیاه اند لهذا علما برای این منظور به جستجوی ستارگان دوگانه پرداختند که این نوع ستاره ها ازیك ستاره قابل دید و ستاره همراه آن که نا مرعی است مشتمل میباشد . درین حال که علما در جستجوی منفذ های سیاه اند رو برت هیلمنگ از رصد خانهٔ رادیو استرو نومی، گرین بانك (ایالت ویر جینیای غربی) تیوری ضد آنرا قایم کرده به موجودیت منفذ های سفید معتقد است .

هیلمنگ و جود منفذ های سفید را نتیجهٔ تاثیر منفی منفذ های سیاه ندانسته بلکه میگوید که منفذ های سفید خود منبع موادی از جهان دیگر میباشد .

علما به این فکر اند که وقتی مواد به داخل منفذ ها میشوند به چه سرنوشتی دچار میگردند .

پرو فیسور « راجرپن روز» از پوهنتون لندن تیزسی درین باره دارد که مواد مذکور وقتی در منفذ ها غایب میشوند امکان دارد در قسمت دیگر جهان ما هویدا گردند و یا به جهان دیگری منتقل شوند .

اگر تیوری هیلمنگ وپن روز را تحت مطالعه دقیق قرار دهیم به این نتیجه میرسیم محلی که از آن مواد مذکور به جهان دیگری منتقل میشوند عبارت از همان منفذ هایی اند که از آن ذکر نمودیم .

به نظر هیلمنگ یك سلسله اعداد واحصائیه ها، وجود منفذهای سفید را در جهان ستارگان نمایان میسازد.

ketabton.com - The Digital Library

# تاثیر واقعیت‌های محیطی بالای اطفال

به مناسبت سال بین المللی زن

نوشته راحله راسخ

از آنجائیکه‌زنان نقش مهم‌وارزندهٔ را در حیات اجتماعی داشته ودارند، مشکل می نماید تا تاثر و نفوذ همه فعالیت ها وکار های ایشانرا درهمه سکتور ها روشن ساخت وبر شمرد ، زیرا تلاشها و فعالیت های انسانی آنها در همه ساحه ها وامور اجتماعی چه در محیط محدود خانواده و چه در محیط گسترده اجتماعی و بالاخره در همه ساحات نشانش را داشته ودارد .

به این ارتباط و با درك درست ومنطقی از واقعیت ها و قضایا ی متنوع اجتماعی که زنان و مردان در ایجادش لازم و ملزوم یکدیگرند ونمی شود یکی را بدون دیگری تصور نمود ، لهذا با درك مطلب فوق،علمی ومنطقی نخواهد بود اگر ادعا شود که همه نعمات مادی و معنوی به تنهایی ثمره تپیدن ها و تلاشهای زنان است چنانکه تصور کردن وفکر نمودن معکوس مسئله قطعا پایه‌علمی نداشته و خود خواهی مضمحل کننده‌ای پیش نیست .

خوشبختانه همه برین عقیده ایمان و یقین دارند که خانواده پایه های اولیه اجتماع و نخستین میدان وصحنه زندگی‌فرزندانیست‌که در آن چشم به جهان باز می نمایند وبه اصطلاح جهان ایشان همان‌است که در آنجا تولد می شوند و پس از پیدایش فرزند چه پسروچه دختر که با معصومیت یگانگی بدون ذره‌ای تبعیض وامتیاز تولد می شوند در گام های بعدی از محیط پیرامون سخت متاثر میگردند وواقعیت های محیطی برایشان تاثیر می نماید .

هر آنچه را می بیند می‌آموزد ازهمان خرد سالی اشیاء وواقعیت های اطراف خود را ذهن نشین می‌سازد، بطور مثال اگر طفلی در محیط پښتو زبان زیست نماید پښتو و اگر در محیط دری زبان زندگی کند طبعاً لسان دری وهرگاه درمحیط انگلیسی زبان باشد لسان انگلیسی را می آموزد و این او لین نشانهٔ تاثیر محیط پیرامون، بالای انسا نیست که تازه چشم به جهان گشوده و تازه قدم به محیط و ماحولش گذاشته مثال های دیگری هم موجود است‌که تکرار آن بی لزوم است ، لهذاگفته می توانیم که زندگی ومحیط اجتماعی وپیرامون انسانها هر طور باشد مستقیماً بالای انسان تاثیر داشته ودر ایجاد شعور و شخصیت‌اجتماعی انسانها رول مهم وارزندهٔ را بازی می کند پس برای اینکه پسران و دختران در جا معه بدون تبعیض و بصورت درست تربیه شوند ، باید محیط زیست و وسایل دست داشته وبخصوص وسایل آموزشی عاری‌از تنا قضات وتفاوتها باشد .

طور مثال ، همانطوریکه طفل لسان محیط مربوط را به آسانی می آموزد فر هنگ ، عادات وروحیه محیطی رانیز به ذهن می سپارد و فضای ذهنی آن همانگونه رشد می یابد . هرگاه صحبت ها،برخورد ها و روابط فا میلی بر پایه تعقل و محاسبات دقیق روانی‌وروانشناسی علمی عیار گردد نو باوگان وفرزندان د راین محیط صادق و صالح بار می آیند و هیچگاه بار دوش جا معه وفا میل نخواهند بود .

وقتی طفلی در محیط چوکات‌شده وتنگ فا میلی تربیه درست وسالم راتو أم باتعلیم وتربیه مثبت فراء گرفت، همانطورهم‌بایدمحیط اجتماعی عاری‌از تنقضات تر بیوی برایش ایجاد گردد که دریك محیط سالم فامیلی می توان آنرا دید ، زیرا خانواده و فا میل کوچك هیچگاه دور از محیط اجتماعی بوجود آمده نمی تواند و هردو بالای هم تاثیرداشته وبر یکدیگر عمقاً اثر می گذارند .

برای اینکه زنان و مردان یا اعضای متساوی الحقوق جا معه طبیعتا و فطرتا و همچنان قا نو نا بتوانند از تعلیم و تربیت فر زندان مؤفق بدر آیند باید درپرتو ارتباط ناگسستنی خانواده و اجتماع‌کارها وفعالیت های شانرا تنظیم نمایند . وتناسب ارتباط فا میلی وخانوادگی را با اجتماع درك کنند وبایدمسؤلان جوامع بشری برای ایجاد زندگی انسانی و دوستداشتنی این تناسب را در نظر داشته و هر دو محیط خورد و بزرگ یعنی‌خانواده واجتماع را در پرتو دید درست ایجادنمایند، واین تدبیر از جمله اهم فعالیت هایی محسوب می شود که زنان و مردان، خانواده ها و اجتماع‌مسئول آن می باشند .

درنتیجه گیری از ین بحث‌مختصر وبه ارتباط سال‌بین المللی زن‌بیشتر از همه بخاطر هدف انسانی تعلیم و تربیه درست فرزندان باید همه اذهان واعتراف نمایند که زنان و مردان اعضای هم سویه جامعه اند و باهم جامعه را می سازند و یکجاباهم به ارتباط زندگانی اجتماعی ،خانواده های خویش را با محیط وسیع وگسترده اجتماع پیوند می زنند و هریك درکنار دیگر چون مهره های زنجیر و حدت اجتماعی تاثیر دارند وبه همین ترتیب در تربیه نسل‌های بعدی زنان و مردان، خانواده ها واجتماع مسئولیت های مشترك داشته ودارند .

ketabton.com - The Digital Library

دپښتو څېړنو دبین المللی مرکزدبین المللی سیمینار له بیاناتوڅخه

# په پښتو ادب کښی د تاریخی پیښو انعکاس

دو همه برخه

که مونږ دخپل اولس په سیاسی او فرهنگی تاریخ کښی لږ تر شا ولاړ شوو اود لر غونو زمانو زړی پاڼی ولټوو نو هلته مود لسو قبیلو دجگړی دکیسی سندره تر سترگو کیږی چه یوه قبیله یی (پکتها) (۱) نومیږی اود پښتون دکلمی لرغونی اصل دی بیاچه دغه پاڼی واړوو هلته دپکهت دتوریالی توره دهوتکی باچا تورو ایانا او ددغی قبیلی دښه شاعر اود ښی وینا دخاوند شی ویانا (زوی) ترمنځ دجنگ سندره لولو (۲).

همدارنگه که مونږ په موزیمو نو کښی دخپل هیواد زړی کیسی ولولو هلته دافغان واکمنانو (۶۳۰-۷۶۰م) ځینو داسی نومونو یا په اغلب احتمال رسمی القابو سره مخا مخ کیږو چه هغه داوسنی پښتو دلغاتو سره دمقایسی په نتیجه کښی یوه حماسی معنا ور کوی.

مثلا کشتریا چه د(کښه - توره) نمایند گی کوی یا تور مان چه د (تورمن) شکل دی یا تروجن پا له چه تور ځن پال سره همر نگی لری اویا داسی نور.

مگر کله چه بیاد متدا ولو کتابونو پاڼی اړوو رااړوو بیانو گورو چه د پښتو په لیکل شوو ادبیا تو کښی چه زمونږ په لاس کښی دی دپښتو شعر ترټولو لر غونی پارچه یو حماسی شعر دی چه امیر کروړ د امیر پولاد زوی ویلی دی.

امیر کروړ چه په جهان پهلوان مشهور ووایی:

زه یم زمری پردی نړی له ما اتل نشته
په هندوسند وپر تخار او پر کابل نشته
بل په زا بل نشته له ما اتل نشته
غشی دمن می ځی بریښنا پر میرځمنو باندی
په ژوبله یو نم یر غالم پر تښتید ونو باندی
په ماتید ونو با ندی له ما اتل نشته
زما دبریو پرخول تاو یږ ی هسک په نمنځ اوپه ویاړ
داس له سوومی مځکه ریږدی غرونه کاندم لتاړ
کړم ایوا دونه او جاړ له ما اتل نشته
زمادنوری ترشپو ل لا ندی دی هرا تو جرو م
غرج وبا میان وتخار بولی نوم زما په اووم
زه پیژ ندو یم په رو م له ما اتل نشته
پر مرو زما غشی لوبی ډاری دښمن راڅخه
دهریواله رود پر ځنډو ځم تښتی پلن راڅخه
رپی زړن را څخه له ما اتل نشته
دزرنج سو به می دتوری په مخ سور وکړه
په باداری می لوړ ا وی د کول د سور وکړه
ستر می تر بور وکړه له ما اتل نشته
خپلو وکړو لره لور پیرزو ینه کوم
دوی په ډا ډینه ښه بامم ښه یی روزنه کوم
تل یی ودنه کو م له ما اتل نشته
پر لویو غرو می وینا درومی نه په ځنډو په ټال
نړی زماده نوم می بولی پردریخ ستا یوال
په ورځو شپو میا شتو کا ل له ما اتل نشته

په دی شعر کښی دافغا نیت اوزړور توب داحسا ساتو په خوا کی فردی ځان ستاینه او قبیلو ی افتخارات هم ځلول شوی دی.

څرنگه چه ددی شعر په لفظ اومعنا کښی دپولادو کروړوا لی لیدل کیږی اود شعر دلفظی فور می اومعنوی ارزښتو نو له مخه یو پو خ او قوی شعر دی نو دانه شی ویل کیدای چه دادی دپښتو لومړی شعر وی بلکه دشعر پیژند نی دژوری څیړنی له مخه دغه پارچه دیو رسیدلی ادب نمایند گی کوی چه متاسفانه تردی دمخه آثار مونږ سره نشته دغزنوی سلطنت په وخت د خلا فت دمر کز رسمی ژبه عربی له رسمی اعتباره ولوید له دری یی ځای ونیولو په دربار کښی رسمی اوادبی توجه ورته وشوه تردی وخته پوری په غور کښی دسوری گور نی واکمنی وه.

په دی وختو نو کښی دادبی آثارو دایجادجریان هم دسیا سی پیښو او حالاتو تر اغیزی لاندی دوام کاوه. دهغه وختو نه دی چه دغز نی ددربار ددری درباری شا عرا نو خولی په مر غلرو دکید لی او دغور ددربار دپښتو شا عرانو له خولو نه مر غلری تویید لی.

هلته اکثرا تغزل اولیریکه شاعری ترقی کوی دشعر په هره مصرع کی دزړو شرابو موجونه غورځنگ وهی اونوو ځوانو ښکلو معشو قو مکیزونه ورته ناڅی په دغه ارامه بی غمه او خوشگواره فضا کښی د فردوسی حماسی داستان اوادبی شهکار شا هنا مه هم جوړیږی.

دلته دشعر مو ضوع ساندی اوویرنی وی چه په خپله محتوی کښی حماسی غور ځنگ هم دیو دفا عی عکس العمل په شان لری.

هلته دغزل رنگینی جام شرا ب ساقی رقص خمار.

دلته درزمی شا عری طبیعت په غره غرنډی غا ټول اود صحرا په پرا خه لمن کښی انعکا س مومی.

نمونه یی دشیخ اسعد سو ری بولله ده چه د امیر محمد سوری په ویر کښی یی لیکلی ده کله چه غزنوی سلطان محمود باچا کیده امیر محمد سوری دغور با چاو په پای کښی سلطان محمود ورپسی لښکر وایست او هغه یی بندی راوست. په بند کښی یی له غیرته زهروخوړل او مړ شو.

داټولی خبری دشیخ اسعد سوری په بولله کښی راځی چه په ۴۲۵ه کی ویل شوی او ۴۴ بیتونه لری.

دا بولله دیو تشبیب په تو که دغور دغرونو دپسرلی دطبیعی رنگینو دښکلا په انځو رولو پیلیږی اود گریز په ډول اصل مو ضوع ته ننو ځی اودپیښی دتصویرو لو په ذریعه رنگینه حماسه تری جو ړیږی دابولله په دی بیتو نو شروع کیږی.

دفلك له چا رو څه وکړم کو کار
زمولوی هر گل چه خا ند ی په بهار
هر غټو ل چه په بید یا غو ړیده وکا
ریژوی یی پا ڼی کا ندی تار په تار

پاتی په ۸۵ مخ کی

ژوندون

(۱) ریگوید- ۱۴۰۰ قم
(۲) ریگوید- دوهم ټوك ۴۶۵ مخ لسمه برخه ۶۱ سندره

ketabton.com - The Digital Library

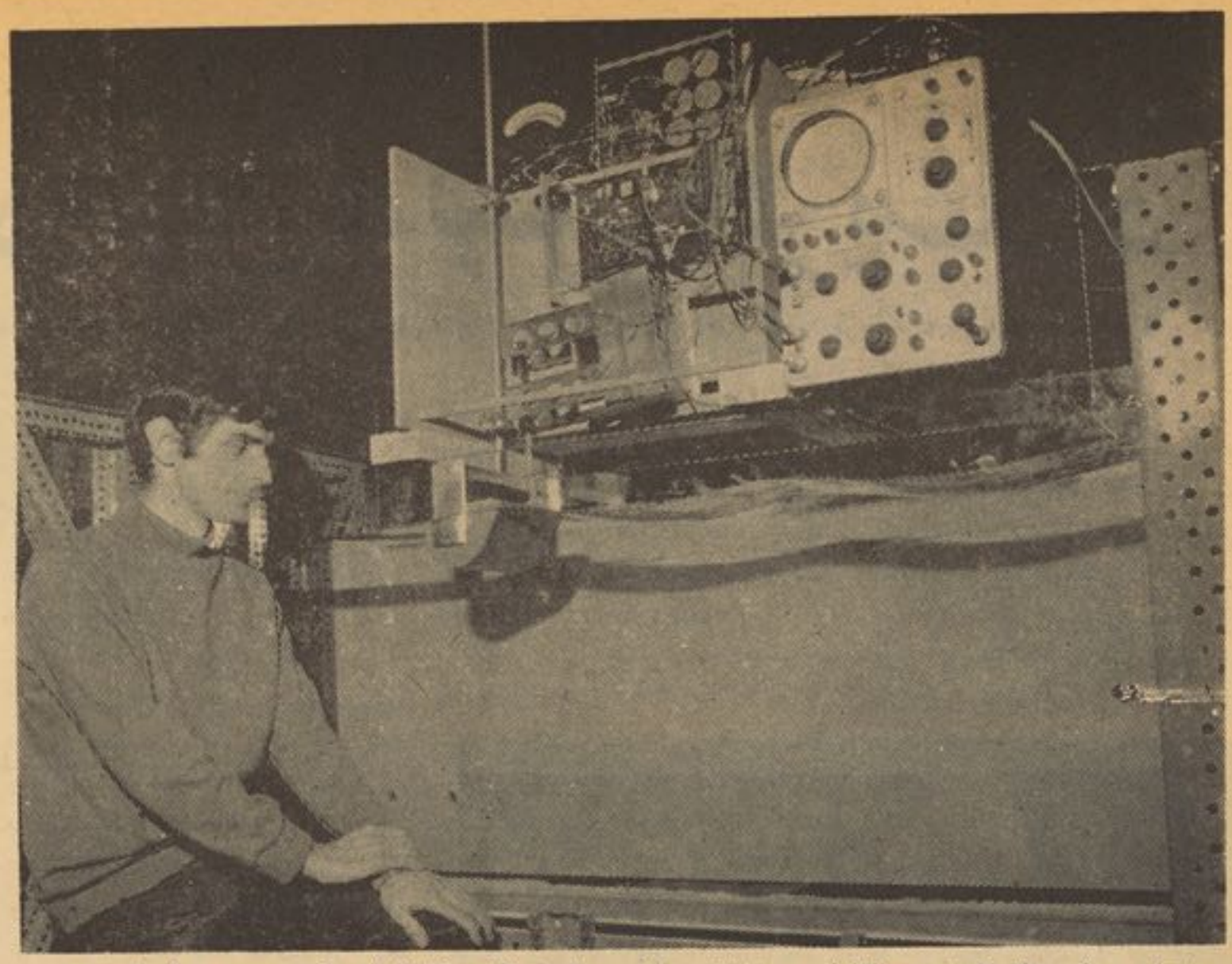

«ستیفن سالر» یك انجنیر میخانیك‌درپوهنتون « ادنبره» است که درکارانرژی ازبحر مصرو ف است .

ترجمه ونگارش رونده

# برق از سنگها، باد، بحر و آفتاب

هرچند تفحصات برای منابع نفت یا «نیل فوسیل ها» روز بروز فزونی می گیرد ، هر کشوری در صـــدد یافتن چنین منابـع طبیعی دست وپا می کند ودرین اواخر منابع زیا دی هم برای بدست آوردن نفت دربعضی کشور ها کشف شده است کـــه احتمال اتکاء بخود درین مورد برای آنهایی که تازه باین ثروت دســـت می یابند زیاد شده میرود ، وباآنکه برای انکشاف نیروی ذروی وطرق استفاده از آن کار های زیادی‌صورت میگیرد ، هیچ کسی بفکر آن نیست که منبع بزرگ یورا نیوم یا ذخایـر طبیعی نفت باین زودی ها بپا یان خواهد رسید .

درست است که در جهان ماهنوز مقدار قابل اعتنائی از نفت، ذغـال سنگ و مقدار خیلی زیاد یورانیوم وجود دارد مگر تمام اینها حدی برای پایان یافتن دارد و مقدار آن معیـن است. از آنرو باید وقت آن رسیده باشد که دربارهٔ منبع انرژی و شکل دیرپای آن فکری اساسی کرد .

یك گروه دانشمندان وانجنیرا ن امور ذروی وانرژی بنام« تانك فکر» اخیرا برهنمایی داکتر داوسن در هارول یك مرکز تحقیقات انرژی‌ذروی را در جنوب انگلستان بنیاد گذاشته اند تا پیچیدگی های مسایل انرژ ی ومنابع انرژی رادر آینده، موقعیکـه (تیل از فوسیل) وانر ژی ذ رو ی (از یورانیوم) بپایان میرسد مـورد غور قرار دهند .

**شمارهٔ امکانات :**

این گروپ دو مورد برای مطالعه دارند : نخست پژوهش را نهایـی است که چگونه از منابع مو جـود انرژی بهترین‌استفاده شده میتواند؟ ودوم آنکه با خونسردی و حوصله مندی در بی امکانات اسـتفاده از منابع دیگر ی افتاد تا در پا یان این قرن بحیث منبع انرژی بکار برده شده بتواند .

در برتانیا موقعیت جیو لوژیکـی وجغرافیایی زمینه های مساعدی در اختیار این دانشمندان گـذا شتـه است .

انرژی آفتاب در ساحل جنوبـی منبع یگانه است که در عمل می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و لی این درساحاتی است که اشعه آفتـــاب بیشتر می تابد واستفاده از این‌منبع در گرم کردن آب قابل توجه بـوده می تواند . هر چند چنین نتیجه‌گیری د رواقع یك نظرمنفی را ارائـه میکند مگر بصورت عمومی قابل قبول‌است که انرژی آفتاب در خور استفاده‌بوده ودر جا هائیکه آفتاب بیدریغ‌بردشت ها و کوهها می تابد امکان بکاربردن آن و تهیه وسایل تخنیکی آن رانباید ازنظر دور داشت .

نیروی باد نیز یك قدرت قابـل توجه است که باید آنرا مورد توجه قرار داد . این منبع در برتانیا در ساحات شمال و مناطق سکاتلند که نفوس کمتر دارد قابل مهار کردن است و لی هنوز این یقین و جـــود ندارد که بدون مقاومت محافظه‌کاران به نصب وسایل و تجهیزات برای تجارب عملی آن دست یافت. هرچند در کشور های دیگری که باد های مداوم یا موسمی دارد وزمینه‌مطالعات بر آن وسیع است می توان بـر آن حساب کرد و آینده را درنظرداشت. البته استفاده از بادوسایل‌وتجهیزات بزرگی در کار دارد که صحاری بدون زرع برای آن مناسب تر است تـــا مزارع وروستا ها را خساره منـــد نسازد .

با این ملاحظه می بینیم‌که دومنبع مذکور مفید به امکانات جوی میگردد از آنرو محققین درسلسله تحقیقا ت ومطالعات خود سنگ های گرافیت را برای این کار منبع‌قابل اعتمادتری تشخیص دادند . سنگ های‌گرافیت که در جنوب غرب انگلند نسبتا بر سطح زمین واقع اند . با شافت ها که بداخل این سنگها برده شده‌وآب ازآن گذرانیده شود آب بصورت بخار دو باره برمی گردد ومی تواند یك توربین را بحرکت آورد یا منازل راگرم سازد زیرا گرافیـت منبـــع بزرگ حرارت زمین بشمار میرود.

**وظیفه اصلی**

قدرت امواج بحر نیز میتواندیك منبع مداوم برای تجارب دانشمندان برای این مقصد قرار گیرد خاصه در پوهنتون ادنبره (سکاتلند) امکان‌این تجربه زیاداست . این منبع نسبت‌به آنچه گفته آمد نتیجه بخش تروامید وار کننده تر است . البته بـــرای کشور های ساحلی که ازآب بحـــر وامواج آن می توان استفاده کرد . در هوای نا مطلوب امواج‌تندترحرکت میکند واین درست مو قعی است که حرارت وانرژی بیشتری بـــرای تسخین و رفع نیاز های دیگر لازم است .

مضمون خاص ومشخص تحقیقات داکتر داوسن استخراج هایدرو جن ازآب بحر است بطوریکه بیك شکل کیمیاوی ذخیره شده قابل استفاده مجدد باشد .

وظیفه اصلی « تانك‌فکر» هارو ل اینست که بمو سسات حکومتی خود مشوره بدهد تا چگونه از این منابع استفاده کند ودرکدام یك پول‌بیشتر می توان مصرف کرد .

ketabton.com - The Digital Library

از: تایم

ترجمه: رهپو

# فراریکه دوسال پولیس را فریب داد

پاتی و هاریس که از چنین پناه گاهی رانده شدند دریك مزرعه دور افتاده واقع کوه های پوکنوی پنسلوا نیا نزدیك دهکده سوت کانان جای گرفتند ۰بگفتهٔ پولیس‌فدرال این کار توسط کمك جك سکات که معلم ورزش در مکتب اوبرلین اوها بوبود صورت گرفت ۰

این گروپ برای دورشدن ازچشم پولیس مزرعه راترك گفتند ۰وقتیکه پولیس به‌مزرعه دست یافت فقط نشان انگشت یو شیمورا را یافت ۰او در هنگام جنگ جهانی دوم‌دریك کمپ امریکا یی ـجاپانی نزدیك کا لیفرنیا بدنیا امد و از همان کودکی دختر عصیانگر بود بالا خره در سال ۱۹۷۲ پس از اینکه انار بمب در کاراژ خانه اش کشف شد ناپدید گردید ۰

ولی به عقیدهٔ تایم قاطع ترین سند برای کشف هرشت موتر فولکس واگون سرخ‌بود. از این فولکسوا گون در مزرعه سوت کانان بحیث پناه گاه استفاده می شد ۰صا حب قد بمیش موتر رابه کاتلین سولیا که ادرس خود و نمبر صندوق پستی را داده بود ۰ فروخت پولیس باتعقیب این قضیه دانست که سولیا ارتباط باگروپ ۱۰۱ دو گروه ((شصت تام)) که در قضیهٔ بانك ربایی نز دیك ساکرا منو در ۲۱ اپریل امسال متهم هستند ،دارد ۰دراین قضیه زن نقاب داری مبلغ ۱۵هزار دالر ازبانك ربود وزن خانه ای‌راکه می خواست پول بکشد کشت۰ در انموقع چنین اوازه شد که گروپ گروه پاتی در این قضیه ذید خل اند ۰

پو لیس صندوق پو ستی سولیا رامورد مرا قبت قرار دادو دید که نامه هابه ادرس جادهٔ ۳۸۸ پاتر یشا و۶۲۵ مور استریت ارسال میشود چارلز بتر رس یو لیس فدرال در سان فرا نسیسکو امر کرد هردو خانه زیر نظارت قرار بگیرد ۰در جاده‌پاتریشا ٤ پولیس که بموتر فورد پارنگ روشن‌سبز سوار بودند ما موریت یافتند و ۳ نفرپیاده پو لیس ها لباس عادی به‌تن داشته وریش گذاشتند ۰ولی با انهم مردم فهمیدند که قضیه ای در شرف وقوع است ۰

ساعت ۱۳ و ۱۵ دقیقهٔ روز پنجشنبه که روز روشن و سرد بود یك جوره از پارتمان ۲۸۸ پیاده‌شده و به پارك رفتند ۰پو لیسان فکر کرد ندکه این ها نفر های مطلوب‌هستند ولی یقین نداشتند زیرا عکس های اینـدو نفر کهنه و قدیمی بود ۰ولی هنگا میکه پس گشتند شك به یقین بدل شد ۰دو پو لیس از موتر باء سرعت خارج شدند و در حالیکه با تفنگ و تفنگچه مسلح بودند امر توقف دادند ۰یك همسا یه بیاد می اورد که :

((پو لیسان هیجان زده و لرزان معلوم‌می شدند زن سعی کرد فرار کند ولی در ۲۰ قدمی گرفتندش ولی مرد به ارامی مثل‌اینکه کودکی درعین ارتکاب‌گناه گیرآمده باشددست پایش رابلند کرد)) به‌این ترتیب ویلیام وامیلی هاریس گرفتار شدند ۰برخی از پو لیسان به اپارتمان به امید یافتن هرست حمله آوردند ۰در اپار تمان هرشت ٤۰ پوند باروت ٤ تفنگ ۳۰ کالیبراتو مانیك دوتفنگ کوتاه دونا تفنگچه و مقدار زیاد مواد جنگی رابه اپار تمان ۶۲۵ مورس استریت جلب یافتند ۰

با گرفتاری هاریس پو لیس توجه اش نمود ۰

تقریبا دو هفته پیش یك مود جوان‌با مو های خا کستری رنگ اپار تمان کوچکی‌را با کرایهٔ ۱۸۰ دالر درماه اجاره گرفت وچکی به اعضای ((چارلی آدمز)) پر داخت ۰بعد تر مرد دیگر یکه کمی کوتاه‌تر وسیاه تربود به ((آدمز)) کمك کرد تا اثاثیه اش‌را به اپار تمان انتقال کرد ۰بااوزن باریك اندامی که کلاه پخ پخی بسر داشت ونمی‌شدچهره اش را خوب شناخت همراه بود ۰((آدمز)) مانند هاریس در ابتدا روابط خوبی با همسایگان پیدا کردند. بعدتر دختری‌که کمی باریکتر وبلند تربود بانها پیو ست ((آدمز)) عموما ساعت ده صبح اپار تمان را توسط موتر استیشن واگون ترك میکرد و دیگر وقت می آمد .ولی ایندو وزن به‌ندرت دیده می شدند ۰

هرشت پیش ازاختطاف

بعد از اینکه پولیس هاریس را گرفتار کرد یك ساعت و ده دقیقه بستر ۰تمام‌بادن وتیمی گازی پو لیسان مجرب اف ۰بی۰ ای راه زینه اپار تمان رابه پیش گرفتند دروازه رازدند بازشد ۰ازپشت دروازه وندی یوشیمو به‌بیرون دید ودرعقبش پاتی هرشت‌که کمی بلندتر بودقرار داشت پادن به ایشان اخطار داد که ((شور نخورید وگرنه می کشم)) هردوزن باوجود یکه تفنگچهٔ های ۳۸ کالیبر داشتند عکس العمل نشان‌ندادند۰

طی جستجو از اپار تمان یك پشك ،کمی کالا و ظروف چرك و چتل ،دو تفنگچه دیگر دوقبضه تفنگ برکرده ،مقدار مهمات و یك بته ماریجوانا یافت شد.

هرشت وهمکارانش گرفتار شدند

ketabton.com - The Digital Library

بعد ها فهمیده شد که ((آدمز)) همان استفن اف سولیا ۲۷ ساله است ۰سولیا که زمانی رنکمال بود دراپارتمان دیگر یافت شد و بجرم مخفی کردن مجرمین از چنگال قانون محکوم شد ۰پو لیس سعی کرد تا کالین سولیا خوا هرش رانیز گرفتار کند ۰

در همین موقع مادر پاتی‌از لوس انجلس پروازکرد۰ درخط هوایی پاسفیك سوت‌ویست جوکی اول رابرای کاترین هرشت که‌بساعت ٤ بعد ازظهر پرواز میکرد فروغ کرده بودند کاترین هرشت وشوهرش راندولف هرشت برای ۵۹۱ روز ر حالت اضطرا ری‌وپرشانی

ناشی از گم شدن دختر شان بسر بر دند را نئو ل هر شت‌که یکی از پو لدا ر ترین ناشر ین کتب در امریکا ست ومجلات چندی چون اگسامینر پو لس یکاسیك ۰گو دهد زگپنگ و غیره را دارامیباشد در ابتدا مبلغ ۵۰ هزار دالر را برای کسیکه خبری از او بدهد انعام‌قایل شد ولی سودی نداد۰ اینها باوسایلی چون دعا خوانی وجن گیری متوسل شدند مگر سودی نبخشید . دراین مدت ملیتی هرشت مادرکلان پاتی هرشت مرد بدون اینکه ازگم شدن نواسه اش خبر شود وحتی مادرش به تلویز یون آمد وازپاتی خواست بخانه بر

گردد وحالا پاتی یافت شده بودهردوباتلاش سعی کردند که خودرا به او برسانند ۰این زن پیراهن سیاه خوش دوخت بـه تنش نموه وسه رشته مروارید غلتان بگـر نش آویزان بود۰ رین‌موقع خبر نگاران بسویش هجوم آوردند ومهماندار طیاره سعی‌کردآنان را براندولی کاترین هرشت نگذاشت و در برابر این سوال که اولین عکس العملش بعد از خبر شدن از پیدا شدن دختر ش چه بوده گفت که ۰احساس ارامش کر دم وتکر نمودم ۰ با انکه او کلمات بدی د ر مورد ما بکار برده او را می بخشم، و فکر نمی کنم ۱۹ سا نژد یکی با ما را فراموش کرده باشد ۰

حتما کاترین هر شت این مطلب رااز روی زندگی سابق پاتی می‌زند زیرا تاموقعیکه نطق بیزاری از جامعه انس را رادیـوی یوهنتو ن بر کلی پخش شده بود دخترسر براه بود وتـاآن موقع به بسیاری عنعنات امریکائی پابند بود ولی شب ٤ فبروری۱۹۷٤ زندگی اوبه یکبار گی دستخو ش تغیـر شد ۰

دران شب پاتی در حالیکه جیغ میزدوفقط قدیفهٔ حمام بدو رش بود توسط سه نفر عضو ۰۱ ۱ .د که معشو قش استفس وید

کمره اتومات بانك از هرشت هنگام‌بانك‌دزدی عکس گرفت

هرشت هنگام تحصیل

داده باشد به ارزش ۲ ملیون دالر لـذا و لباس به فقرای خلیج سان فرا نسیسکو کمك کردند ۰

خبر های تکان دهنده‌هفت هفته بعـد توسط فیته رسد پاتی با آرامش و سردی اعلام کردکه عضو ۰۱۰۱د شده است اوگفت «بهتر دانستم کـه بمانم وبـرزمم» اوپدرش را از انکه ادعا کرده بود به فقرا کمـك میکند ((درو غگو)) خواند ۰اوگفت کـه ((نه مغز شویی شدم ،نه مواد مخدره‌گرفتم نه شکنجه شدم ونه عیینو تیزم)) عمراه با فیته یك عکس ازپاتی بود که تفنـگ بدست ودربرابر یك پوستر مار کبـرا ایستا ده بود۰ هفتهٔ بعد خانوادهٔ هرشت تکان‌دیگری خور دند درسانفرا نسیسکـو شعبهٔ بانك هرنیا توسط یك مرد سیاه‌پوست و٤ زن سپید پوست مورد حمله قرارگرفت و آنان ۱.۹٦۰ دالر رابا خود بردند وبعد از اینکه فلم کمرهٔ اتومات بانك نسخـه شد معلوم گردید که پاتی هرشت درچین دزدان بود پدرش در حالیکه از شنیـدن خبر می لرزید گفت :

((و حشتناك است اشعت هفته قبل او دختر دوست داشتنی بود ولی حالا تصویری از او که لولهٔ تفنگ بدست وبانك رامی ربابد در برابرم قرار دارد)) وقتیکه‌هاریس در فرو شگا هی بجرم دزدی کردن یـك جوره جراب که ٤۹ سنت ارزش داشـت تعقیب گردید پاتی هرشت که در موتری انطرف تر قرار داشت چلو فـروشگاه را بگلو له بست تافرار هاریس راعملی‌کند۰

بتاریخ ۷ می ۱۹۷٤ بیش از ٤۱۰عسکر و پو لیس مسلح بیش از شش نفـر اعضای ۰۱۰۱د را دریك خانه رنگ سـرخ داشت واقع لوس انجلـکس به محاصـره کشید ۰انان بیش ازه هزار پوند مهمات جنگی بداخل خانه ریختند و صحنهٔ خونین جنگ بین این افراد و پولیس را میلیون هانفر در امریکا از طریق تلویزون تماشا

دربالاامیلی وهاریس درپائین‌بونسیمورا

کردند خا نوادهٔ هرست نیز جزو این‌تماشا کنند گان بودند و از ترس اینکه مبادا پاتی در درون خانه کباب شده باشدبخود می لرزیدند.در درون خانه شش جسـد سوخته باقی ماند ۰ولی پاتی و هـاریس گریخته بوند و قضیهٔ فرار هنوزهم ادامـه یافت ۰

ازان پس پاتی با هاریس همراه بود آنان جفت عجیب هستند ۰پیش از انکـه سربه عصیان بکشند هردودر خانواده‌متوسط و محتر می بزرگ شدند ۰بیل که پسریك فرو شنده مسالح تعمیراتی بود در کارامل اندیا تا بزرگ شد و مادرش می گویـد ((که هیچگاه فکر نمی کرد پسرش روزی با پدرش مناقشه کند)) ولی دوران‌عسکری که بحیث تفگدار در پایی درو یتنام بسر برد اورا دگر گون‌ساخت ۰هنگام باز گشت در صف مخالفان جنگ ویتنام قرار گرفت او امیلی را درسال ۱۹۷۰ هنگـا میکـه

بقیه درصفحه ۵۹

ketabton.com - The Digital Library

ادبیات جهان

اتحاد شوروی

از :میخایل زو شچنکو

ترجمهٔ «ر.ز»

# ماجراهای یك شادی

در شهری ،واقع جنوب،باغ وحشی‌وجود داشت ،باغ بزرگی نبود، درین باغ یـــك پلنگ، دوتمساح ، سه مـار ، یك گـوره خر، یك شتر مرغ ،یك بوزینه یا اگرساده تر بگو بیم ،یك شادی ویك خر زندگـــی میکر دند ،و البته که درپهلوی اینهاجانوران خرد وریزه دیگری‌هم بودند: پرندگان ماهیان بقه‌ها وریزو بیزدیگر قلمرو حیوانی.

در آغاز جنگ هنگامی که فاشیست هـا شهر رابمبارد مکر دند بمبـی مستقیمـا در باغ وحش افتاد و در میان حیرت‌جانوران با آواز کر کنندهٔ مهیبی منفجر شد .

سه تاه مار بیدرنگ مردند که این البتـه احتمالا حقیقت چندان غم انگیزی نیســت و متا سفانه شتر مرغ هم کشته شد .

جانوران دیگر صدمه یی ندیدند. تنها طوری که گفته میشود ،فقط ترسیـدند ،در میان جانوران ،شادی بیشتراز دیگران‌ترسیده بود، قفس شادی در اثر حرکت یك مـوج هـوا ازروی پایه اش افتاد و یك طـرفـش شکست درنتیجهٔ شادی ماازقفس برآمدوبـا در پیاده رو باغ وحش گذاشت .

وقتی شادی ازقفس برون افتاد ،مثـل آدمها که هنگام‌عملیات نظامی بیحرکت‌میمانند، بیحرکت نماند .برعکس ، بیدرنگ‌سردرختی بـاغ جهید از آنجا خـو دش رابـه سرك انداخت و مثـــل دیوا نه بـــی شروع به دویدن کرد .

شادی در حالی که میدوید ،احتمالا فکـر میکرد :

«وقتی به اینجا بمب میاندازند ،هیـــچ خوشم نمی آید.

در نتیجه ،باتمام قدر تش در خیابا نهای شهر به دوش پر داخت ،تمام شهر رازیر پاگذاشت . سریك شاهراه رسید ودرامتداد آن به دویدن شروع کرد ،خوب ،شادی که آدم نیست ونیك وبد را نمیفهمد ونمیداند که باید درشهر خودش باقی بماند .

شادی دوید ودویـد وخسته شد. مانـده و فرسوده سردرختی رفت چند تامگس وگرم را خورد تانیروی ازدست رفته اش را بـاز یابد ،بعد، روی شاخهٔ درخت ،همانجا کـه نشسته بود، به خواب رفت .

درین هنگام یك موتر حمل و نقل نظامی از راه میگذشت ،چشم راننده به شادی افتاد تعجب کرد ،باآرامی به شادی نزدیك شد، کرتیش راروی او انداخت و گر فتش وبه موتر بردش . درینحال فکرکرد:

«بهتر است این‌شادی رابه دوستان خودم بدهم تا اینکه بگذارم درینجا از سرمـا و گرسنگی نابود شود .

بدینصو رت ،یکجا باشادی به راه افتاد سر انجام به شهر «بوری سوف»رسیدند. راننده برای اجرای پاره‌یی از امور از موتر برآمد ،شادی را میان موتر تنها گذاشت و به او گفت :

«عزیزم ،همینجا صبرکن ،من دستی بسر میگردم .

ولی شادی ما صبر نکرد ،ازیك ارسـی شکسته ،موتربیرون‌خزیدودرامتداد خیابان‌شهر به راه رفتن شروع کرد .

شادی ، مانند آهویی ،درامتداد سرك‌به‌راه افتاد و درحالی که دمش را در هوابلنـد گرفته بود، قدم‌میزد ،مردم البته که حیـرت کرده بودند ،میخوا ستند او را بگیرند ،ولی به دست آوردن او کار آسانی نبود ،بـرای اینکه باچار تادست کوچکش باتندی وچالاکی میدوید ،سر انجام‌مردم اورا گرفته‌نتوانستند تنها بادوید نهای بیمعنی خسته اس کردند.

خسته و کوفته و البته هم‌که گرسنه‌بود، ولی دریك شهر ازکجا میشد خوردنی‌به‌دست آورد. آخر یك شادی که‌نمیتواند بادم‌خودش به یك رستوران یایك‌مغازهٔ کو پراتیف‌برود گذشته ازینها ،نه پولی داشت ،نه کارت‌جیرهٔ غذا ،چه کابوسی !

با اینهمه ،به یك مغازهٔ کو پراتیف‌داخل شد، احساس کرده بود که در اینجا میشود چیزی به دست آورد ،درین مغازه برای‌مردم سبز یهایی از قبیل زردك ،لوبیا وبادرنگ میفرو ختند .

وقتی پابه مغازه گذاشت ،دید که قطار طویلی از جمعیت منتظر نوبت خرید هستند، شادی ما شـروع به تیله کردن مشتـر یان نکرد تا خودش را نزدیك دخل فرو شنده برساند . درعوض ، باسادگی از روی‌شانـه های مردم گذشت و خودش رابه دختـــر فرو شنده رسانید ،درینجا هم از قیمت یك کیلو زردك پرسانی نکرد ،فقط ،آنطـــوری که میگویند، مقداری زردك چور کردوشادمان از «خرید» خودش پابه فرار گذاشت . خوب ،یك شادی نمیفهمد که خوب چیسـت و بد کدام است ،بدون خوراك ماندن هـم برایش مفهوم نیست .

البته که در مغازه آشوبی بر پاشد ،سرو صدا و فریاد بلندگشت،مردم شروع به چیغ کشیدن کردند ،دختر فرو شنده که مشغول وزن کردن لوبیا بود ،از حیرت تقریباضعف کرد وقعا که شماهم وقتی ناگهان ببینیـد که در برابر تان به جای مشتری عـادی ، مو جودیً پرمو ی‌بادم بلند ایستاده است، و برعلاوه‌در برابر جنس پول‌نمیپردازد، مـــی ترسیده‌ردم‌به دنبال شادی به‌سر کت‌براهدند شادی درحالی‌که میدوید، زد کهارامیجو ینو میخورد،آخر یکشادی که‌نمی فهمید بـــد چیست‌و خوب‌کدام است پیشا پیش عمه‌بچه ها میدویدند، بعدبزرگسالان وبه دنبال همه یك پولیس‌در حالی‌که اشپلاق میزد، مـــی دویدند.

ناگهان‌سگی‌ازچایی نازلی شدوبه‌دنبال‌شادی مابه راه افتاددرینحال نه‌تنها عوعو میکرد،بلکه چندرصدد این‌بودتا شاد ی‌رابادندان هایش چك بزند .

شادی مانندتر میدوید ،درحالی که مـی دوید، شاید فکر میکرد:خیلی بدشد که باغ وحش‌را ترك‌کردم بسیار آسانتر است‌که آدم دریك قفس‌نفس بکشد، دراولین فرصت بـه باغ‌وحش برخواهم گشت.

بدینصورت ،باتمام قدرتش میدوید، ولـی سگ هم عقب‌نمیماندو نزدیك‌بودکه اورا بـه گیرد.

بعد،شادی ماناگهان سر میله های‌یك دیـوار خیزد،در همین‌وقت سك‌هم جهید تاپا ها ی شادی رابگیرد، ولی‌شادی باتمام قدرتش‌زدك هایی راکه به‌دست‌داشت، به بینی‌سگ‌کوفت این‌کار راباچنان عصبانیت انجام دادکه سگ عوعو کنان‌بابینی خون آلودراه خـانه‌را پیش گرفت،شاید هم‌درین حال فکر میکرد:

«نی، همشهریان، من‌ترجیح‌میدهم که‌آرا م در خانه بخوابم‌تا اینکه برای شما یاشاد ی را بگیرم وباچنین تجربهٔ ناخوشایندی روبه‌او گردم.

خلاصه اینکه سگ‌فرار کردوشادی ما به‌یك حویلی داخل‌شد درین لحظه ،دو حویلی پسر جوانی،یعنی(( الیوشاپـــوپـــوف))، مشغو ل شکستاندن چوب‌بود، وی‌ناگهان چشمش بـه شادی افتادپسرك خیلی به‌شاد یهاعلاقه‌داشت ودر تمام‌عمرش خواب‌داشتن یك شادی رادیده بودو حالادفعتا یك‌شادی در برابرش وجـــود داشت.

((الیوشا)) کرتیش راگشیدوبااین کر تی شادی‌راکه درگوشه یی‌اززینه خزیده بـــود گرفت.

پسرك شادی‌رابه خانه آورد،به اوغذاوچای داد،شادی هم‌سخت‌خوشحال شدامامادرکلا ن ((الیوشا))بیدرنك از شادی‌بدش آمد،سرشادی فریاد کشید حتی میخواست اورابزند اینهـا همه‌به خاطرآن‌بودکه وقتی سرگرم خوردن‌چای بودند ومادر کلان‌سر ینی نیم خورده‌اش رابه پشقاب گذاشت، شادی‌این شرینی رابرداشت وبه دهن‌خودش انداخت‌خوب‌آخر یك‌شاد ی‌که آدم نیست اگرقرار باشد که‌آدمی چنین کاری بکند، دربرابر چشمها ی‌مادر کلان‌که نمیکند. ولی شادی‌این عمل‌را درحضور مادرکلان‌مرتکب شدوالبته که مادر کلان نزدیك‌بودبه‌گریه‌درآید مادر کلان گفت:

«اصلابی‌نهایت ناخوشایند است‌که‌یك شادی بادمی‌که‌دارد ،دریك اپارتمان‌باآدم‌زندگی‌کند،او باسیمای غیر انسانیش مـــراآزار میدهد، در تاریکی برسرمن خیز خواهدزد و شرینـی مرا خواهدخورد، من،من‌قطعاباو دریك‌اپارتمان زندگی‌نمیکنم.یکی ازمابابد به‌باغ‌وحش‌باشدتی، بهتر است اوبه باغ‌وحش برود ومن‌درهمین اپارتمان بمانم .

«الیو شا » به مادر کلانش گفت:

«نی،شمالازم نیست به‌باغ‌وحش بروید،من ضمانت میکنم‌که شادی دیگر چیزی‌از شما را نخواهد خوردمن اورا مثل‌یك‌آدم‌تربیت‌خواهم کرد، من به‌او یاد خواهم داد که باقاشق غذابخورد وچایش‌را ازگیلاس بنوشد، ولی‌در مورد خیز زدن‌باید بگویم‌که نمیتوانم اورا از

ژوندون

ketabton.com - The Digital Library

خیززدن‌به چراغی‌که درسقف آویزان‌است،منع کنم. البته که ازانجا به سرشما خیز خواهد زد.ولی مسالهٔ مهم‌آن است که‌ازین کار اونه ترسید.برای اینکه‌بالاخراوشادی بی‌ضرریست که درافریقابه خیززدن عادت‌کرده.

روزدیگر(( الیوشا))به مکتب‌رفت وازمادر کلانش خواهش کرد که‌متوجه شاد ی‌باشدولی مادر کلان ازشادی‌مو اظبت نکرد. وی‌اندیشید:

-من چرا ازیک غول بیشاخ و دم مراقبت کنم؟

مادر کلان بااین اندیشه ها تعمدادرچوکی بازو دارش به‌خواب رفت .

درین اثناشادی ماز پنجرهٔ بازی به بیرون خیزید وبه‌کنار آفتابی خیابان رفت .کسی‌نمی داندکه چرااین کار راکرد. شاید میخوا ست کمی‌قدم بزند، شاید هم میخواست به مغازه یی‌سربزند وبرای خوش چیزی بخردکه‌البته‌نه دربرابر پول. بلکه مانند دفعهٔ پیش.

به‌هر صورت، درین هنگام مردسالخورده یی، یعنی((گاف ریلیچ)) معیوب ازخیا با ن میگذشت. اومیخواست به‌حمام بخار برد.بقچهٔ کوچکی با خودش داشت که‌حاوی صابو ن و لباس حمام بود .

چشمش که‌به‌شادی افتاد،در آغازاصلاآنچه رامیدید، باور نمیکردپیش خودش‌اند یشیدکه شاید اشتباه میکند، زیرا قبلاپیمانهٔ بزر گی پر ازبیر خورده بود.

اما میدید که‌شادی هم به‌اوخیره خیره‌می نگردشاید شادی فکر میکرد .

- این دیگرچگونه آدمکیست ، بابقچه‌یی‌زیر بغل؟

سرانجام((گاف ریلیچ ))پد یرفت که یک شادی واقعی رامی بیند نه یک شادی‌تصوری را .بعد ،فکر کرد :

-میگیر مش و فردا هم میبر مش بـــه بازار صدروبل می فروشمش .بااین پـــول میشود ده پیمانهٔ بزرگ بیر بخرم .

((گاف ریلیچ)) با این اندیشه ها شروع کرد به گرفتن شادی .اول صدا کرد :

-پیش ... پیش ... پیش ...پیش ... بیا اینجا .

بعد ،در یافت که این موجود گربه‌نیست که اینطور صدا پش کند .ولی این راهـم نمیدانست که باچه زبانی با شادی سخـــن گوید .بعدتر فهمید که شادی عالیترین‌مخلوق در قلمرو جا نوران است .ازپرواز چیبش یک پارچه‌قند بیرون کشید .قند رابه شادی نشان داد و درحالی که‌به او تعظیم میکـــرد گفت :

- شادی زیبا، میخواهید یك پارچه قندمیل کنید ؟

شادی گفت :

-اگرشما خوش میشوید ،بدم نمیاید... حقیقتش این است که شادی چیزی‌نگفت برای اینکه اوسخن زدن را نمیداند .تنهـــا آهسته جلو رفت ،پارچهٔ قند را گرفت وبـه خوردن پر داخت .

((گاف ریلیچ)) او را برداشت در بقچـه اش گذاشت و شادی ما از میان بقچه خیز نزد .شاید خودش فکر کرد :

- بگذار این آدم خسته کن مرادر بقچـه اش حمل کند. این‌کار برایم دلچسپ است ((گاف ریلیچ)) اول فکر کردکه شادی رابـا خودش خانه ببرد .ولی بعد، نخواست که‌به عقب‌برگردد وهمراه‌شادی به‌حمام بخاررفت.در ینحال فکر کرد :

-بهتر است همراه شادی به‌حمام بخـــار بروم .اورا میشویم .در ینصـورت پاك و ستره خواهد بود .بعد یک بو دور گردنش می بندم تادر مقابل پول بیشتری بپردازند.

بدین ترتیب همراه شادی به حمام بخـار رفت و به شست و شوی او شروع کرد.

هوای حمام بخار داغ بود. مثل هـــوای افریقا .و شادی ماازین فضای‌داغ بسیـــار خو شش آمد. اما آرام نبود، زیرا ((گـاف ریلیچ)) اورا صابون زد و صابون به‌دهنش رفت .البته که صابون مزهٔ خوبی ندارد،ولی به آن اندازه هم بد مزه نیست که آدم فریاد بزند، چنگال بکشد واز شستن خـود دار ی کند.

به‌هرصور ت،شاد ی‌ما شروع‌کرد به‌تف‌کردن ولی صابون به چشمها یش‌رفت‌و اینوضـع سبب شدکه اوکاملادیوانه گردد.

در نتیجه انگشت((گاف ریلیچ)) رادنـــدان گرفت، ازدستش گریخت‌و ازحمام بخاربیرون جهید. انگار دیوانه شده باشد.

به‌اتاقی داخل‌شد که‌مردم لباسها یشان را بیرون میاورند وهمه‌را به‌وحشت انـــداخت. هیچکس نمی فهمید که‌این مـــوجود فقطیک شاد یست برای اینکه چیزی گلوله،سفید و کف‌آلود رامیدید ندکه به‌درون آمده است .

شادی اول‌سر چوکـــی خیزدو بعد سر بخاری ازآنجا سر صندوقی جهید.از آنجابـر سر کسی خودش‌را انداخت وبعدهم دوباره‌سر بخاری رفت.

چندتن از نگهبانان بافریاد های عصبی به بیرون دویدند. شادی ماهم‌به بیرون دویدو از زینه پایین رفت.

آنجا درپایین قفسچه‌یی بودکه صندو قدار حمام دران می‌نشست شادی فکر کردکه درین قفسچه‌آرامتر خواهدبودو باآنقدر سروصدا روبه به‌رو نخواهدشد. ولی درین قفسچه‌خانم چاقی نشسته‌بودکه بادیدن شادی فریادی‌کشید وبه‌بیرون دوید درحالی که‌جیغ میکشید:

بقیه در صفحه ۵۰

ketabton.com - The Digital Library

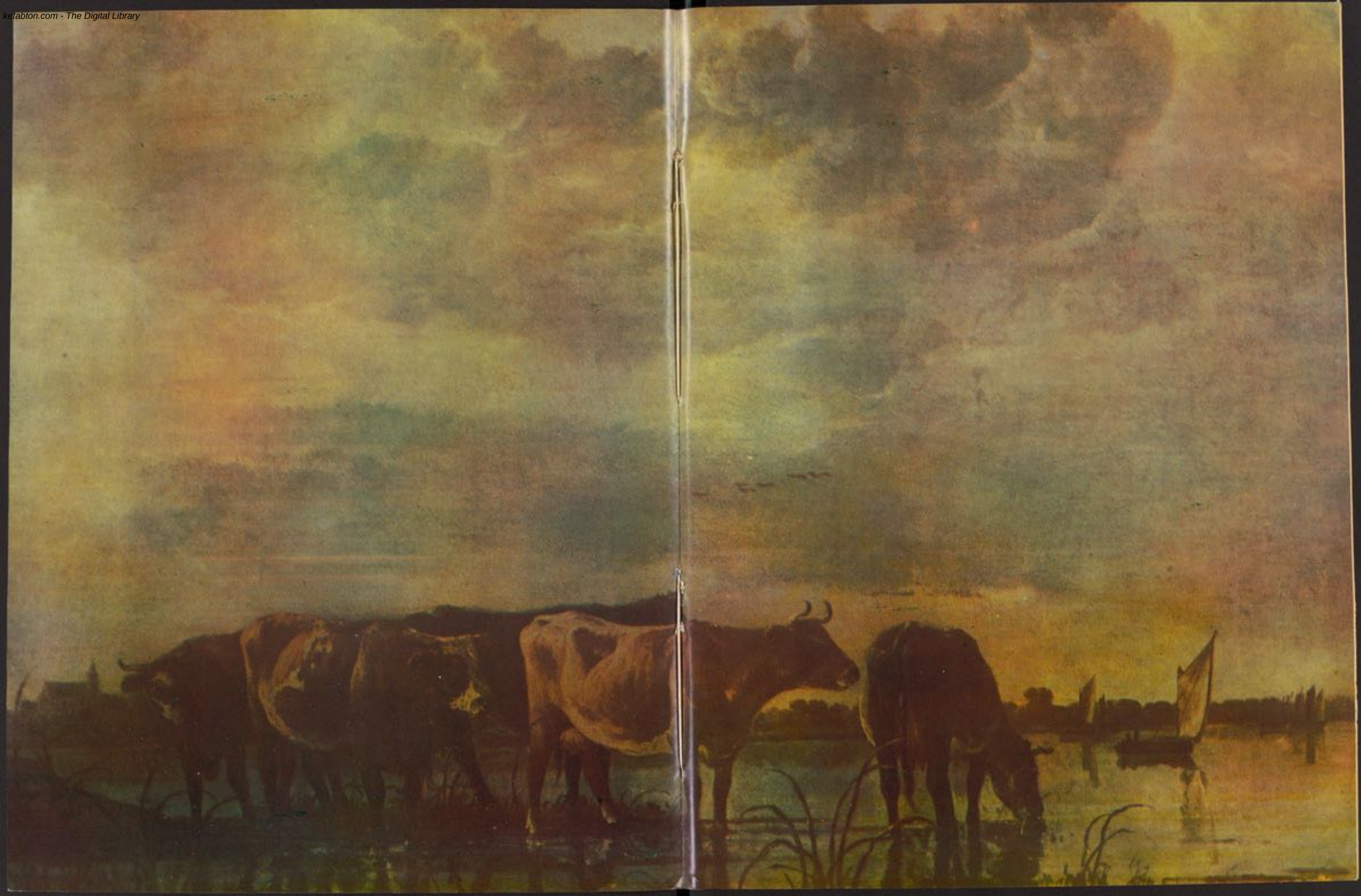

ketabton.com - The Digital Library

مطالعه این سلسله فقط به زنها توصیه میشود

قسمت دوم

ترجمه میر جمال الدین فخری

# طفل و مادر

رحتر خیال آنراهم‌نداشت‌که جلدطفلش‌سرخ رنگ و چین و چروک داربا‌شد اینکه کلهٔ طفل اوغیر منظم است بکلی از تصو رشس بدزر بوده است .

و بسیاری چیز های دیگری راکه اکنون شیجا نات او را تحریک می کند واخطارش می‌نماید فکر نکرده بود .

طفل نو زاد چگو نه معلوم می شود :

در وقت دیدن طفل نوزاد چه معلوم میشود ،چیزی راکه میبینیم چه مفهو می‌دارد و چه باید بکنیم ؟!این مسایل را باجزئیات آن بررسی می نمائیم .ببینیم طفل نو زاد در اولین روز های زندگی خویش چه اعجوبه ایست ؟

## وزن ـ :

وزن اطفال صحتمند معمولا در حدود ۳ کیلو گرام میباشد .درین حالت میگو یند که طفل نورمال وزن دارد . نوزاد انیکه بیشتر از ۲۵۰۰ گرام وزن دارند باز هم طفل نور مال شناخته می شود .اطفا لیکه از ۲۵۰۰ گرام وزن کمتر دارند (و مابعد بطور مفصل راجع به آنها صحبت خواهیم کرد) طفل نور مال محسوب نمی گردد .وزن پسران نوزاد معمولا از وزن دختران نوزاد بیشتر می باشد .

درروز های اول حیات نو زادان قاعدتا ازوزن خودکم می کنند (طفلی که در وقت تولد ۳ کیلو گرام وزن داشت ضا یعات وزن او در ۲-۳ روز اول حیات تش ممکن است‌به ۱۰۰ـ ۲۰۰ـ ۲۵۰ گرام برسد این یک‌حادثه فزیو لوژیکی بوده ومادران با ملاحظه آن نباید وار خطاشوند.

در روزهای اول‌تازما نیکه شیرمادر به صورت نورمال هویدا نگشته طفل‌را بیش از همه باید چای نوشانید. دراخیر هفته‌اول‌حیات طفل دوباره وزن میگیرد و دراخیر هفتهٔدوم بکلی وزن هنگام تولد خویش رادوباره بدست می‌آورد .در یکی‌دو هفتهٔبعد ی‌وزن طفل به صور ت‌منظمی بیشتر شده میرود.

طول قد:

طول‌قد یک طفل‌نوزاد نورمال بصور ت اوسط ۴۸ـ ٥٤سا نتی‌متر بوده‌ولی بایدبخاطر داشت‌که ممکن‌است درین رقم‌انحرافات قابل ملاحظه ای‌هم‌به نظربخورد. طول‌قد اطفال غیر نورمال شاید کمتر باشد. طول‌قدپسرا ن‌نوزاد نسبت به‌طول‌قد دختران نوزاد قدری اضافه‌تر میباشد.

## شکل وجود ـ :

جسم یک‌نوزاد صحتمند وسالم نسبت به طفلی‌که ازعمرش چند ی‌گذشته دارا ی‌شکل‌و فورم دیگر ی‌میباشد. کلهٔطفل نوزاد بزرگتر پاهایش کوتاهتر وکج‌ومعوج وشکم پندیده می باشد بعداز چند ماهی فورم وجوداطفال‌تغیر می‌نماید.

## وضعیت وجود ـ:

اگریک‌طفل سالم‌ونورمال راکه تولد شد ه باشد تخته به‌پشت قرار بدهیم اوسر ش‌رابه این طرف‌وآنطر فحور میدهد انگشتان خودرا محکم‌بسته کرده وازآرنج‌ها قات میکند ودستان خودرا نزدیک‌کلهٔخودمیبرد. پاهای خودرا از عینک زانو خم‌کرده وبه‌طرف شکم خودنزدیک میسازد این وضع را وضع اصلی نو زادی گویند وهرعملی که‌طفل راازوضع اصلی بیرون آورد به‌مقاو مت‌ازطرف طفل‌مواجه میشود. و همینکه دوباره طفل‌رها شود وضعیتی راکه قبلا طفل‌شان کج معوج‌است وحتی بعضی ازآنها سعی دارند کجی پاهای طفل شانرادرهنگام طفولیت خودشان راست کنند وترمیما تی در وجود طفل خودرا باید عرض‌کنیم‌که طفل نوزاد وشیر خواردر ورکشاپ فامیلی ترمیم نمی شوند وهیچ لزومی ندارد که‌مادران به‌این‌عمل دست زنند کجی پاهای اطفال‌به مرور زما ن خودبخود رفع‌میشود مادران اگراین سخن را نمی پذیرند پس قبول کنندکه طفل شان‌لنگ ولاش خواهد شد.

اکثرا ازمادران همینکه پاهای کج‌اولادشان رامی بینند فکرمیکنند : ((شایداوبه «راشیت» نرمی استخوان مبتلا باشد .))

بعضی ازمادران شکایت دارند که :

((نمی توانم‌پاها ی‌طفلم‌را راست کنم‌تا در قنداق بسته‌اش نمایم)). آنهاحق‌بجانب‌نیستند درینجا حق‌بجانب طفل‌است. وقتیکه پاها یش طفل‌را راست میکنید افکار میشود چطورمقابل این عمل‌تان مقاومت نشان ندهد وداد‌وفریاد نکند! دروقت قنداق کردن‌پاهای طفل‌را نباید راست کردبگذارید در بین‌قنداق بهمان شکل آزادآن قرار بگیرد اگر پاهای طفل‌را راست‌می کنید ودر قنداق‌می بندید طفل‌نارا حت شده؛ زمانی به‌اصطلاح‌اشلق میکندودست وپا میز ن که‌قنداق بازشود ووجودش آزاد گردد. واگر به این‌کار زورش نکشید دادو فریاد سر می دهد وگریه‌مینماید چونکه ((هرکه‌رادردی‌رسد ناچار گویدنوای !وا ی!)) وتحمل دردپاهابرای طفل مشکل تمام میشود.

بسیار ی‌ازمادران ناراحت اند که‌چراپاها ی

ketabton.com - The Digital Library

طفل نوزاد هیچگاهی راشیت نمی‌داشته‌باند راشیت در اثر کمبود ویتامین - (دی) به وجود میایدکه آنهم پس‌از مدتی‌صور ت‌مـی گیرد. تمام‌اطفال نوزاد دارای ساق‌های کج میباشند .این کجی‌زمانی برطر ف‌میشود کـه طفل‌به‌راه رفتن آغازکند. در صور تیکـه از اطفال مبتلابه راشیت برعکس است وزمانیکه به‌راه رفتن‌شروع می‌نمایند استخوا ن‌های‌وجود شان کج‌میشود.

بسیاری ازمادر هاعقیده دارندکه اگراطفا ل شانرا محکم‌قنداق کندویا اینکه دست‌و پای آنهارا مطابق‌میل‌خود محکم بسته نمایند این عارضه برطرف میشود بااین کارشان پاها و دست‌راست نمی شودو فقطناراحتی اطفال‌بار می‌آید علاوه از آنکه شایددست‌و پای طفل به صور ت‌عمد ی‌کج‌شود اینچنین مادر هـانمی گذارند که‌اطفال شان آزاد انه‌دست وپابز نند وآزاد انه حرکت کنند.مادرانیکه طفل شا نرا محکم قنداق می‌نمایندچون طفل‌آنها مستقلا نه حرکت نمیتوانند ازینروضعیف بـار آمـده و بسیار ممکن است‌که وقتی طفل شروع به‌راه رفتن نماید دیده‌شود که‌پا های‌او واقعا کـج است‌واین گناه فقط وفقط‌بدوش مادرانی‌است که نزدیک‌ترین ومقدس ترین موجود ی‌برا ی اطفال شان محسوب میگردند درحق‌چگرگوشه خود روا داشته‌اند .

## قاعدتا کلهٔ نوزادان ور م کـرده میباشد آماس موها وشکل‌کلهٔ طفل :

کلهٔ طفل‌هیچ خطری دربر ندارد وبدون هیچ نوع تداوی‌ای‌بعدازچندهفته از بین‌میرود .

باید خاطرنشان ساخت کنیم‌که به هیـچ وجهی کسی حق‌ندارد کلهٔطفل رافشار بدهـد ویابه اصطلاح‌پچق کند !!

کلهٔنوزادان‌اکثرا شکل نورمالی نمی داشته باشند بعداز چند ماهی‌پس ازتولد کلـهٔ آنها شکل نورمال‌خودرا اتخاذ میکند .

کلهٔ اطفال نوزاددر اخیرسال اول زند گـی اش بدون اینکه درنظر گرفته شود کـه در ابتدای‌تولد چه‌شکلی داشته است شکل‌اصلی خودرا میگیرد یعنی تامدت یکسال کلـهٔ طفل شکل نورمال نمی داشته باشد.

بسیار ی‌از اطفال نوزاد در روز های اول‌و هفته های نخستین زندگی آنها کلهٔ‌پهن‌شکلی میداشته باشند دلیل‌آن اینست که‌اطفال اکثرا در اثنای‌خواب سرشان به اینطر ف‌ویاآنطرف گذاشته میشود طفل‌راحتی اگربه طرف دیگـر هم دور بدهیم بازهم نمی خواهد عادت خودرا ازدست بدهد وبه همان طرفی‌کله اش‌را مـی گرداندکه‌عادت گرفته است. هاهم‌نباید اینکار رابکنیم زیرا ناراحت کردن طفل به هراسم و رسم‌که باشد سبب اذیت اوشده وگریا نوک بارش می‌آورد. اگرطفل‌را اکثرابه هوای آزاد زیر شعاع آفتاب قرار هید هم‌ویا خلاصه این که طفل نورمال‌رشد می‌نماید کله‌اش نیز بـه مرور زمان‌شکل عاد ی‌خودرا بخود میگیرد.

لباس اطفال نوزاد باید طـوری ساخته‌و پوشانیده شودکه حرکات دست‌و پاوکله اورا محدود نسازد. زیر سرطفل نوزادنبا یدبالش های نرم‌برفوو یاپر های‌پرند گان دیگـر را گذاشت. چونکه‌طفل دربین آنهابه اصطلاح‌غر ق میشوند وحتی دست وپاهم زده نمی توانند .

اجازه بدهید که‌طفل‌تان آزادانه دست خود را حرکت بدهد پاهای‌خودش‌راشور بدهدوبه‌هر پهلوئی که‌دلش میخواهد دور بزند.

بسیا ری‌ازوالدیـن نارا حت وحتی غمگین میشوند همینکه ببینند طفل‌شان بدون مو ی‌به دنیا آمده‌است‌چه‌وقت اومو میکشد؟ شاید در هفتهٔ آینده ولی ممکن است‌که در اخیر سال اول زندگی چگر گوشه اش مـوبرآمدن درکلهٔ نوزاد آغاز نماید.

چه‌باید بکنیم‌تا موهـای‌طفل‌ما قبل‌از وقت نمو کنندو یک‌پسرک کاکل‌زر ی‌داشته باشیم؟ هیچ !

بسیار ی‌ازمادران‌را غصه‌میگیرد همنکه می بینند طفل‌شان باموهای غلوبدنیا آمـدمو هر روزی مقدار ی‌ازمو های‌آنها میرود وبعضی از قسمت های‌کلهٔ طفل‌شان لچ میشود یک هفته میگذرد ودر جای آن‌موی دیگرنمیرویدوارخنا نشوید موهای جدیدی در کلهٔ طفل‌شماخواهد روئید.

رنگ موی‌اطفال چگونه باید باشد؟

دراطفال اکثرارنگ موهای شان تغییرمی نماید درانتا ی‌تولد ممکن‌است رنگ موها ی نوزاد سیاه باشد وپس ازیک سال‌بکلی‌رنگ روشن تری راپیدا نماید مدتی‌که گذشت‌نماید دوباره تیره شودویا رنگ نصوا ری‌وخرمائی وطلائی بخودبگیرد شاید هم‌این‌حادثه‌برعکس انجام شودکه درابتدا روشن‌وپس ازمرور ایام سیاه وسیاه ترشده برود.

اگر موهای طفل‌در هنگام‌تولدقره قلی‌است بااینهم نباید انتظار داشته باشید که‌طفل‌تا ن نااخیر عمر به شکل دادن‌موی احتیاجی‌نخواهد داشت.

(باقیدارد)

طفل ندرتا گریه سرمیدهد اما مادرتوسط بعضی سامان های بازی طفل راخاموش‌میسازد

طفلی نوزاد که به‌موقع تولد شده باشدمعمولا مشت هایش بسته است.

# خوچه خس ټوله کړو

**وروستی برخه .**

په‌بنداژ باندی پیچلی و. بیا یـــو اسراییلی نرس د«ادی» په نامه ماته راغی اوراته ویی ویل «تاسو یـود جراح مرستیال یاست. داو خوری.»

دلته ماخپل کنترول‌له لاسه‌ورکړ اوکنځلی می وکړل، او پدغسی‌یوه بدحالت کی هغه‌زه ووهلم. بیا یو فوځی راغی اوزما چپرکت یی بلـی کوټی ته یووړ. هڅه یی وکړه چـه پوښتنی راڅخه وکړی خوما ځواب ورنکړ. پدی کوټه کی یوه بیخـــی لوڅه لغړه پیغله په‌یوه کټ بانـدی پرته وه. په‌همدی وخت کی یی زما لس واړه‌نوکان وویستل.دتحقیقاتو اوشکنجو په اوږدو کی‌زه دوسلو په ساتنی اوټپی عربانو په در ملو تورن شوی وم.

زه یی داتلیت بند یخانی تـــه بوتلم اوهلته له بیلا بیلو شکنجـو اوکړاوونو سره مخامخ وم. دولس ورځی چی هلته تیری کړی. بیا له هغه ځایه وتښتیدم او قاهری تـــه راغلم. اوهلته می خپلی معا لجـــی بشپړی کړی. زما په هکله یو طبی رپوټ دعربو اتحادیی ته وړا نـدی شوی و.»

دنیو نازیانو دساد یستی ساعت تیریو بزم لاتر اوسه په بیت‌المقدس کی‌تود دی، لیکن هغوی خپل هـــر څه له‌لاسه ورکړی دی‌اوخلك‌نه کور لری اونه اور. پرته له هغو کیږدیو څخه چه‌هغه هم لوټل شویدی او ولږی، بدمرغی، له خیانت څخه ډکی کولی اوناپالم بمونه. دغم جنـــو للو للو گانو په سندرو کی خپله‌یوه ترانه دکوچنیو ماشو مانو په غوږ-ونو کی وایی، اود صبریی په څیـر به‌نه وژل کیږی، دا زمزمه اوانگازه خپل هیواد ته دستنیدو سوچ» .

داسی ده: «هغوی یو سوچ کـوی،

**په عربی آواره گانو باندی دظلم اوستم حکو مت**

**دمایکل آدامس رپو ټ**

مونږ تراوسه پوری ددمو کراتو خقوق پوهانو دبین‌المللی اتحادیـی په رپو ټ باندی خبری کو لی اودغه رپو ټ مو کر ښه په کرښه تا سو ته نقل کړ.

خو دادی‌اوس دانگلستان دگار دین دورځپا ڼی دخبر یال ښا غلـــی مایکل آدامس دهغو عینی کتنو او مشا هداتو رپوټ وړاندی کوو چه دسر په‌ستر گو یی لیدلی حال په کی کر ښلی دی.

«هغه اقدا مات چه اوس دغـزی په کرښه کی دغیر فوځی عربـــی اوسیدو نکو په مقابل کی کیږی په بشپړه توگه دژنیو د۱۹٤۹ کا ل‌د مقاوله لیك په خلاف دی، او دغـه مقاوله لیك له خپل ټول ارزښـــت سره داسراییلی اشغا لگرو او لوټ مارو له خوا نقض او تر پښو لاندی کیږی او هډو څه پام او تو جه نه ورته ساتله کیږی دغه مقاوله لیك دټولو هغوغیر فوځیانو دسراو مال دساتنی په هکله تنظیم شویدی چه باید دجگړو په مو قعه تعمیل شی. اسراییلی فو ځیان دځینو کو چنیو پیښو په هکله دغچ اخستنی په‌پلمه ډله‌ایزی سزا گانی غیر پو ځی‌خلکو ته‌ورکوی اوپه تیره بیا پدی لو به اوپدی تراژیدی کی فلسطینی آواره گان اوکډ وال زښت زیات ځوریږی دشپی په گرځیدو باندی اوږده موده بندیزونه لگیږی‌او ددغو بند یزوپه ترڅ کی په‌ورځو ورځو څوك ډوډی اواوبه نشی مو ند لی. په خپل سر توقیفونه کوی په خپل سر کورو نه ورانوی ،پخپل سر خلك کړوی او شکنجه کوی او دکو چنیو پیښو په بدل کی‌له خلکوڅخه ډیر وحشتناکه غچونه اخیستل کیږی دخلکو کوراو مال لوټل کیږی‌دخلکوکالی اولوښی لوټ کوی اود غیر فوځی خلکـــو کورونه بی‌له څه‌وجی څخه تلاشی کیږی پداسی حال کی چه هغـوی هډو په جگړی پوری څه اړه نلری.

**په واټونو کی ډزی:**

کله چه زه نن سهار له غزی‌څخه وتلم نو په‌یوه فلسطینی کمپ کـی چه یولك تنه فلسطینیان پکی پراته او ښکیل‌دی‌دشپی‌اوورځی دگرځیدو بند یزو نه لگید لی‌وو پداسی حال کی‌چه دلته کراری وه‌او هډو څـه نښته نه‌وه ،هسی خو شی او بـی هدفه ډزی کیدلی ددی ډزو هد ف څه‌دی؟هیڅ! اودا یوازی دخلکو اوپه تیره بیا غیر فوځی خلکو دویر ولو او ترړولو لپاره تر سره کیږی او هدف یی دادی چه‌دغه خلك پـــه اضطراب اوویره کی وی غیر فوځی خلك ددی وضعی دلاسه ویریدلی اوپه وحشت کی ژوند کوی او تـر دوه سپږ مو راغلی دی. دملگروملتو دکار او مرستی اداری ته چه‌دغزی په‌کر ښه کی دکډ والو او فلسطینی آواره گانو دهو ساینی اود وژنـدد وسایلو دبرابرولو مسؤ ولیت لری دشپی په گرځیدو بندیز لگیدو خبر چه‌دوه اونی یی‌دوام‌وکړ هډو خبرنه ورکړی شوی پداسی حال کی چـه اسراییلی مقامات باید دغســـی سا ز ما نو او تنظیمو ته پخوا تـر پخوا خبر ورکړی هغه‌دلیل چه ددغو اقداماتو لپاره اسرا ییلی مقا ما ت وړاندی کوی ډیر عجیب او غریب وبی سر اوپښو دی دغی اداری ته هم هډو داسی سم دلیل ددغـــو بندیزو نوپه باب‌ندی وړا ندی شوی یوه اسراییلی نطاق دډگر من مارت په‌نامه‌ماته وویل چه‌دا بندیز لـــه پرون سهار تراوسه پوری‌د جبلیه‌په کمپ باندی لگید لی دی (پد غـــه کمپ کی څلویښت زره تنه‌فلسطینی آواره گان ژوند کوی) هغه دلیـــل چه‌ددغه بندیز دلگیدو لپاره‌وړا ندی شو ډیر مسخره وه نوموړی ډگر من وویل چه دابندیز ددی لپاره‌لگیدلی دی‌چه یو غیر فو ځی موټر دلته‌په بمب باندی الو ځول شو یدی پدغه موټرکی دری تنه اسرا ییلی قاچا ق بران سپاره وو چه دسگرټو او انځرو قاچاق یی کاوه دغه پیښه چه هغه دری‌تنه اسرا ییلی قاچا ق وړو نکی پکی ټپیان شول تیره‌شپه دجبلیه‌د کمپ په‌دری میلی کی شوی وه او هغه سیمه چه جبلیه ته‌دری میلـــه نژدی پرته ده. «مافلسیم» نو میږی.

بیانو نوموړی نطاق ماته وویل چه موږ یی له‌هیڅ نه‌دا خبره نه کوو مونږ سند (!) لرو .څکه چه‌د«پښو پل»ترکمپه‌پوری راغلی‌دی هغه هم‌د کروندو ترمنځه ماهغه ته وویـــل «مااوتاسو ته‌ډیره گرانه ده‌چه دپښو پل پیدا کړو .آخر داکار خو پـــه متخصصا نو پوری اړه لری» اوآخر هغه داخبر ومنله .سا حلی کمپ‌هم دغزی په سیمی کی همدا حال درلود هلته هم دغسی بند یزو نه لگید لی وودغه بندیزو نه دلته هم له‌دوه‌هفتو نیولی تردری هفتو پوری روان وو. دبندیزو دلگیدو په لو مړ یو اتـــه-ویشت گړیو کی خو نور څه پریږده چه هیچاته هن دخپلو کورونو څخه دوتلو اجازه هم نه‌ور کوله کیـده ښایی داخبره دتعجب وړ وی چه‌په کمپ کی اوکور؟ باید ووایو چه پـه کمپ کی‌کور هغی کو ټی یاکو ټو ته وایی چه آواره گان پکی ژوند کوی خو په‌دویمه ورځ دملگرو ملتو دکار اومرستی داداری په ټینگار سره دـ آواره گانو لپاره دااجازه ورکـړی شوه چه ځانله اوبه پیدا اوبرابری کړی‌اوددی کار لپاره یوازی یوه‌گړی وخت وټاکل شو داډیره دردونکی‌وه دآواره گانو لپاره دااجازه‌نه ورکوله کیده چه‌له کمپ څخه ووځی هغوی دی‌ته اړوو چه هغوی په هماغه‌کمپ کی‌وی اود هغوی لپاره دوتلو اجازه نه‌وه اوهغوی‌ته‌هډودااجازه ورنکړی شوه چه‌د ډوډی دپیدا کولو لپـاره ووځی او هیڅ ډول‌خورا کی موادونه ویشل شول دایوه گړی داوبو دـ ایستلو لپاره ډیر کم وخت و داځکه چه دیوی پنځه دیرش زره کسیزی پرگنی لپاره یوازی داوبو یو څـــو بمبی وی‌چه باید هغوی اوبه یی را ایستلی وای او ددغسی یوی ستری پرگنی داوبو اړتیا یوازی په یـوه گړی کی نشوه پوره کید لی په هغی مودی کی‌چه دگرځیدو بندیز لـری

ketabton.com - The Digital Library

شوی‌و ټولو له ۱۶ کلنو څخه‌نیولی تر ۶۰ کلنو نارینه ولپاره امرشوی وچه‌ساحل ته‌دی ولاړ شی او هلته یې‌دژمی په‌ډیرو سختو تو فانو کې داوه کړیو لپاره وسائل پدا سې حال کی چه اسراییلی فو ځیا نو په خپلو سپکو وسلو سره ډزی‌کولی داډزی هم له هماغه ډزو څخه وی چه‌دغزی په کربنه کی کیدلی ،ودا یوازی ددی لپاره چه خلك وډارکړی اوهغوی په وحشت کی وسا تی دد ډله‌ایزی سزا یو شکل دی‌چه‌یه کرځیدو باندی دبندیز لګیدو په موقعه ترسره کیږی دجبلیه په‌کمپ کی نارینه بندیان پنځه ویشت‌کړی په‌یوه خند قی ځمکه باندی وډزی‌ټری وسائل شول.

ددی ۲۵کړیو په اوږدو کی پرله پسی اورښت زوان و. ځلور ورځی تیری شوی‌ایله چی‌اسرائیلی مقاماتو دملګرو ملتو دکار او مرستی ادارې ته‌دا اجازه ورکړه چی‌دآواره ګا نو او کډوا لوتر منځه دخورا کی‌شیانو دویشلو چاری تر سره کړی ډیره غمجنه خبره داده چه لا ددغی ادارې له‌خوا دخورا‌کی شیانو دویشلو کار نه‌و بشپړ شوی‌چه‌د بندیز دلرې کیدو وخت پوره شو او په تګ را تګ باندی بیا بندیز ولګید ددغی ادارې په‌کمپ کی‌بنګیل ډیرماشومان اوډیری ښځی ولید لی چه دولږی‌او تندی له زوره په هیسټری حا لت کی‌وو.

**چاونی :**

هغه دلیل چه په ساحلی کمپ‌کی په‌تګ راتګ با ندی دبند یز لګیدو لپاره وړاندی شوی و ډیر خندنی و. پدغی سیمی‌کی یوکوچنی‌دینامیت چودل شوی و.(پخپله داسراییلی مقاما تو له مخه دغه‌کوچنی بمب نیم پونډه و چی دپپسی کولا په‌یوه فو طی کی‌ځای کړی شوی ؤ دغه بمب دغزی دکب خر خولو په‌بازار کی چوول شوی و. اولکه چه خر کنده وه هیڅ ډول تاوان یی هم له چاودنی څخه نه وپیښ شوی .داچه‌بیا ونی په‌کمپ کی بندیز لګیدلی دی دادلیل وړاندی شوی وچه دبمب چوو لو تورن سړی‌دکمپ خوانه منډی‌وهلی اسرائیلیانو ونشو کړی چه دغه سړی وپیژنی. اسراییلی فو ځیانو سر بیره پدی چه پدغی سیمی کی په‌تګ راتګ باندی دغچ‌خیستلو لپاره بندیز لګولی و همدا شان یې‌د کب نیو ونکو دجالونو، طنا بونو او چنګکو نو تحویل خانه سره دیو زیات شمیرکب نیو ونکو بیړ یو په خپلو بمونو ،لو څولی. او دغه تحویل خانه یی بیخی ورانه کړی‌وه دغی پیښی ته ورته پیښه د«وحدة» په‌بازار کی هم شوی‌وه دغه سیمه هم‌په‌غزه کی ده دلته یوه پټا قی چودلی وه دایټا قی هسی ګوزار شوی‌وه خوسرا ئیلی فو ځیانودغچ اخیستلو دانګیزی له مخه څلور کهداسی‌کوم شی‌ورته پاتی وی‌چه‌د کورونه تش کړی او خپل ماشومان له کورو نو څخه وباسی‌ددی کورونو او سیمه و نکی تر ډیر وخته داتو نورو کورونو چتونه هم وران کړل ددی سیمی استو ګنه ته‌لس دقیقی فر صت ور کړی شو چه‌خپل کورونو اوسیمدو نکی تر ډیره وخته دخپلو کورونو په کنډ والو کی کرځیدل اوددی لپه یی کوله چه داسی کوم شی ورته پاتی وی چه‌د استفادی په‌نیت یی راوباسی.

داله هغو ډیرو مواردو څخه یو څو مورده دی‌چه مادخپلو بی‌طرفانه کتنو په‌ترڅ کی دهغو سموا لی‌تاییدکړیدی هسی خو ما ډیری پیښی‌دلته ولیدلی‌ډیر زړه دردونکی وقعا ت‌می دسر‌په ستر ګو کی‌ولیدل. ددغو پیښو حقایق په اسرا ییلی مطبو عاتو کی هم لیکل شوی او منعکس شویدی هسی نه‌چه یواځی داخبره زه کوم بلکه داسرا ئیلو مطبو عات هم نشی کولی چه دهغو په حقیقت باندی ستر ګی پټی کړی. کله چه ماله ډګرمن مارت څخه پو ښتنه وکړه دغه جریا نات څنګه له هغه لاسلیك سره چه ستا سو حکو مت درنیو دمقا وله لیك تر لا نه‌دی کړیده تطبیقوی؟ هغه لدی موضو ع سره دلچسپی ونښو دله او پوښتنه یی‌وکړه چه «دغه مقاوله لیك څه شی دی؟

اوکله چه ماتو ضیح ورکړه نومورې مقا وله لیك دغیر فوځیانو ډله ایز مجازات اود جګړی په موقعه دغیر فو ځیانو دکورونو ورانی د مالونو لو ټ ماری غیر قا نونی اء لانوی .هغه خپلی اوږی پورته واچولی اووپی ویل «زموږ دفوځیانو دکارونه .نه خو ښیږی خو تا سو باید داخبره درك کړی چه هغوی اړ دی‌چه امنیت وساتی.

پداسی حال کی چه‌دا خلك اوغیر فوځی افراد نه‌و چه امنیت یی ګډ وډاوه. بلکه دااسرا ئیلی فو ځیانو ووچه دخلکو په ژوند باندی تیری کاوه. بی امنیتی یی منځ ته‌راوستله ډله ایز مجازا تونه‌یی پر خلکوباندی عملی کول اودهغوی مال او شتمنی یی لو ټ کوله اود هغوی دسر او مال تضمین یی‌له منځه وړ.

وروسته دجون تر جګړی سړی داسی فکر کوی چه اسرا ئیلی فو ځیان باید دغسی ستر ستړك‌څخه ددغسی یوه کو چنی غو څدماتولو لپاره یوه کو چنی ځیز لپاره اړ ټیا

**(نور بیا)**

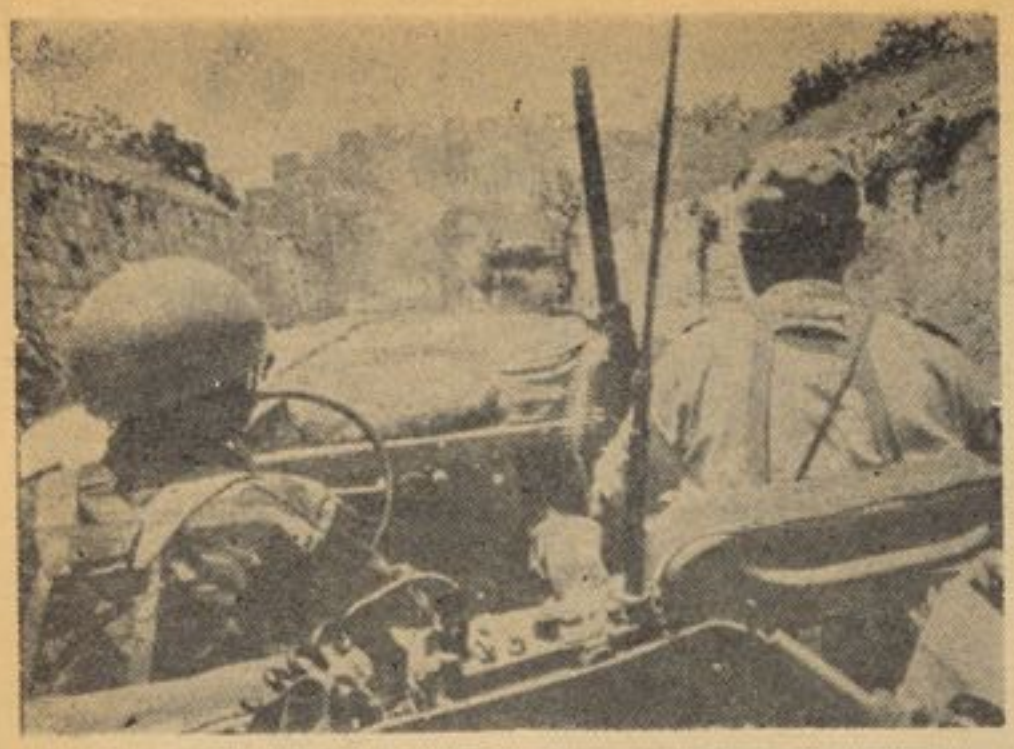

# شعر...

## عطر

ته د ناز په خوب ویده وی ماژړل
ته بی عمه آسوده وی ماژړل
ستا د مخ او د سپوږمی مقابله وه
ته په مخ تری آزموده وی ماژړل
ستا د زلفو خوشبوئی چورلیونی کړم
ته په عطر وکښی لمده وی ماژړل
وچ بالښت زما په اوښکو باندی لوند ښو
ته په ناز کښی پرورده وی ماژړل
وازما ملنگ جان، برخه کړیدل دی
ته له نازه پرخنده وی ماژړل

ملنگ جان

## پرخاش

ازنکوئی نشان نمیخواهم
خویش را بدگمان نمیخواهم
کس نمی‌نالد ازفسانهٔ من
درد دل را بیان نمیخواهد
هیچکس سود من نمی خواهد
هیچکس را زیان نمیخواهم
آتش اندر نهادمن زده اند
لاله‌و ارغوان نمیخواهم

نی‌توان کرد بافلك پرخاش
خرد خرده دان نمیخواهم
سخن از عالم دگر دارم
همدم‌و راز دان‌نمیخواهم
سینه صافم ، قلندرم ، مستم
راز خودرا نهان نمیخواهم

غالب

## جام

خراب کن دل از غم شکسته ما را
خراب کردن طاق شکسته تعمیر است
بریز جام پی جام تا شوم مدهوش
درین دوای مجرب هزار تاثیر است
چنان فشرده گلوی مرا انامل غم
که هرچه زود به فریاد من رسی دیر است

محسن شمس ملک آرا

## بعضی چیزها

بعضی چیزها برای من بسیار عزیزند
چیزهائی همچون گلهای شسته شده درباران
یانقش امواج بردریا
وبوته های زعفران که‌برف برآنها آرمیده است...

• • •

جلوهٔ رنگین کمانی یك گوهر ،
روشنائی سرد ماه
گلهای آزالیا وعطر آنها ،
وپیچکها درشب هنگام .

• • •

وبسیاری آوازها نیز عزیزند
مانندباد که‌درمیان درختان زمزمه میکنند
یاچرچرکها که‌ازکناره آبگیر می‌خوانند
یاسیاهان‌که آهنگهای شیرین زمزمه‌میکنند.

• • •

اما عزیزتر ازهمهٔ تصورات
قطره‌های اشکی ست که‌ناگهان در چشمان
توظاهر میشود .

گوئند لین بی.بنت
شاعر امریکایی

## خزان

خزان دوباره رسید
که باد نوحه‌کند
ودرنشیب خاطر باغ
مشت سرد غارت را

به‌انفجار آرد
حیدر لهیب

## تیشه

مطرب ره مستی زد هشیار نباید بود
افسانه چوخوش باشد بیدار نباید بود
چون کوه تراشیدم برفرق زنم تیشه
درکارگر صورت بیکار نباید بود
گرحق نتوانی‌شد یکباره مشو باطل
چون سبحه نگردیدی زنار نباید شد
ازعجزو تن آسانی ازدوش کسی باری
بر داشت چونتوانی خود بار نباید بود
مگویم‌و میگریم میگریم م میگویم
بی‌یار نبایدشد بی یار نباید شد
ازهجر چومیترسی عاشق نشدن بهتر
ازمرگ هرانسانی بیمار نباید شد
ازدست حزین ندهی مصراع سنایی را:
«ازیار بهر زخمی افگار نباید شد»

حزین

ketabton.com - The Digital Library

## ورك

په هربن کښې چه بلبل وهي ناري
حواله کړي په غمجن زړګي اري
هغه ورځ راباندې تیره شي په غم کښې
چه دي وګورم په مخ زلفي خوري
دزړه داغ مي پسې لاهسې پترشي
چه دړي کړي په داسپین ایري
په لیمو به یې قبول کړم کبر نکړم
ستا ددر خس و خاشاك سپیري ایري
دهغو په زړه کښې هوش اوطاقت ورك شي
خوك چه اوري دبهرام دخولي مسري

بهرامي

## سفر در طوفان

در میان رستخیز باد و برف
در نهاد جنگل انبوه و تار
من به پیچ کوره راهی میروم
همسفر با سایه ها از این دیار

شاخه ها میلرزد از شبخون باد
گرگها از دور غوغا می کنند
مرغکان بی پناه شب گریز
در فضای تیره پر پر می زنند

میزند چشمک بسوی من ز دور
در میان تیرگیها روزنی
پشت روزن زیر نور مات شمع
چشم بر راه من استاده زنی

## باران

من از آنسوی میایم
- ز سمت درد
من فرزند خورشیدم
مرا شرقی صدا کن
جام را بردار!

جامی ریز
جامی ریز
مرا امشب عزیز من
ز دست من نجاتم ده
مرا مانند آنشب، آه...
یادت هست؟
اگرچه چشم تو آنشب:
درازی شب ما را بیان میکرد،
زمین خشک دستان مرا:
باران مویت بارور میساخت.
چنان آنشب مرا آغوش عطر
پیکرت در خویش میافشرد
صمیمیت چنان در خنده هایت بود،
که ذهنم در عمیق باور خود
کمترین اندوه را میدید
جامی ریز!

جامی ریز، جام دیگری
- لبریز
مرا امشب عزیز من
مرا با باده مرگی بخش
و در خود دفن کن...
امشب!

رفعت

نوی ادب :

## دمینی لار

آشنا دمینی خوابونه راکړل
بیایی په زړه نوی داغونه راکړل
دروغیدو هیله می مړه شوه هله
چی په زخمونو یی زخمونه راکړل
نورمی دزغم متی پیاوړی وینم
چی نی په شا درانه یادونه راکړل
ښه ده، پخیږم به، اوم نه پاتیږم
دتن لرګوته یی اورونه راکړل
آسمانه! لږ په ملانیغ شوی نه وم
په سردی بیایوخو ټکونه راکړل
وخته! ستا چلومی اختیار غضب کړ
په خپل اختیار دی بیاغمونه راکړل
احساسه! ولی به دی قدر نه کړم
چی دی خواږه خواږه شعرونه راکړل
«رفیع» دمینی لاره کله پریږدم
لاری که هرخو تیندکونه راکړل

حبیب الله رفیع

لرغونی ادب :

## مرم

مرم له خپله اشتیاقه
نه د یار له افتراقه
هم دخپل عمل تیښه دی
چه وهم نی له تاراقه
چه په مادی هم له مادی
نه له زید نه له اسحاقه
د شفا حاجت می نشته
زما وینه له تریاقه
د تریاق په امید راشی
ما له زهر له عراقه
له دی خپله توره بخته
تور ومه خو اوراقه

حمید ماشوخیل

## دجانان غم

غم په زړه می اندرون دجانان پریووت
خکه داغ می په زړګی دهجران پریووت
دا زما یار بی وفادی نه پوهیږم
که دا رسم په ټولی دخوبان پریووت
دبیلتون سورو پری خرنګ چاری وکړی
خکه تخت ته سرنګون شاه جهان پریووت
په انجام دعاشقی خوك پوه نه شو
افلاطون دزمانی تی اریان پریووت
داشنامینی می باغ دزړه تالاکه
سریکار می الغیاث په زبان پریووت
عبدالقادر وایی مختورن یم خدایه تاته
چی دلاسه می دعدل میزان پریووت

«عبدالقادر»

ketabton.com - The Digital Library

یو لنډ پو لیسی داستان

# دژوند بیمه

دمنت بار ژباړه

## دوهمه برخه

په‌دغه بله ورځ چه کوټی تـــه ورننو تم دتابلیټو نو په واسطه ډیر ژور ویده شوی وزه‌دچپر کت څنګ ته ورغلم او ورته خیر شوم تر څـو دقیافی نه یی راته دوجودخر نګوالی معلوم شی خودغه رنګه شیانو‌امکان نه‌درلود دپولیسی پاك مسلك څیړنو اوتجربو راته ثابته کړی وه چه یوه ګناه کارسړی‌کولی‌شی چه‌دیوه‌بیګناه څیره غوره کړی اونا بلده او بـــی تجربی خلکو ته دوکه ورکړی که‌څه هم هغه به‌یو لوی جنایت کار هم‌وی دروغتون څخه ووتلم او څارنوالی ته لاړم او هغه سړی می‌چه په اوله ورځ یی‌ماته ددی پیښی جریا نات وړاندی کړی وو ځانته راو غو ښت او ورته می وویل:

ـښه اوس نو هیله کوم چه ماد ټول جریان نه خبر کړی اوپه ډاګه ووایی چه اصلی ماجرا دڅه نه‌منځ ته‌راغلی وه؟

په‌اولنی شهادت کښی ځینی‌شیان پیدا شوی وو چه ماته یی‌تلو ســـه پیدا کړی وه دا ځکه چه ده اعتراف کړی‌وه چه دحادثی په وخت کښی ده ته‌ټوله ماجرا ډیره ښه ثابته‌شوی‌او که‌چیری می‌دده خبری په‌زړه کښی نه‌وی نود شارل مو ضوع راته سر سړی څیره غوره‌کړی او نا بلده اوبی تیر شوی وم.

په‌دوهم اقرار کښی راته ثابتـه شوه‌چه‌په ځینو خبرو کښی یی دوه رنګی پیداشوی ده نو ځکه می ترینه پوښتنه وکړه.

ـتاسی په‌اولنی شهادت کښـــی زیاته کړی وه چه موټر ډیر ز یـات ګړندی ؤاودریور مجال نه‌درلود چه ځان کنترول کړی اوبریك ونیسی ایا همداسی نه‌ده؟

ـهو همداسی ده.

مجلس ته‌می وکتل‌اوپه مجلس‌کی ناست خلك می له‌نظرنه تیر کړل‌او بیامی ورته زیاته کړه .

ـداسړی راته ځان نابلده معر فی کوی اوتاسی ته‌یی ویلی ووچه‌دریور موټر درولی ؤ دده په‌تیرواو اوسنیو خبرو کښی زیات توپیر موجود دی دسړی وضعی ته می‌چه کتل پـــه تندی‌باندی یی زیا تی خو لی ما تی وی اوبی اختیاره می وخندل دا ځکه چه‌دخپل مسلك په بیلو بیلو برخو کښی زه دداسی خلکو سره زیا ت مخامخ شوی‌وم اودغه راز خلك می ډیر ښه پیژندل دوی په عمو می‌توګه داسی خلك دی‌چه دخپل غر ضـــ دپاره به به حق باندی سترګی پټوی او رښتنی خبری به نه کوی دو ی ـ داسی دی چه‌هر څه‌خو لی ته ورشی هماغه وایی نوما هم زیار ایست چه په‌هر ترتیب وی باید واقعیت تـــر لاسه کړم اودو مره وپو هیږم چه‌د نظر لاندی سړی ولی ددوه رنګـی څخه کار اخلی نومجبور شوم په‌ډیره جدی لهجه می ورته وویل:

تاسی خوبه په‌دی ډاډه وی چـه‌د حادثی په وخت کښی مو هلته مو- جودیت درلوده؟

ـهو خوزما منظور دادی..

ـپریږ دی چه زه ستا ســـی جمله تمامه کړم یعنی ستا سی‌منظور دادی چه‌د واقعی دوقوع نه وروسته دپیښی ځای ته تللی یاست اوموټر مودواقعی پیښیدو نه وروسته‌لیدلی دی خو دومره پام موورته‌نه دی اړولی چه‌دریور دبریك نه کار اخستی او که‌نه؟ اویا ورسره کومه ښځه ناسته وه‌چه یایی وار خطا بڼه درلوده او یایی‌نه درلوده سړی چه وار خطـــا بڼه درلوده ماته‌په ځیر غو ندی شو او حیران حیران به‌یی را ته کتـل او داورته‌ثابته وه چه زه په‌ټول‌جریان باندی پوره پوهیدلی‌یم نوویی ویل:

ـ تاسی له څه‌نه پوهیږی ؟

خپلی اوږی می پورته واچولـی او ورته می وویل:

ـپه‌دی خوبه‌پو هید لی اوسی‌چه هر څوك په کومی پیښه کی پلټنـه کوی. ارومرو په ټول جریان باندی پوهید لی‌وی په‌عذر اوننوا تو یـی وویل:

هیله کوم‌چه‌ددرو غو په شها دت باندی ماتر فشار لاندی ونه نیسی.

ـومی خندل اوورته می وویـل: له‌دی خوانه ډاډه اوسه چه‌زه دغـــه راز خبرونه کوم اهمیت نه ور کوم اوپه‌دی باندی زیات خو ښیږم چه واقعیت واورم اویاپه حق ویلو سره خلك زمونږ سره مر سته وکړی. تاسی خوبه‌په‌دی پوهیږی چه‌پولیس په‌هر وخت اوهر حال کښی دټولنی مرستو ته‌اړوی که‌د ټولنی هر غړی دپولیس سره مرسته ونه کړی په یوازیوالی سره دمفاسدو ســـره ډغری نه‌شی وهلی اوداچه پو لیس اوټولنه سره نه‌بیلیدو نکی علا یق لری نوزما هیله داده چه‌په حق ویلو سره زمونږ سره مرسته وکړی‌ترڅو واقعیت پوره ثابت شی او مجـــر م په خپله قانونـی ســزا و رسیږ ی ماپه‌دی برخه کښی دشارل دمعالج داکترسره تماس‌هم نیولی اوراته یی قوی اودرست راپور هم راکړی دی په‌دی برخه کښی‌ستاسی مرستی ته دټولونه زیات اړیم.

زه په‌دی پوره پوهیدلی یم چـــه ددریور په څنګ کښی یوه ښکلـی نجلی هم ناسته وه داچه شیـــك ځوانان‌همیشه دپیغلودبی‌لاری کو لو دپاره دمستی څخه کار اخلی نود- موټر منحرف کیدل هم کوم علت‌نه لری. په‌داسی حال کښی چه‌دمشاهد سړی په وضعه اوبدن کښی سور- والی پیداکیده ویی ویل:

ـهیله کوم چه‌ماوبخښی ښا یی چه‌زما خبرو تاسی ته‌کوم شك او- تردید پیدا کړی وی زما ټول اقرار همغه دی چه مخکښی می درته‌بیان کړیدی اوزه بیاهم په‌دی اعترا ف کوم څه‌شی چه‌می مخکښی ویلی‌دی واقعیت لری دغه راز معا ملی سړی دی‌نه‌اړ باسی چه‌په دی برخه کښی که‌دهر څومره‌څیړنونه کارواخیستل شی‌بیا هم نتیجه یی په‌زړه پـوری ګرځی همدغه نسبت ؤچه معالـــج ډاکتر درو غتون څخه دشارل دوتلو اطلاع راکړه‌زه هم بی‌له کوم څنډ نه‌ورغلم دډاکتر دلیدلونه وروستـه دشا رل کوټی ته‌ورغلم ګورم چه‌د روغتون نه‌دوتلو په حال کښی دی زماپه لیدلو خو شاله شر اورا تـه یی‌وویل: ډیره مهربا نی مو کړی چه‌بیا راغلی یی .

خوما ورته وویل په همد غـــی لیاری باندی تیریدم‌چه‌په ناڅا پـی توګه‌را یاد شوی نوځکه راغلم چـه حال اوحوال دی واخلم سر یـــی وخو ځااوه او ویی ویل ؛

ـکه څه هم وضعه می دومره‌ښه نه‌ده خوبیا یی هم اجازه را کړه چه دروغتون نه خارج شم خویوه لحظه هم دهلن دغم‌څخه‌نه یم بیکارشوی‌اود مدام دپاره چرت راسره ملګری وی دتندی خو لی یی پاکی کړی اوویی ویل:

هیله کوم‌که‌زړه مورا‌باندی‌سوزی نوزما سره په‌دغه بده ورځ مرسته وکړی اوزما دمیرمنی په‌برخه کښی چه‌هر څومره معلو مات را کو لـی شی راڅخه یی مه سپموی ما ورتـه وویل

ـڅه خبری چه‌می مخکښی در ته کړی واقعیت لری اوبیا هم وا یـم چه‌ستاسی میرمن زیاته بدقـــواره شویده له هجری امله نه غواړی چه څوك دی‌یی وګوری‌خوده زیات‌ټینګار وکړ اوویی ویل:

هغه ولی زما دلیدلو نه مـــړه شویده هغی خوزما سره زیاته مینه درلوده هغه ولی ماخپل ځانته نـــه راغواړی زه خوبه هغی پسی زیات لیونی یم.

ـمامخکښی درته اطلا عات ټو ل وړاندی کړی په‌دی برخه کښی زه کوم قصور نه‌لرم خوده بیا وویل:

ـپه‌کوم رو غتون کښی بستری ده؟

ـنه په روغتون کی نه‌ده بسری!

ـخیر نو چیری ده؟

ـهغه‌په‌یو شخصی کور کښی‌ده چه‌زما څخه یی قول اخستی دی چه بایدځای یی چاته ونه ښیم

ـعجب‌داڅه خبری اورم ارو مرو کومه موضوع په‌دی کښی لاس لری

ـهیڅ‌موضوع لاس نه لری‌ډاډه اوسه‌زه‌اوشارل په‌همدی خبرو کی ؤچه پرستار دروازه خلاصه کړه او دده دایستلو پاڼه یی‌ورباندی لاس

ketabton.com - The Digital Library

لیك كړه‌پولیسوته‌می هدایت‌ورکړی ژڅه دشارل په تعقیب کښی‌اوسی‌اوپه هرځای‌کښی یی چه‌ووینی باید سمدستی‌یی‌ونیسی اودتحقیقاتوصحنی ته‌یی راکاږی هغوی‌به‌هم راته دخپلو ورځنیو اجراآتو په‌برخه کښی‌معلومات راکول‌په‌پای کښی هغه ورځ راورسیده چه‌دده دنیونی نقشی عملی رنګ ورکړواوپه همدغه‌منظور دشارل کورته ورغلو اوده دراتګ انتظار موایسته څو لحظی وروسته شارل کورنه راووت خو یوازی نه‌ژ یوه ښکلی پیغله هم ورسره ملګری وه‌کله یی چه‌سترګی‌پمابانديو‌ونښتلی زیات وارخطا شو اوپه وارخطا یی سره یی‌وویل:

ـسلام ښاغلیه! څه عجیب‌اتفاق دده خبره می غو څه کړه اوورته می وویل زه‌دلته په‌اتفا قی توګه نه یم راغلی اویوازی دی‌ته راغلی یم چه‌ستاسی سره خبری وکړم په داسی حال کښی چه‌د مایو سی علامی یی په‌تندی کښی له‌ورایه معلو میدلی ویی ویل:

ـډیره ښه‌ده! زه ستاسی خدمت ته حاضر یم هرامر چه کوی زه‌ترینه غاړه نه غړوم وروسته دپیغلی خنګ ته ورغی او ویی ویل :

ـژیزل تاسی په هغه مخامخ رستورانت کښی دڅو لحظو دپاره انتظار وباسی زه بیرته‌ډیر ژر درځم وروسته مسکی غوندی شو او راته یی وویل:

ـهغه زما سکرتره ده‌له ډیری زیاتی مودی نه‌زما سره کار کوی ډیره فعاله‌اووظیفه پیژ ندونکی‌نجلی ده ، ورته می وویل چه دا امکان به ضرور موجود وی.

زما خبرو ته زیات متو جه‌غوندی ژ خوځه یی راته‌ونه ویل دومره یی زیاته کړه چه

ـپه کومه موضوع کښی موزما سره خبری کول غوښتل .

ـستاسی دمیرمنی یو کاغذ می لاس ته‌راغلی دی.

په داسی حال کښی چه غوښتل یی خپله وار خطا یی لیری کړی‌او زماپه مقابل کښی څان بی ګناه معر فی کړی نوویی ویل:

ـ زه دخپل تصمیم‌نه اوښتی یم .

ـنه‌ددی لیك په لومړی مرحله کښی می دلیك متن خپله پاملرنه څانته رااړولی او ګمان کوم چه‌دکوم مسافرت نیت یی کړی‌ژ اوداهم په کښی ویل شوی‌ژ چه‌د ژوند ددوام ارزویی هم‌نه درلودله اوهر څه چه‌په دنیاکښی وربانډی تیر شوی هغوبی له‌کومی بدبختی څخه بله معنی نه درلوده .

ـدڅه دپاره یی داشیان لیکلی وؤ؟

ـنه پوهیږم په‌دی باره کښی څه توضیحات نه‌شم ور کولی خودلیك دمتن نه‌داسی معلو میږی چه‌د ډیری ناامیدی سره مخا مخ شویده خوزه په‌دی عقیده لرم چه ددومره‌ناامیدی سره به‌خپل انتخار ته ملا وتړی.

ـزه هم په‌دی پوهیږم چه دهغی اعصاب نورمال نه‌دی اوارو مروبه څان وژلو ته اقدام وکړی اوس ددی وخت دی چه څان ور ورسوم اوددی دقدا ماتو مخه ونیسم ورته مـی وویل:

ـپه خپل اخرنی لیك کښی یـی لیکلی وو چه‌دمرګ نه څو شیبی وروسته به‌یو بل لیك هم راته‌ولیکی اوحقایق به ټول پکښی روښا نه کړی اودایی هم زیاته کړی وه چه دغه حقایق به‌دومره دچا په طبعه برابر هم نه‌وی.

ـمطلقه چوپتیابر کرار شوه په داسی حال کښی چه‌په‌ارامی سره‌مو دیو، اوبل په څنګ کښی قدم‌واهه په‌نا څاپی توګه یی وویل:

تاسی نود څه دپاره دلته راغلی یاست اول دغه شیان راته ووایی په داسی حال کښی چه تاسی هم پوره پوهیږی چه‌د هغی دتصمیم دمخنیوی دپاره هیڅ کارنه شی‌کیدلی

ـزښتیا خبره داده چه ستاسی دمیرمنی انتحار زما وجدان زیا ت خوړولی دی داټیك ده‌چه ماهغی ته قول ور کړیدی چه داوسید لوڅای به‌یی هیڅا ته ونه ښیم خو که دغه راز موضو عات منځ ته راځی نو زه هم‌په قول باندی ولاړ نه‌شم پاتـی کیدلی.

ـ ښه نو چه داسی ده ښه به‌داوی چه‌دهغی مکمل ادرس‌راپه ګوته‌کړی که‌څه هم‌دوخت نه‌به پری خبره وی چه‌زه دهغی دمکمل ادرس پو ښتنه کوم خوښه به‌داوی چه زه یو ځل ورشم اوخپله هلن دنژدی نه‌وګورم.

ـ یعنی تاسی فکر کوی چـه څه مرسته‌به ورسره وکولی شی او که څنګه ؟

ـ هوزه باورلرم چه‌هغه‌که ما وګوری نود هراقدام څخه به څان وژغوری اویوازی به‌زما په خوښه کار کوی.

ـپه‌دی صورت کښی زه هم په خپلی وظیفی باندی پو هید لی شم چه‌څه باید وکړم اود هغی دروغتیا اوسلا متیا دپاره دخپل قول نه تیر شم اودهغی ټیك ادرس درته وښیم نو څکه‌می‌د هغی پوره پته ورته په یوه کاغذ باندی ولیکله اوورته ورمی کړه‌اودا می‌هم ورته زیاته کړه چـه ډیر ژر به‌دهغی دلیدنی دپاره ورشی ورځخ ژوندیی‌دخطرسره‌نه‌وی مخامخ شوی.

ـسر یی وخو خاوه اوویی ویل:

ـزن شپه نه‌شم کو لی چه ورشم سبابه یی پوښتنه وکړم وروسته‌یی کاغذنظر نه تیر کړ اووه یی ویل:

ـډیره لیری هم‌نه ده نه یو هیږم چه څنګه یی‌دخان دپټولو دپاره دغه راز ځای انتخا ب کړیدی شار ل ویلی وو چه‌زن شپه هلن نه‌شم‌کتلی ددی‌کار معنی داوه چه همدغه زن شپه یی غو ښتل چه‌دخپلی نقشـی نوربیا

...ton.com - The Digital Library

# زندگی امروز

تهیه وتنظیم : فریده اسحق برجوش

از: پروین قسیم

## رنج بردن از بی محبتی

مهرومحبت مردو موهبتی خداوندی است که برای نشان دادن قدرت وعظمت ذات خودش به بشر ارزانی نموده وبه آن میتوان هرمانعی رااز پیش پابدور افکند وهمه چیز را بدست آورد وبرهر مشکلی فایق آمد . دل ناامید و مایوس راامیدوار ساخته ، چهره غمگین راشاد وغبار دلسردی وبیچارگی راپاك می سازد . محبت ومهربانی چون دریای است که درپهنای آن مواج دوستی وصمیمیت یکی پی هم غوطه میزند وچشمه زلالی است که خشك ترین بیابان هارا به باغ لطیف وسرسبز تبدیل می نماید . امابعضا مادرانی هستند که از پیشکش نمودن مهر ومحبت خالصانه مادری دریغ نموده وازین اقیانوس بیکران قطرهٔ محبت در اختیار دلبندشان قرار نمی دهند . یعنی بسیاری ازمادران تمام وقت را وقف زندگی خود ساخته وازحال واحوال فرزندان خودهیچ اطلاعی ندارند نمیدانند که فرزندان شان باچه نوع مشکلات دست وپا می زنند وآیادرراه تحصیل خویش به چه اندازه می کوشند . حتی بعضا نمی دانند که‌فرزندان شان به کدام صنف درس میخوانند و قتی فرزند ازمادر وپدر کمتر محبت و مهربانی نسبت به خود احساس نمود بتدریج بین‌فرزند ووالدینش فاصله می افتد ومعلوم است که وقتی این فاصله زیاد شد ارتباط دوستی وصفا وصمیمیت بین هردو ازبین میرود وحتی باتاسف این مهربانی هابه دشمنی وکینه و عداوت مبدل میگردد . فرزند به محبت وعاطفه مادری نیاز بیشتری دارد زیرا یك لبخندمادر ویك نوازش مادردنیارا به فرزند می بخشد ودرهای بسته رابرویش باز میدارد . مادرباید به قدر وقیمت محبت مادری خود بداند زیرا غفلت ازمحبت مادری روح حساس فرزند را تاریك می سازد وبرای اوعقده های فراوانی ایجادمی نماید وآینده مستقیم فرزند راناهموار میسازد . زیرا بسیاری ازانحرافات و امراض عصبی ازعدم محبت ما در به فرزند بوجود می آید. چه بسادیده شده که چنین فرزندان اشخاص ظالم، بی احساس، تندخو یا ر می آیند ذرهٔ رحم دردل شان موجود نیست واثری ازصفا وصمیمیت درکوچکترین نقطه روح شان وجودندارد. گاهی چنین فرزندان جنایتکار بارمی آیند، گاهی هم مشکلا ت دلخراش پیش پای همنوعان خویش پهن میدارند وگاهی هم بطور ناخود آگاه ازاجتماع انتقام میگیرند .

پس مادران عزیز و گرامی شما نباید فرزندان تان راازمحبت‌مادرانه خودمحروم دارید فقط بایك نگاه پرمهر، بایك بوسه گرم‌رهنمای راه وی گردید واز بسیاری ازامراض روانی وعصبی جانش را بسلامت نگاه دارید چون این محبت هاباعث نگهداری فرزندان تان در برابر حوادث آینده در اجتماع خواهد بود .

## بخش آشپزی

**پن کیك خوراکی از کچالو :**

**موادلازم :**

یك کیلو کچالو، چارعدد نارنج، دو عدد تخم مرغ، مقداری روغن، سیر، نمك ومرچ به قدر ضرورت، مقداری هم تخم گشنیز و مرچ سیاه ، دوعدد پیاز ونیم پیاله آرد.

**طرز تهیه :**

کچالو هارا شسته بگذارید بجوشند تاخوب نرم گردد. پیاز هاراپوست گرفته خوب میده کنید قسمیکه در شت نبوده وهمه تقریبا یك سایز گردند . وقتی کچالو هانرم شد آنهارا پوست گرفته ازماشین گوشت بکشید، پیاز ریزشده را باآن انداخته مخلوط کنید. تخم‌های مرغ رادر ظرفی به هم زده باسیر میده شده مرچ، نمك وآرد به‌کچالو وپیاز علاوه کنید. مرچ سیاه وتخم گشنیز رانیز میده نموده به آن بیافزائید . دونارنج رانصف کرده هسته هایش رادور بریزد وآبش را بالای مواد فوق بپاشید وخوب مخلوط کنید تاهمه خمیر گردند.

روغن رادرظرفی ریخته بالای آتش بگذارید وقتی خوب داغ شد، خمیررا که به‌شکل دایره های خورد درآورده اید به آن بریان کنید . وقتی یك رویش بریان شد روی دیگر را بچرخانید تاسرخ شود. سپس ازروغن درآورده بالایش‌آب نارنج پاشیده اطرافش‌راباسبزیجات تزئین نمائید .

این غذا را میتوانید باکباب نیزبچینید .

**کچالوی بریان**

مقداری کچالورا گرفته جوش دهید اما نه آنقدر که زیاد نرم گردد. کچالو ها باید یك اندازه باشند واگر بزرگ باشند نصف کنید تابامتباقی یك اندازه گردند . وقتی کمی نرم شد پوستش راگرفته بالایش نمك بپاشید . روغن رادرظرف نسبتا عمیقی ریخته بگذارید خوب داغ گردد بعدکچالو هارا به آن انداخته تاوقتی بگذارید که خوب سرخ گردند ورنگ قهوه‌ای روشن بخود گیرند . این غذابایدداغ صرف گردد . لذت آن باکباب ویااگر نباشدبا نارنج بیشتر است .

## طرز گرفتن رب بادنجان رومی

برای تهیه رب بادنجان رومی باید بادنجان های پخته ورسیده رااز میان دو نصف کرده بافدری نمك دردیگی ریخته بگذارید بجوشد طوریکه خوب نرم گردد. بعدازآن ، آنرا ازالك سبعی گذرانده تخم ها وپوست آنراجداکنید. آب صاف بادنجان رومی رادو باره دردیگ ریخته بالای آتش بگذارید وپیهم شور دهید تانسوزد. وقتی غلیظ شد درکوزه هاویا مرتبان های تعقیم شده بریزد وسرآنها رامحکم بندید تاخراب نگردند .

بعضا برای صرفه درسوخت میتوانید رب را بعداز کمی جوشیدن درظرفی ریخته در آفتاب بگذارید وروی آن تکهٔ نازکی بکشیدتاگردو خاك نگیردو بتدریج غلیظ گردد وبعداز آن در مرتبانها جادهید .

مقدار تهیه رب بادنجان رومی بسته بتناسب جمعیت فامیلی وضرورت شماست . بهترین موقع برای تهیه آن فصل فراوانی وارزانی آن دربازار است . معمولا در اواخر تابستان واوایل خزان فراوان پیدا میشود .

ژوندون

ketabton.com - The Digital Library

# شناخت و نگهداری شیر

شیر غذای سالم ومورد احتیاج کودکـــان وبزرگسالان است اما این مایع حیاتی بایـد دارای شرایط وصفات مخصوصی باشد .

شیر خوب، طعم شیرین، مخصوص ومطبوع دارد. شیرهرگز نباید ترش مزه یاشور باشد. رنگ آن مایل بزردی ودارای مختصر غلظـت است . همین که مدت کمی بماند یك طبقـه چربی یاقیماق روی آن می بندد. شیرخوب را هرگاه تکان دهید دراطراف ظرف سفیدی‌باقی گذاشته کم‌کم برطرف میشود. شیریکه آب به آن اضافه شده باشد دراطراف ظرف اثـری باقی نمیگذارد . اگر نشانیسته داشته باشد. زودمیسوزد .

شیر اگر پاستوریزه نباشد آنرا حتما باید بجوشانید. قسمیکه وقتی شیر درظرف جوشید وبالاآمد به هم بزنید تا سرنرود وچند دقیقه بجوشد . شیر جوشیده دیرتر خراب میشود زیرا جوشاندن مواد قابل تخمیر ومیکروبهایی که درشیر است ازبین میبرد. ولی از مقـدار ویتامین های موجود درشیر نیز میکـاهد . ظرفی‌که شیر رادر آن می جوشانید بایدشستن آن سهل باشد . تاخوب شسته شود. هرگـاه مختصری ازشیر درگوشه وکنار ظرف بمانـد بزودی آنرا ترش وخراب میکند . شیردرهوای سرد وجاهای خنك خوبتر حفظ میشود .

نمونه زیبایی از بالاپوش زمستانی که‌برعای یخن و اطراف دامن بـه زیبایی‌آن افزوده است.

# زیباتر از پیش

داشتن چهره وصورت زیبا وبی نقص‌آرزوی هرخانمی است . درحالیکه کمتر صورتهایـی است‌که بی عیب ونقص باشد . اکثر خانمها ازنقصی درچهره شکایت دارند. این عیـوب ونواقص رامیشود باکمی توجه وآرایش دقیق ازبین برد. این روش گذشته ازآنکه زشتی ها راپنهان میدارد، به زیبایی صورت میافزاید :

اگر زنخ شما درون رفته وکوچك است از پودر های روشن وصدفی به آن بمالید تـا برجسته تر بنظر آید .

برای اینکه گونه هابرجسته تر بنظر آیند باید مقداری کمی سرخی بکار برد وزیرچشم راپودر روشن زد .

اگر بینی پهنی دارید ازپودر تیره‌استفاده کنید تا باریکتر وکوچکتر بنظر آید.

هرگاه بخواهید که قسمت هایی از رو ی شما فرورفته ویابرجسته به نظر آید درقسمت های برجسته از پودر هـای روشن بزنیدتـا نقاط دیگر فرورفته بنماید.

اگر صورت تان چاق وپهن است وبخواهید کوچکتر وکشیده به نظرآید ازپودر تیره مایل به قهوه یی برای اطراف صورت استفاده‌کنید.

**لبها ولبسرین :**

لبسرین برای رنگ دادن به لبهـاست . ولی برای اینکه خطوط لب مشخص شود باید ازیك برس یاقلم مخصوص لب استفاده‌کرد.

بعداز کشیدن خط لب بابرس یاقلم بیـن لبهارا بالبسرین پرنمائید .

بعدازاینکه لبسرین زدید با دستمال کاغذی کمی آنرا پاك نمائید ویکبار دیگـر لبسرین بمالید . این سبب میشودکه لبسرین در لبها دوام بیشتری نماید . امامتوجه باشید لبسرین اول راکاملا پاك نکنید .

اگر لب بالا، باریك است باید آنراباقلـم کمی بالاترازلب وبه امتداد خط آن کشیـد و لبسرین رانیز کمی بالاتر زد . سعی کنیـد اینکار راخیلی بامهارت انجام دهید تا شکـل لب طبیعی جلوه نماید .

ketab.com - The Digital Library

## گدا !

احمد خندا ن ازخانه بیرون‌آمد. رفیق های احمد علت خنده احمد رایرسید ند جواب داد د ختر ی پنج ساله دارم . همین که اراده بیرون آمدن داشتم نزد من آمدو پنج افغانی از من طلب کرد، گفتم ندارم ، روی به‌مادر خود آورد ه گفت:

در عالم هیچ کسی دیگر نیافتی که‌زن این گداشد ی

## با هم نمی سازند

طبیبی ، ظریفی رادید که د و طعام غلیظ رابا هم می خوردگفت:

ـاین دو طعام با هم نمی‌سازند.

روز دیگر شنید که آن ظر یف بیمار شده ، به سر بالین اوآمدو گفت:

ـ نه ترا گفتم این دو طعام با هم‌نمی سازد ؟

گفت:

ـاین زما ن باری به هم ساخته‌اندکه مرا از میان بردارند.

## سنگ پشت

طفلی سنگ پشتی رابه خانه‌نزد مادر خود آورد مادر ش از وی ـ برسید بچه ککم بااین حیوان چه کار داری پسر جواب داد: میگویند که‌سنگ پشت دو صد سا ل‌مـــی تواند زند گی کند حالا من مـــی خواهم ببینم که آیا حقیقت داردیا نه؟

بدون شرح

## فرق کشتنی ومردن

به‌حامد ، و قتی که خردسال‌بود گفتند:

ـآیا میخوا هی که پدر ت‌بمیرد تامیراث اوراببر ی

گفت:

ـوالله می خواهم که اورابکشند تاچنان که ... میرا ث او می‌برم ـ خون بها نیز بستا نم.

## مبالغه کران

اولی: حواسم به اندازه یـــی پریشان است که وقتی به‌مخابرات رفتم نامه رابین سر ك اندا ختم‌و خودم داخل صند و ق پستـــــی شدم.

دومی ـ اینکه چیز ی نیست‌من‌از پریشا نی حواس دیشب بالابوشم راداخل بستر گذ اشته خود رابه کوت‌بند آویزان کرد م .

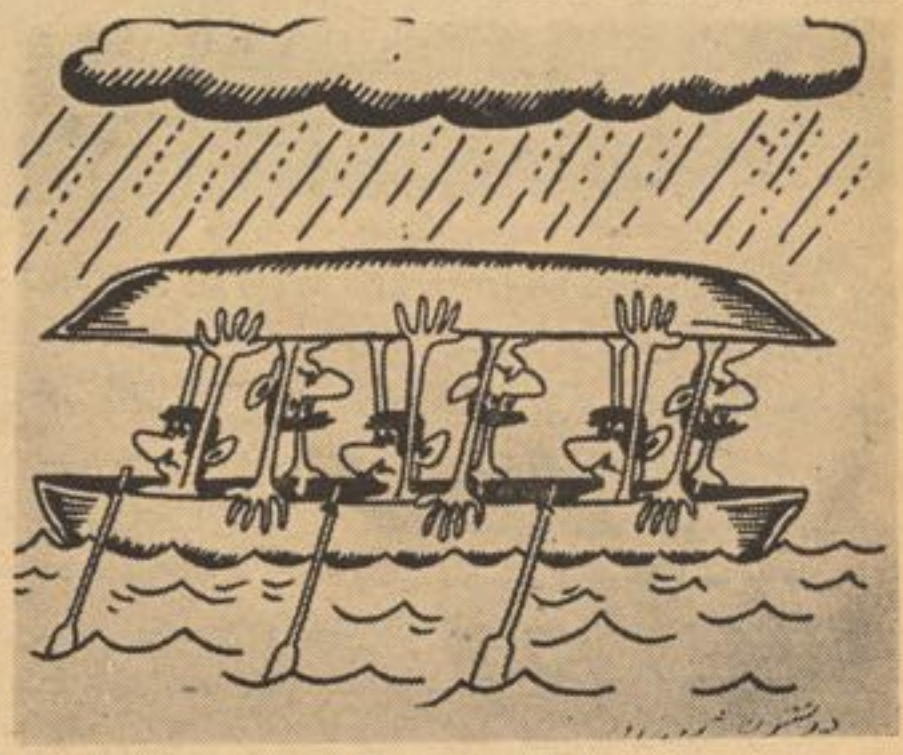

چاره جویی قایق را نبا هنگام باران

## مادروفرزندمنجم!

احمد گفت.:

ـمن ومادر م، هر دو منجم ـ ماهیر یم ، که در حکم‌ما خطا واقع نمی شود .

گفتند:

این دعوی بز رگ است، ازکجا می‌گویی.

گفت:

ـاز آنجا که چون ابری برآید، من‌گویم.

باران خواهد بارید :و مادرم ـ گوید:

ـنخوا هد بارید !

البته یاآن شود که من گویم‌یاآن شود که او گوید .

پدرجان : ای مرغ خو از من استمن به هیچ صورت نمیگذارم برای مهمانان خود آنرا بپزید

ژوندون

ketabton.com - The Digital Library

جان اورا ببین که ازمن وتو حا لا شکار خودرا می خواهد

# تلگراف متوفی!

یك کشیش امریکا یی که(جون براون) نام داشت در یکی از شهر های امریکا وفات یافت وا تفاقادر همین شهر ثرو تمند مشهو ر ی بودکه اوهم (جون براون) نا میده می‌شد .

سه روز ازمر گ این کشیش نگذشه بود ثرو تمند برای انجام کار مهمی که داشت به شهر – (فلوریدا) مسا فر ت نمودوبه‌محض این که‌به این شهر رسید بر ا ی مطلع ساختن ز نش از سلا متی خود، تلگرا فی کرد. لیکن ما مور تلگرا ف‌اشتباه نموده تلگرا فرا برای بیوه کشیش برد .

بیچاره پیر ز ن‌تلگ را ف را خواند و ضعف کرد، زیرا درورقه تلگراف چنین نوشته بود (به‌اینجا سالم رسید م‌اماگر ما طا قت فرساست . جون براو ن) .

# از همان جا

درروز امتحان‌استا د ازشاگردش سوال کرده گفت :

اگر ناگهان دریا طوفا نی شود وشما دربین کشتی بودی ، چه‌کار می‌کنید ؟

–فورا لنگر می اندازیم !

اگر طو فان سخت تر آمد چه

–یك لنگر دیگر می اندازیم .

–اگر یك طو فان شدید تر از طوفان قبلی آمد، چه کار می کنید؟

–یك لنگر دیگر می اندازیم :

–خوب بفر مایید ببینم این همه لنگررا ازکجا می آورید ؟

–ازهمانجا که شما آن همه طوفان را می آورید :

آه :خوب شد که‌من همرای خو دسامان داشتم ورنه‌اسب من به‌همین دشت پنچر میما ند

# ترك‌سگرت

شخصی چندین ساعت نز دیك تانك بطرول استاده بودو مو ظفین تانك از وی پرسید : آقا شماچه کار دارید که این جا ایستاده – هستید ؟وی جواب داد چون در نزدیك تانك سگر ت کشیدن ممنوع است و من عزم دارم عادت سگرت‌راتر ك دهم .

## عشق انگلیسی

یك جوان انگلیسی با دختر ك زیبای فرانسو ی ازدوا ج کرده‌و برای گذ راند ن ماه عسل با ز ن جوان خود بامو تردر حرکت‌بودند. درراه جملات پایانی بین آنها ردو بدل شد.

مردپرسید .

–عزیزم . آیا جایت را حت است.

زن جواب داد:

–بلی عزیزم..

مرد پرسید :

–هیچ احساسی نا را حتی نمی کنی؟

زن جواب داد:

–نه عزیزم..

باز شو هر پرسید :

–آیا جریان هوا یا حر کت‌چوکی ناراحتت نمی کند ؟

زن‌گفت:

–نه عزیزم کاملا راحت هستم.

آن وقت مرد انگلیسی گفت:

–پس بیا جای خودرابا هم عوض کنیم.

پدرجان بوت دیگرخودرا نیزبرایم بدهید تایك گل دیگر را باز هم به‌آب بدهم

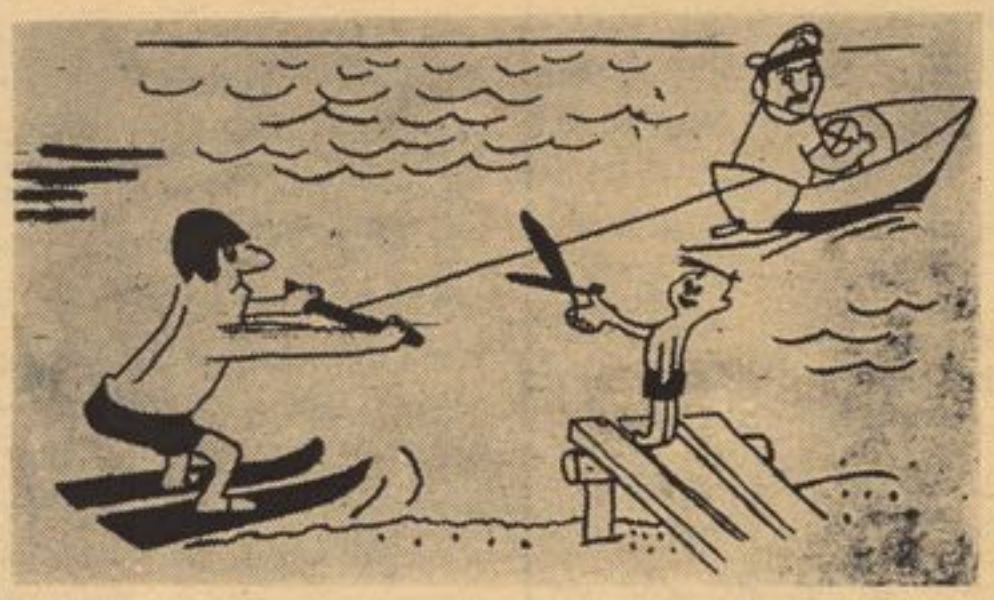

هرقدر گفتم که مرا همرای‌خود ببرید اماکم شنید یدحالا بخیر بروید

# لباس‌سفید

دختر مود پرستی بعد ازفراغت‌مکتب پیش آیینه قدنما ایستاده‌و پیراهنی سفید به تنش بود .

مادر ش از وی پرسید دخترکم بعد ازین به کدام رشته می خواهی تحصیل کنی ؟ دختر جواب داد: می خواهم به فاکو لته طب خودرا شامل سازم مادر باز پرسید :

مگربه مسلك طب علاقه دا ری: دختر نه خیر علاقه ندارم امالباس سفید به جانم نمود میدهد .

یك، دو، سه ، بفرمائید ؟!...

ketabton.com - The Digital Library

روانشناسی

# فرار از مشکلات

ممکن است بسیاری از شرایط وعوامل زندگانی برای ما خوش‌آیند نبوده واین وضع سبب و مو جبات رضایت خاطر مارا فراهم نساخته و حتی بعضی از موقعیت ها وتجارب، غیر مطبوع و خجالت آور میباشند .

مثلا ممکن است با همه کوشش که بکار می بریم در امتحانات مکتب موفق نشده و در این راه شکست بخوریم ویا اینکه باتمام خوش‌قلبی و حسن نیتی که ابراز میداریم زیاد مورد توجه دیگران قرار نگیریم وآن شهرت و محبوبیت لازم را کسب نه نماییم ویا اینکه بعضی ازنزدیکان وخویشاوندان با انجام دادن اعمالی موجب خجالت ما گردیده و یا اینکه خود ما کاری کرده ایم که از عاقبت آن ناراحت هستیم .

هرکس تااندازه ای از مواجه شدن با موقعیت های ناراحت کننده وغیر مطبوع اجتناب می ورزد و لی از طرف دیگر عده ای هستند که باکمال شجاعت با مشکلات رو برو میگردند و لی با روش های عاقلانه در حل آن سعی مبذول میدارند ونیز جمعی دیگر میکوشند که در برابر مشکل رو ، بر گردانند وبوسائلی از قبیل رویا و خیال پردازی ها و یا بوسیله استعمال الکل ودیگر مواد در افسر دگی فرو ر وند وفراموشی وبرگشت بدوران طفولیت را ازلحاظ اعمال و رفتار ، فرار اختیار میکنند.

وقتی برای روبر- گرداندن از مشکلات و معضلات زندگانی رو ش های فوق را بکار می‌برندکه‌باصطلاح روان شناسی ، مکانیسم فراراختیار کرده اند .

# اندیشه‌های جوانان

**نویسنده سید مجتبی (ارمیت) ازپروان**

در ژرفنای سیر زمستان رازها ،اندوخته ها و پدیده های مر موز است ، که فهم شان درك علمی و منطقی توام باتلاش های مداوم و خلل نا پذیر میخواهد . جهانیان‌وتمدن پسندان هواخواه کاروان امروزی ، در هر مسیری که قرارمیگیرند متکی واستوار به جدیت ، متانت ورزمندگی متین خویش بوده‌وبه اساس آن دید های گونه گونی پدید وروز، بروز بخاطر رونق دهی‌زندگی شان راز های نوینی راکشف میدارند .

انکشاف وتحول درسر زمین های‌نوبنیاد مستلزم سعی و تپش‌افرادی میباشد که ازنور دانش بر خور دارهستند و میتوانند گرهٔ مشکلات شانرا خود شان آنطوری که ایجاب‌کند باز کنند .

این افراد در جوامع مختلفهٔ جهان‌امروزی قشر روشنگر و قشر آموزندهٔ راز های هستی اند .

• • •

**م، حسین تاجر زاده**

هنگا میکه امواج خرو شان به‌ساحل های آرام می شتابند و مرغان دریائی به جنگل های‌خاموش‌پنا می‌برند ، لغزش امواج رامی‌نگرم ونغمهٔ پرندگان آبی را می شنوم دراینجا خاطرات شیرین زندگی یعنی ایام جوانی را به یاد می آورم و درحسرت عمر کوتاه جوانی خا موش می مانم .

شما ای یاد گار های جوانی‌سال‌ها در آرامش خود به سر می برید وخاطرات گران بهایتان جاو دانه نزدما می ماند ، روز گاری که از هستی مانشانی نمانده و نام ما از خاطر هافراموش شود ، سرزمین هائیکه عمر کوتاه ما میان چمن های خود روی‌آن‌ودر آغوش کوههای مهربان‌وسواحل نرم رودخانه بسر آورده است‌هیچگاه ما را از یاد نمیبرد .

بهاران زیبا علف های خود ر وی‌جنگلی را پژمرده نمی کند و باد های خزانی برگ های زردگون را به‌دهان‌امواج دریا نمی ریزد آنها همه‌یادگار های جوانی ما را حفظ می کند .

• • •

**نوشته : سعید (زلمی)**

جوانان : ـ افکار من در هرزمان‌متوجه شما بوده و آرزو دارم همهٔ ما وشما اشخاص باشیم که واقعیت‌را از رشتهٔ مطالعه و پی نمودن راه های واقعی پیشه نمائیم. زیرا مابرای فرداخدمت مینمائیم و فردا مربوط و متعلق به ما و شما است .ای خواهران و برادران‌ایکه شمادرین دنیای پر حادثه روزگار می گذرانیدشاید روزی فرا رسد که از روی احساسات بشر دوستی وانسانی دور هم جمع شده با هم متحدگردید وتفرقه ها و پراگندگی ها،کشیدگی‌ها و اختلافات را از بین برده به چارهٔ درد ها ورنج های تان مصروف‌گردید و برای صحت وسلامت‌بیشتر یکدیگر تان خدمت نمائید شما مردان‌وزنان فردا میشوید و مسئولیت های بزرگی متوجه شما میگردد باید ازهمین اکنون درس بشر دوستی ، همنوعی، ووطن پرستی را بیا موزیدوبرده باری تحمل و گذشت راپیشهٔ خود سازید . شکست را به عنوا نآگاهی خوبی برای تان تلقی نموده فداکار باشید . به بینید تجربه‌نمائید واز تماس وتلاقی ذهنی با مردم تان امتناع نداشته باشید تادرزندگی آینده تان بیننده تر مجرب تر گردید بر علاوه، این گونه برخوردها بر قدرت و شخصیت تان می افزاید نظریات خود را در کورهٔاحساس لطیف، مذاب نمائید تا از ناخالصی ها ز دوده گردد پاك گرددو مورد قبول هم میهنان عزیز قرار گیرد .

ketabton.com - The Digital Library

# جوانان ورو ابط خانوادگی

یکی از مشکلات خانواده ها چه قبل از ازدواج و چه بعد از ازدواج ناسازگاری عروس و مادر شوهر (خشو) است . ... اغلب دختر ها قبل از ازدواج با داماد شرایط میگذارند ویکی هم از شرایطی که بدان زیاد پا فشاری میکنند اینست که مادر شوهر از ایشان جدا زندگی کند ، زیرا آنها عقیده دارند که‌مادر شوهر باعروس خوب نیست‌وزندگی کردن این دو باهم که در قطب های مخالف همدیگر قرار دارند بدون اختلاف ممکن شده نمیتواند .

وبالعکس همین عقیده رابسیاری از داماد ها نیز در بارهٔ مادر زن دارند . ولی باید خاطر نشان گردد که این موضوعات مال خیلی قدیم بوده است .

امروز که شرایط زندگانی به مانند برق تغییر می یابد و تحول میکند وانسان بسوی یك زندگی ماشینی گام می‌نهد چنین موضوعات دیگر خیلی کهنه شده و خریداری ندارد .

درست است هرکس آرزو داردکه زندگی مستقلی داشته باشد ولی دیده شود که آیا چنین زندگی ممکن است یاخیر ؟

بحر حال آنعده ایکه بدین موضوعات فکر میکند باید ملتفت این حقیقت باشند که گذشته دیگر گذشته است و باید بفکر آینده بود ومتوجه شد که چنین مسایل غیر اینکه انسان را از کار های روزانه و ثمربخش باز دارد و مانع پیشرفت کار ها گردد دیگر سودی ندارد .

# ورزش و صحت

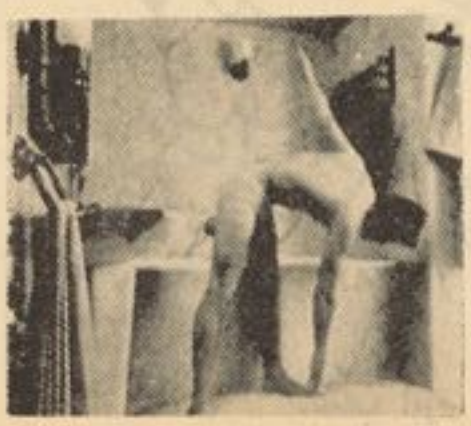

## عشق افلاطونی

عشق مجازی پایدار نمیباشدزیراآنچه که موردعلاقه است‌بقائی ندارد، همینکه شکوفه حسن پژمرده‌گشت،آن عشق بجانب دیگر متوجه میشود، سخنان ووعده ها جملگی فراموش‌میشود ، لیکن عشق حقیقی بالعکس باروح ارتباط دارد و یك روح‌زیبا در تمام دوران زندگی باو فا میماند زیرا بچیزی دلباخته است که‌ازلی وابدیست .

عشق تولید نمی شود مگردرنتیجه‌برخورد هوس بمانع (عقیده بعضی از فلاسفه) بی عشق زندگی محال‌است ، برای آدم بی عشق‌دنیا حکم قبرستان وسیعی را دارد . (افلاطون)

ازدواج محکمترین رشته اتحادرابین زن و مرد بر قرار میکند ونتیجه آن پدید آمدن اطفالیست که‌روز بروز اساس آنرا استحکام می بخشد .

عشق و ازدواج رابطه ای بایك‌دیگر ندارند زیرا او لی ناشی از هوس ودومی عاقلانه ترین تصمیم‌دوره زندگی است . از دواج مفید ترین امری است که یك مرد در مدت‌عمر خود به انجامش مبادرت‌میورزد.

( اخلا قیون غرب)

عشق گوهر تابناك آفرینش‌است. ( افلا طون)

ketabton.com - The Digital Library

وقتیکه وارد خانه شد م ز نـــم گفت:

ـگر چه هر و قت پشت سودا روانت کدیم رفتی و چشم با زاره کشیدی ولی امد فعه خو ب هوشته بگی دو کیلو گوشت خو بو اعلای گوسفنـد بخـر که مهمان داریـــم، گفتم:

ـباز هم مهما ن .. آخ که دیوانه شدم با اینقدر مهمانداری .

زنم گفت :

ـخو چطور میشه .. همـــراه پریگل سریك مهما نی چنـــاق شکستانده بود م مهمانی ره برد .. امشو همگی شا ن میاین ..

براستی از مهما نداری بجـــان رسیده بودم ، ولی چه کنم که زنم همینطور خواهر خوانده باز است ومن هم ناچاربایدجور خواهرخوانده هایش رابکشم .

وقیکه پیش دکا ن قصـــا ب رفتم فکری بخاطرم رسید بـا خود گفتم:

باید چنان جنسی بخانه ببرم که زنم ازمهمانی دادن و خواهرخوانده هایش ازمهما نی خورد ن پشیمان شوند . گلویم راصا ف کرده بـــه قصاب گفتم:

ـدو کیلو گوشت میخوا هم ... ولی چنان گوشت مز خر ف که تاحال نفروخته باشی .. اگر از کـــدام میش لاغر ومرد نی باشد بهتـــر است ، ضمنا استخوا نش زیاد باشد، اگربو گر فته باشدنورعلی نور...

قصاب خیره خیره بطر فم دید، خیال کردشو خی میکنم . تکـــرار کردم.

ـزودباش دو کیلو گوشت بـــا همان خصو صیا تی که گفتـم.... گوشت باید از فولاد کمی نر م تر ولی ازچر م سخت ترباشد .

قصاب ابروها یش راته و بالا انداخته مشکو کانه بمن نگریست، بعددوکیلو گوشت وز ن کردودر پاکت انداخت ، پو لش رادادم و خرامان خرامان خانه آمد م ، باخود میگفتم: (بوبوی سمنبو جان . .. حالا ازین گوشت برای پریکل جا نو شرین گل جان و کوکو گل جـان وبگیر ونما ن جانت ا شکنـــه بپز.

زنم غذا را تهیه‌کرده بود،خواهر خوانده ها یش هم آمدند ، هنگام صرف غذا می خواستم قیافه های تماشایی شانرا تماشا کنم و لـــی خلاف انتظار دیدم که طـعام لذیذی روی‌سفره چیده شد ه . همســـرم

بقیه در صفحه ۵۰

قصاب ابرو هایش را تـه وبالاانداخته مشکو کانه بمن نگریست .

ketabton.com - The Digital Library

کار عمله دربالای رگ (۵)بیرایت

کار عمله دربالای رگ نمبر ۵بیرایت

# بیرایت

از بیرایت د رصنایع مختلف نیز بحیث مادهٔ پرکننده ، در رنگ‌سازی، کاغذسازی ، رابرسازی، موم‌جامه ـ سازی استفاده می نمایند .

منبع در بارهٔ خصوصیت علمی بیرایت می گوید :

ـ از بیرایت افغانستان، مرکبات کیمیاوی بادیم نیز استحصال شده می‌تواند ، کلورایدو کاربونات بادیم درنساجی ، چرمگری و کاشی بحیث مادهٔ جلا دار بکار میرود . همچنین کلورایدبادیم که مادهٔ زهر داری است ، در امحای حشرات مضره استفاده می شود . اکساید بادیم در شیشه سازی‌وذوب‌فلز مورد استفاده قرار میگیرد وبالاخره‌هایدرو اکساید آن در جدا ساختن شکر، از جریان مایع سیاه رنگ آن کمك میکند .

بارگیری بیرایت توسط اسکوارتربالای رگ (۵)

# ځوچه‌خس

ولری البته که اصو لا دسی یوغوځ مو جود وی دغزی ډیر غیر عرب او غیر یهود خلك دانه منی چه هیڅ دمقاومت نهضت ذی په جدی تو گه بدی سیمه کی فعال وی هغوی‌وینی اود ورته گرانه ده‌چه باور وگړی چه پدغسی یوه ځای اوددغسی بندیزو نو په شرایطو کی دی کومه پیښه شوی وی مثلا یو بمب چه د غزی په‌بازار کی واچودل شو پنځه‌ـ دیرش عربان یی تپی گړل آیادډیوه عرب له خوا چوودل شویدی داخبره هیڅعرب‌نشی‌منلی‌هغوی بدی عقیده لری‌چه داټول کارونه داټول ورا نی دسرا ییل دفوځ له خوا کیږی‌دانشی منلی چه عرب دی پا خی او په پنځه دیرش تنو عربو باندی بم واچوی.

داهغه اقدامات‌دی چه په غزی کی دامنیت په‌پلمه داسرا ییلی قوځ له خو تر سره کیږی اډیره حساب شوی اوله خشو نت او قهر څخه‌ډك اعمال‌دی چه اسراییلی فوځ یی پدغی سیمی‌کی‌سرته رسوی‌لدی حساب شوو اوله خشو نت او قهر څخه دډکو اعمالو هدف دادی چه عربان لاپسی هم‌دی ته «وهڅوی» چه خپلی سیمی پریږدی اود غزی له سیمی څخه هم ووځی. بدی خبره باندی دغزی اوسیدو نکی او عر بی آواره گان ټول پو هیږی.

داعمال ددی لپاره کیږی چه‌آواره عربان دی غزه پریږدی خو بدی‌ټوگه داسرا ئیلو په‌وسیله دغزی په ځان پوری دنښلو لو او تړ لو عملیه تر سره شی اودغه لاره‌دوی‌ته خلا صه شی. زما مشا هدات‌او کتنی داخبره بیخی تاییدوی‌چه اسراییل دا کار ونه‌په اسرا ییلو پوری دغزی د الحاق او نښلو لو لپاره کوی.

ما څلور کاله په هتلری المان کی دیوه جنگی ښکیل او بندی په دود تیر کړیدی او ډیر هسکی ټیټی می په هلته کی لیدلی اوله سره تیری کړیدی ،خو جر منیانو هغو داسی له‌قهر او خشو نت څخه ډك اود تو حش له مخی تگ وتگړ، چه‌اوس یی اسرا ئیلیان دغزی دسیمی لـه عربانو سره کوی له هغو غزه والو عربانو سره چه اکثریت یی بیځی او ماشو مان تشکیلوی.

«پای»

ketabfarsi.com - The Digital Library

## زن مقلد

گفت:

ـبخدا ده سودا آورد ن ا مروز گل میرزایم حیران ماندیم .. هر روز که گوشت میاورد مثل چرم‌می بود، اما امروز گو شت بره آورده. مهمانان هم از لذت گو شت‌تعریف وتمجید کردند ، من که جرات نمی کردم لب به‌غذابزنم قدر ی خوردم دیدم‌که واقعا گوشت اعلی وبا مزه ای‌است ، چنان گوشت خو ب وبا مزه که درعمر م‌نخورده بودم ، ـ مهمانان اصرار کردند تا بگو یم چطور مو فق بخرید ن چنین‌گوشت خوبی شده ام، نا چار وا قعیت‌را گفتم ولی آنهاباور نمی کرد ندآخر الامر و قتیکه بسر سمنبو جا ن دختر دردانه‌ولی کمی بی تر بیه خودقسم خوردم حر فم رابا و ر کردند...

بریگل گفت:

ـبخدا همی هر کار ازخود راه ورسم داره ...

حالی چیه‌بگو راسته میشه ـ سیاه بگو سفید میشه خو ب شد که مام فامیدم .

دوروز بعد که شو هر پر یگل‌را درجاده ای دیدم با قهر بمن گفت.

ـمیر زا گل تو هم عجیب چیز هایی بمردم یاد میتی .

گفتم:

ـمه‌چه‌چیز را بکسی یاد داده ام؟

همانطور با پیشا نی تر ش گفت:

ـای چه قسم راه ورسم سودا خریدن اس که‌به مادر او لاد های‌ما یاد دادی .. دیشو همگی ما گشته ماندیم.

شوهر پریگل جریان را بمن قصه کرد، مو ضو ع از اینقراربود که‌فردای آن شب پریگل به تقلید من رفته وبه دکا ندار کو چه خود گفته است :

ـبیادر جان دو پاو نخود بته... اماچنان نخود سخت‌وسنگک که‌از خوردن نباشد ...

وبعد که نخود رابرای شام می خواسته بپز د نخود قطعا نرم نشده شو هر ش و قتیکه رفته‌تابا دکاندار جنگ کند وی در جوا بش گفته است :

ـکاکا جان مه چه گناه دارم . خود همشیر ه بمه گفت از همو نخود های سخت و سنگک بده خیال کدم برای مرغ ها نخود کار داره...

پایان

## ماجرای یک

ـکمک.. درقفسچه من‌یک بمب‌افتاده . برایم چندقطرندوای مقوی بدهید...

شادی ماازینهمه سرو صدابه‌جان آمد. از قفسچه برون جهیدو به‌سرک پاگذاشت. در آنجا باتن آلوده‌به کف‌صابون به‌دوش‌پرداخت مردم بازهم به‌دنبالش افتادند. پیشا پیش‌همه بچه هابودند. به‌دنبال آنان بزرگسالان‌بدنبال بزرگسالان یک‌پولیس‌وبه دنبال پولیس‌ها ن ((گاف ریلیج ))خود آن که نیم برهنه بودو برهنه وموزه هایش‌را دردست داشت.

ناگهان سگی ازجایی پیدا شد همان‌سگی بودکه دیروز شادی راتعقیب کرده بود.

بادیدن‌این وضعیت شادی مافکر کرد:

ام.

ـخوب‌همشهریان ،دیگر من‌از دست رفته ولی‌سک‌به دنبالش نیفتاد سک‌تنها شاد ی گریزان رانگریست،دربینی خودش دردسختی احساس کرد. ندوید حتی ازحادثه روی‌گشاند شایدهم باخودش فکر کرد:

ـمن که بینی های اضافی برای تعقیب شاد یبا ندارم .

ولی سگ با اینکه راهش راکج کرد، باخشم شروع نمود به عوعو کردن انگار میگفت :

ـبگریز ،واما به‌خاطر داشته باش که من اینجا هستم !

درین هنگام‌پسرما،یعنی ((الیوشا پوپوف)) که از مکتب برگشته بود، شادی عزیز ش را در خانه نیافت .خیلی اندو هگین شد حتی اشک به چشمایش دوید .فکر میکرد که دیگر هرگزشادی قشنگ و دوست‌داشتنی خودش را نخواهد دید .

بد بنصو رت ،از خستگی و اندوه به سرک برآمد .غصه‌ناک در سرک گام‌برمیداشت که ناگهان جمعیتی را در حال دوش دید. در اول فکر کرد که جمعیت به دنبال شادی اومیدوند .به‌نظرش آمد که اعلام خطر شده و آنان از ترس یک حملهٔ هوایی فرار میکنند .ولی بعد شادی خودش‌که مرطوب و صابون آلوده بود .نظرش راجلب کرد. به‌سوی شادی دوید .اورا در آغوش گرفت و فشرد .همهٔ جمعیت استادند و پسر را حلقه کردند .

سپس ((گاف ریلیج)) پیر خودمان ازمیان جمعیت برآمد و درحالی که انگشت‌زخمیش رابه همه نشان میداد ،گفت :

ـهمشهر یان ،نگذارید این جوان شادی مراکه میخواهم فردا در بازار بفروشمش،در بغل گیرد. شادی ازمن است این انگشتم را دندان گرفت .همه این انگشت زخمی مرا ببینید .این خودش دلیل آن است که ادعای من حقیقت دارد .

((الیو شا پوپوف)) گفت:

ـنی ،این شادی از اونیست .ازمن است می بینیدکه چطور بامیل خودش به بغلم آمده .این خودش دلیل صحت گفته های من است .

اما درین لحظه مرد دیگری قدم به میان گذاشت ـهمان‌راننده‌یی‌که شادی‌را باموترش به این شهر آورده بود. اوگفت :

ـنی ،این شادی نه از شما ست و نه‌از شما. شادی ازمن است زیرامن اورا به‌اینجا اوردم .ولی من بازهم برای وظایف نظامی اینجا راترک میکنم .ازینرو شادی‌را به کسی میدهم که بااشتیاق او را دربغل‌دارد، نه به‌کسی که میخواهد بیرحمانه شادی کک رابه خاطر مشروب در بازار بفرو شدشادی مال این پسر است .

جمعیت کف زدند .((الیوشا)) شادی را محکمتر به‌سینه فشرد وپیروز مندانه وی رابه خانه آورد .

((گاف ریلیج)) با انگشت زخمی به‌حمام بخار برگشت تا حمامش را تمام کند .

بد بنصو رت ،از آنزمان تاکنون شادی همراه همان پسرک ،یعنی((الیو شاپو پوف)) زندگی میکند .درین اواخر به شهر ((یسو یوف)) رفتم وقصداسری به خانهٔ الیوشا، زدم تاببینم شادی چگونه‌به سر میبرد.دیدم که‌زندگی خوبی دارد .هرگز فرار نمیکند و خیلی مطیع شده است .بینی خودش رابا دستمال پاک میکند و شرینی کسی را بر نمیدارد .بد بنصو رت مادر کلان چالا خیلی خو شحال است‌ودیگر نمیخواهد که شادی به باغ وحش برود .

وقتی به اتاق ((الیو شا)) داخل شدم، شادی برمیز نشسته بود ظاهر مهمی داشت. به تکت فرو شان سینما ها میماند و شیر بر نجش رابا قاشق میخورد .

((الیو شا)) به‌من گفت :

ـاورا مانند یک انسان تربیت کرد ه‌ام حالا همهٔ کودکان حتی بعضی از بزرگسالان میتوانند اورا به حیث یک نمونه نگاه‌کنند.

ژوندون

ketabton.com - The Digital Library

# قصه ای از غصه ها

تنظیم از: مریم محبوب

من پیربودم . چون درختی‌پوسیده از اندرون و او تازه میخواست از جویبار جوانی آب بنوشد . من‌شیفته یی او شدم ، چشمان کبود و طغیانگرش ، اسیرم ساخت ،جادوهم کرد و تار عشقش را بدورم تنید .

در درونم غمی‌زانه شد. اوسرشار ازشور جوانی، لبریز ازخنده های مستانه وعشوه های‌دیوانه کننده‌اش، به اندوهیکه درونم رابسان موریانه سوراخ سوراخ میکرد ، لبخند میزد وناز می فروخت .

ومن . .. ناز بر دارش بودم و خوشحال وگیج، در لحظه یی زودگذری احساس میکردم که مردی خوشبختی ام ولی چه ... اشتباهی!

پیری چقدرتلخ است ، چقدر رنج ده و کشنده است، مخصوصا زمانیکه آدم احساس کند که دیگرازشور جوانی دراو اثری‌نیست وبه آستانه‌ای جدید ومرز جدیدی قرارگرفته است . من خوب احساس میکردم که دیگر پیرم . پیریکه باید در صدر مجلس بشنید وزینت دهی محفلها باشد . موهایم کم کم سرویی رنگ میشدند. شیار های صورتم درشت تروعمیق تربازگو کننده ای این ایام بودند، ودرچنین فصلی، طوفانی بسراغم آمد ومن وکاشانه ای گرمم راآتش زد وبه یغما برد .

اورا دریك محفل عروسی دیدم، شادوسرحال این طرف وآن طرف میرفت ، قهقهه میزد و میخندید .

دختری بود قدبلند بااندام کشیده وموهای سیاه بسان سیاهی شب این زیبایی تنم را لرزاند، ومرا بدامش کشاند. به شدت از او خوشم آمده بود. هرآن لحظه تلاش داشتم تا نزدمن باشد وبامن باشد، اوا اوگریز پابود. دردنیای خودش، چون پرندهٔ بال وپر میزد واز مهمانانش پذیرایی می‌کرد .

موزیك آرام آرام می نواخت ، وفضای سالون ازآواز خنده هاو قهقهه ها وصدای دلنواز موسیقی پرشده بود. اودر این میان ازهمه شادابتر به نظر می رسید. پیراهن لیمویی رنگی تقریبا نیمه برهنه به تنش بود. می آمدومی رفت . هرلحظه غذاو نوشیدنی تعارف می‌کرد. دراین میان لبخند عشوه آمیزش را ازمهمانان دریغ نمی نمود. شب آهسته آهسته به پایان می‌رسید. من‌دیوانه‌وار درتلاش بودم تابتوانم دوسه حرفی بااو بزنم، وقتی دانست که من یکی ازدوستان پدرش هستم، بامن صمیمی تر شد، وتقریبا تاپایان شب بامانشست. وقتی میخواستم ازاو جداشوم صمیمانه دستش را فشردم، اوهم‌نگاه هوس‌آلودش رابرویم پاشید ودوباره برگرفت. آنشب وشبهای دیگر جزاندیشیدن به‌اووفکر کردن به اوچارهٔ نداشتم . اندام خوشتراشش هرلحظه جلو چشمانم مجسم میشد ونگاه های گریزان ووحشی اش خواب را از من ربوده بود واگر خواب برمن می‌آمد، کابوس های وحشتناکی مرا آرام نمی گذاشت . خواب های وحشت آوری بسراغم می آمددرخواب میدیدم، که اومرا تحقیر میکند، مسخره‌ام می نماید . چون من پیربودم واوجوان، من درشروع فصل سردبودم واونخستین گامش رادرفصل جوانی گذاشته بود. وبعدسراسیمه از خواب میپریدم عرق سردتنم رافرا می گرفت، سراسروجودم رالرزهٔ خفیفی چنگ می زد. چشمانم به زن بیچاره ام که آرام وبی خیال درکنارم‌خوابیده بود می افتاد . اوکه احتراما به من می‌نگریست ومیکوشید تاکمبودی به زندگیم احساس‌نکنم. امامن باهوس های زودگذر وآینم، پشت به همه چیز کردم ومحبت های بیکران فرزندان فراموشم شد .

چون وضع مالی خوبی داشتم، با مصرف پول زیاد توانستم، دل دختر را بدست آورم واورا رام بسازم . بهترین لباس ها رابرایش آماده ساختم وبهترین وراحت ترین زندگی را برایش وعده دادم، اوهم بی دریغ محبتش را درپای من می ریخت ولحظه به لحظه بر این آتش دامن میزد . بالاخره‌اینبازی‌کاذب‌کودکانه به‌رسوایی من افزود همه از این موضوع اطلاع یافتند . همه کس بانگاه های ملامت‌بار ایشان مرامی دیدند ونفرینم می کردند . ولی ای وای‌که کاردل راچاره نیست کم کم زمزمه های فضای خانه‌ای ماراپر کردوهمهمه های ازاین وآن بگوشم رسید :

ـ پیرمرددرپس پیری عاشق شده !!

اقوام وآشنایان همه خصمانه ازمن فرار می‌کردند وباچشمان ملامت بارشان بسو یم میدیدند ومی گفتند :

ـ آبروی خانوادگی ماازبین رفت . توباعث بدنامی ماشدی !

پسرانم هرکدام راه گریزرا درپیش‌گرفتند. دخترم شدیدا ازمن روی برمی تافت ومتنفر بود. اماحالاکه میدیدم این عشق مرا بسوی رسوایی کشانیده است . زیادتر تلاش کردم تاباخانوادهٔ دختر درتماس شوم وکار رایکسره نمایم . بامصرف پول زیاد این‌کار را کردم، وبعد ازشیرینی خوری، محفل عروسی ما در یکی ازبهترین هوتل های شهر برگذار شد. چند روزی هنوز از این محفل نگذشته‌بود تازه فهمیدم. که درآستانه ای بد بختی قدم نهادم . تازه دانستم که چه دامی سرنوشت برایم چیده است . همیشه دچارترس وبدبینی بودم . همیشه فکر میکردم که زنم به من خیانت میکند . مثل اینکه کابوسی از وحشت وترس مرافراگرفته باشد . از پسرانم که تازه جوان شده بودند. اززنم‌که احترامانه تا هنوز برمن می‌نگریست خجل بودم، وازآن تازه عروسم‌که نگاهش هرکس رااز پا می افکند ترس داشتم . نمیدانم که شمااین حالت راچه تعبیرمی کنید. اوزیرگانه به من محبت میکرد وحلقوم سوزانم رابا بوسه های گرم ولذت بخش سیراب می نمود وهوشیارانه از من پول می خواست وزندگی مرفع را !

چند صباحی ازاین واقعه گذشت . زن تازه‌ام، چون زهری زندگی رابرای من واعضای فامیلم تلخ ساخت . بهانه تراشی هایش ، جنگ وجدال هایش سرسام آور وگیج کننده شده بود. توقع داشت تاهمه سرمایه ام رادر اختیارش بگذارم ومن که دیوانه وار او را می خواستم دربرابرش تسلیم محض بودم. تااین که بعداز سپری شدن چهار ماه از عروسی ما آه دربساط مانه نماند وهمه‌به بادفنارفت . وآنکه‌گویند هرچیزی راپایانیست، این‌خوشبختی کاذب من رانیز پایانی‌فراگرفت

من شدیدا احساس می‌کردم که بازن تازه‌ام نمیتوانم زندگی کنم، به تو قعاتش نمیتوانم جامهٔ عمل بپوشانیم واوعلاوه برتوقعات‌پولی‌که داشت، جوان بود، ومن دراین میان پیر بودم وفرتوت وبی قدرت !

اکنون ازاین موضوع‌شش ماه سپری‌میشود. شش ماهیکه بسان شش قرن برای من وفامیل من بوده‌است. اکنون مردی تنها وسرشکسته درمیان خانواده، دراین مدت پسر بزرگم ازمن قهرکرد وزندگی مستقلی برایش ساخت . زن کوچکم سه هفته قبل منزل پدرش رفت وتاکنون برنگشته است . من دراین میان اسیرگردبادی ام‌که حیاتم رامیخواهد به یغما ببرد. اکنون نمیدانم چه باید بکنم، چاره در کجاست، شماچگونه میتوانید به من کمك‌کنید اکنون که این نامه به پایان می رسد من شدیدا به کمك شما نیاز مند م .

ف ـ سرور

برادر !

میگویند، خودساخته‌رانه‌دردیست ونه‌درمان! خود ساختید وبافتید ولی اکنون پیشمان از کار خویش !

اما تاهنوز درهای پیروزی برویتان بسته نشده است، شما میتوانید معقولانه مشکلات خود وخانوادهٔ تانرا بافامیل خانم تازهٔ تان درمیان بگذارید وبدین طریق راه حلی بر مشکلتان بیابید بنظرما و گروه مشورتی ژوندون شاید جداشدن شما ازخانم تازه بتواند، زندگی تانرا دوباره سرو سامان دهد.

به امید پیروزی

ketabton.com - The Digital Library

# شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

تهیه وترتیب از: ر،ر

## زنان وزندگی نوین

محققین ومورخین جهان به اساس تدقیق وبررسی متواتر بیوگرافی انسان یك سلسله نتایج، شواهد ودستاورد های مثبت کسب وبه اختیار زنان ومردان گیتی گذاشته اندکه نتیجه تلاش آنها در تحقیق، تجزیه وتحلیل صورتبندی های اجتماعی است .

مطالعه وتحقیق جریان تاریخ ثابت میسازد که زنان (دوره ابتدایی) حایز مقام عالی وبا شکوه بوده اند که وظیفه عمدهٔ شان رهبری وانتظام همه شئون اجتماع در دوره معین تاریخی میباشد ابتکار وخلاقیت کهزنان در ابقای مسایل وکارهای اجتماعی نشان داده مورد تحسین وتمجید اقشار جامعه واقع شدکه همین نیروی خلاقه آنها باعث شدکه توجه واعتماد اولیایامور رابخود جلب ورهبری کارهای عمده اجتماعی رابدوش گیرند .

علاوه از رهبری سایر وظایف مهم ازقبیل تربیه اولاد ، تدبیر منزل ، پخت وپزوتربیه حیوانات کار روز مره و ابتکارات خردمندانه زنان نو آوری ، اختراعات و اکتشافات روز افزون ببار آورده ودر راه بهروزی وبهسازی حیات اجتماعی از هیچگونه کوشش وتلاش خستگی ناپذیر مضایقه نکرده وروزبروز جامعهرارنگ ورونق جالبیمی بخشد.

ناگهان درجریان تاریخ وضعی پدیدگشت که شرایط ووضع جامعه را دیگرگونساختودر نتیجه سدها وموانع در راه اقدامات مبتکرانه وسیرآمیززنان ایجاد شدکه نه تنها ازوظایف عمده اجتماعی شان سبکدوش شدند بلکهبرای مدت طولانی از هر گونه حقوق مسلم شان محروم وتحت شکنجه وتهدید شدید مردان واقعشدند. بعدازین تغییرات زنانبرایمدتیاز حق مسلم خویش در اجتماع عاجز بودند و پرمشقت ترین وشدید ترین لحظات تلخ حیات آنهادر ساحه چارچوب خانهکه درحقیقت بیش اززندان نبود سپری میشد . این دوره پردردترین، اسفانگیزترین ومردودترین دوره زندگانی زنان درجریان تاریخ بوده که ازاشتراك وسهمگیری آنهادر کار های جامعه جلوگیری به عمل آمده است .

به اساس گسترش روز افزون علم ودانش دربرتو وپیدایش تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی وسیاسی قوانین واحکام نوین ایجاد شدکهازخوشبختی وسعادتآینده بشرنمایندگی میکرد بااشعه پرفیض وطلایی علم و دانش کناره های تاریك زندگی بشر منور ودرخشان گردیدو اینفرصت علما فلاسفهودانشمندان در جهان ماچشم گشودند که بخاطر رهایی بشر ازفقردانش وجهالت خدماتی قابل قدر نمودند اکثر دانشمندان بامفکوره عالی وخیراندیشانه شان کوشیدند تابدبختی و بیعدالتی ها ی اجتماعی رامحو سازند وجهان مارابه دنیا صلح، مساوات، برابری واتحاد مبدل سازند. بدین ملحوظ انسانهای نوعدوست وخیراندیش کوشیدند تاپایه صلح وامنیت ورفاه وسعادت رابهاساس برابری، مساوات، همدردی هیونزم (انسان دوستی) مستحکم نمایند جدو جهدو تلاش ایشان وقتی به سرحد پیروزی نزدیك شد که موقف ورول عمده زنان رامورد مطالعه وبررسی جدی قرار دادند وپشاهنگی ، ابتکار وخلاقیت آنهاراکه مدتی زیرپرده جهالتمستور بوداحیاء نمودند و نتیجه سهمگیری وکارآنها رادرراه توسعه وانکشاف روزافزون ساینس وتکنالوژی به چشم مشاهده کردند .

زنان سعادت وخوشبختی همنوعان خو یش رادر صلح، امنیت ومساوات واقعی سراغ میکنند. این یك حقیقت انکار ناپذیر استکه زنان غیور ونامور افغان درطول تاریخ در صحنه های مختلف زندگی همکار ویاور مردان بودهاند وبخاطر ترقی، اعتلا، سعادت، حفظ و صیانت میهن شان در مقابل دشمن قربانی های بیشمار داده اند.

بیوگرافی آنها صفحات زرین وپرافتخار تاریخ افغان راتشکیل داده وسرمشق پر بها وارزنده برای زنان افغان است .

پس برای زنان ودختران هموطن لازم است که به وجایب ومسوولیت های خطیر خو یش ژرفانه وعمیقانه نظر اندازند و وجایب وطنپرستانه شان رادرك نموده باحسن نیت ، خلوص پاك، متانت، بردباری، شکیبایی، تفقد ووفاداری بخاطر سعادت و سرفرازی جامعه نوین افغانی بابرادران شجیع ونیك اند یش خود قدم های وسیع بردارند .

نوشته: م، موج

## زن وفعالیت اجتماعیش

برای بسط وگسترش ساحهٔ فرهنگ ملی و هنرهای اصل راهها وشیوه های گوناگونی وجود دارد که یکی ازآن شناخت ، بکارگیری وتشویق استعداد ها درزمینه های موردبحث است .

سلسله نما یشات وپروگرام های جالبی ازطرف شاگردان مکا تب پوهنتون وسایر مو سسات عر فا نی و کلتوری بهخاطر بزر گداشت سال بینالمللی زن تحت شعار های سهگانه ( انکشاف، مساوات وصلح) به اجرا درآمد یکبار دیگر همه را متیقن ساخت که زنان ودختران این مرز وبوم ازاستعداد های سرشار وسیعی برخوردار ند که قابلیت شگوفایی وپرورش رادارد ومیتواند احیا گرمفاخر ملی ومردمی ما گردد .

درین نمایش گونه هابا جلوه های نواز هنر دراماتیك با شکل های نوبیان، باقالب ها ی تازه هنر وباچهره های تازه زن معاصر روبرو شدیم که همه درمجموع خود قابل قبول بود ومیتوانست به عنوان یك روزن ویك راهتازه به پذیرش درآید .

زن درکشور مایعنی زن روشنفکر معاصرما امروز برای داشتن درك وا قعی از عینیت زندگی برای حرکت دوش بدوش خود درمیان پدیده های اجتماعی ومدد دهی بهچرخشوسیع این پدیده به پر ورش استعداد ها احتیاج دارد .

زن ودختر روشنفکر مابابد درکار تعمیم سواد وتبارز هر استعداد هنری واجتما عی وسیعا خلاق باشد واین میسرنمی گردد مگر آنکه همه زمینه ها، همه شرایط وهمه امکانات درین راه فراهم آید .

سلسله فعالیت هاییکه در لیسه ها ی دخترانهی مابه اجرا درآمده است پایان راه مانیست وباختم سال بین المللی زن نباید به انجام گراید بلکه این یك آغاز است ، گام های نخستین درراه شناسایی نیروی فعال زن است وروزنی که راه زن معاصر رابیشتر به روشنی می کشد، آرزوداریم در سایه توجه دست اندرکاران این سلسله نمایشات، استعداد های هنری بیشتری به شناختآید، به کار گرفته شود وهنرهای اصیل مابه مرور درمحتوای خود رنگ بهتر گیرد و نزدیکی بیشتری باشرایط زمان پیدا کند .

زنان امروز درپهلوی مادر بودندر خدمت اجتماعنیزقرار دارندوسابقهترینکارهارا دوشبهدوش مردان انجاممیدهندوآرزودارند باشجاعت وشهامت وصف پذیر شعار «مساوات» رابه گرسی نشانند.

ژ وندون

ketabton.com - The Digital Library

# روحیات طفل

آن کودکی که روز درکنار گهواره یا در آغوش پر حرارت مادر یاگوشه‌ای ازکودکستان هاویادر دبستان علم‌ومعرفت مصروف‌تحصیل‌اند حرکت، جنبش، سعادت وتمدن آینده این سرزمین باستانی بدست شان می باشد .

همانطوریکه انسان چه پیرباشد ویاجوان ، چه طفل باشد ویابزرگ به صحت وسلامت جسمی احتیاج دارد. به همان اندازه‌به‌آرامش روحی وسلامت روانی نیز نیاز مند میباشند.

این موضوع به همه روشن است که‌مسایل روحی وآنهم درحیات اطفال یکی از پروبلم های بسیار پیچیده نزدعلمای روحی میباشد. زیرا رسیدگی به نیاز مندی های روحی بزرگ سالان تااندازه درکار علما دشوار نیست . ولی درباره مشکل روحی یك طفل چه باید کرد؟ اگر چه فروغ علم ودانش از زوایای تاریك ومجهول تابیده، وتوسط آن بسیاری از پروبلم های دشوار سهل ترشده است . مگر بازهم کیفیت های روحی اطفال غور و تعمق بیشتری راایجاب میکند، پیشتر گفتیم که مسایل صحت جسمی وآرامش روحی لازم وملزوم یکدیگر اند .

فلهذا همانطوریکه طب جسمی موضوعات وقایوی راتوصه میکند کیفیات روحی نیزیك سلسله روش های رابکار دارد که عینا حکم وقایوی رادارد .

لذا متخصصین روانشناسی وعلمای روحی درمورد روحیات اطفال کتابهای زیاد برشته تحریر درآورده اند که مطالعات آن برای همه‌کس وخصوصا آن هائیکه به صفت معلم ومربی بااطفال سروکار دارند خیلی لازمی است . علما عقیده دارند که روح طفل مثل آئینه‌یی است که حرکات گفتار وکردار وتمام رویداد های ماحول قامیل درآن منعکس‌میگردد پس اگر خواسته با شیم اطفال دارای روح سالم باشند بایستی از توصیه های اندرز های‌متخصصین اطفال پیروی‌کنیم‌تابتوانیم در این مسئله ازروح کودکان حمایت کرده باشیم . یکی ازمسائلیکه بالای روح طفل‌تاثیر منفی میکند عمانا تشدد وناملایمات والدین یامربی است که درمورد اطفال رخ میدهند . بلی بعضی ازوالدین یامربیان اطفال در بسا ازمواقع بعلت خستگی های‌که ناشی از کار روزانه، یادیگر مسایل باآن مواجه میگردند، بدون اینکه خودشان حس کنند چه میکنند ، ویاچه میگویند . بالای اطفال شدت کرده، کوچکترین حرکات بازی ویاتفریح آنهاراتقبیح کرده باکلمات زشت، لت وکوب طفل راتوبیخ می نمایند .

درحالیکه طفل نزدخودهیچیك گناهی را مرتکب نشده واصلا متو جه همچو رویه نمیباشد، پس این چنین اوضاع صدمه‌بزرگی است که به روح طفل وارد گردیده وتکرار همچوکردار عاروح طفل را پژمرده ساخته رفته رفته طفل، لجوج، ویا برعکس خسته مایوس‌وبیچاره به‌نظرمیرسد موضوعی‌دیگریکه درروحیات اطفال تاثیر نادرست‌دارداورا مانع شدن ازخواسته های معقول ویا اعتنا نکردن به پرسش های طبیعی اومی باشد . که طفل احتیاج مبرم به جواب آنهادارد این گونه‌روش که ازطرف والدین یامربیون درمقابل اطفال صورت میگیرد طفل را خجول، منزوی وگوشه نشین میسازد که این چنین اطفال در حیا ت آینده به مشکلات بزرگ زند گی مواجه میگردند خلاصه عوامل ومسایل دیگریست‌که: درروح طفل تاثیر کرده وروح اورا پژمرده میسازد .

پس برای این که ماباز چنین موضوعات‌آگاهی کم وبیش داشته باشیم لازم است . آثار و نوشته های بزرگان وعلمای روحی اطفال را عمیقا مطالعه کنیم واز مزایای آن‌درباره‌اطفال خودو اطفال کودکستان ها استفاده نمائیم .

شمارهٔ ۳۷

# بمناسبت سال زن

زنان مو جود زیبای زمانند — دو چشم روشن اهل جهانند
زنان شمع وچراغ خانه باشند — بدرد خانمان مر هم بپا شند
بیا ای زن‌کنم وصف تکوینت — جهان تاریك بی مهتاب رویت
توئی از آفرینش تا با مروز — گهی مادر گهی همراز دلسوز
بدستت پروریدی کودکانی — که گردد هر یکی فرد زمانی
خشا تجلیل این روز خجسته — به گیتی شادی نسوان بگشته
برآید با نوان از بندو عسرت — چرا دیگر پذیرد یاس وحسرت
زن امروز حسرت کی پذیرد — چو مردان بهر کاری سهم‌گیرد
چنین روز گرا میت مبارك — سرور و شاد کامیت مبارك
عزیزه گو لتای سال نسوان — بجمله خواهران نسل افغان

# ولی دښځو عمر دنرانو په نسبت زیات دی؟

**دوهمه برخه**

که‌چیری یی په‌سلو کښی یو نفر پیدا شی نوپه سلو کښی شپږ به یی ارومرو ښځی وی.

ولی داسی کیږی ؟ولی دښځو عمر دنرانو په نسبت زیا ت‌دی؟ ددغو ټولو پو ښتنو خواب په‌لاندی یښیو کر ښو کی ولولی چه دطبی داکترانودهلو خلو محصول دی.

ښایی چه‌په لومړی خل دغه موضوع څه‌عجیبه غوندی ښکاره‌شی خو څنګه چه موږ ددی خبرو سره عادی شوی‌یوچه نارینه جنس‌ته قوی جنس وایی اویا هغه په همدغه ډول سره ییژنو! چه‌په وا قعیت کښی همدغه شان‌ده. اوپه اتفاقی تو گه واقعات هم دنارینه دجنسی قوی نه سر چینه اخلی.

طبعاً قوی غړی لری‌په آسانه‌منډی وهلی شی اوددی قدرت لری چه درانده خیزو نه پورته کړ ی داچه زیاته انر ژی‌له لاسه ور کوی بد ن یی‌زیات اکسیجن ته هم ضرو رت پیدا کوی زړه یی باید ټینګ او قوی ټوپونه ووهی اودر گو نو وینه یی‌په یوه زیاته اندازه دګابو لو دـ خوړو څخه گټه وا خلی چه ددغه راز فعالیتونو په نتیجه کښی ددوی دبدن غړی ډیرژر له‌کاره لو یږی اودژر ښت سره مخا مخ کیږی.

احصا یی څرګنده کړیده چه نارینه طبقه دښځو په‌نسبت لږ ناروغه کیږی خوکه کوم یویی‌ناروغ شی نودښځو په‌نسبت ډیر وخت وروسته ټیله پخوانی انرژی اوقوت بیرته تر لاسه کوی اوپه همدغه نسبت نارینه طبقه دنارو غیو په نسبت ډیر ژر له‌پښو لو یږی سر بیره پدی داسی بی شمیره ناروغی شته چه‌دمدام دپاره دنارینه طبقی په لور ګامونه او چتوی چه دښځو طبقه ترینه په آمن پاتی کیږی.

دکوچنیوالی په‌دوره کښی‌کوچنی هلکان دنجو نوپه نسبت ډیر ژرپه نارو غیو اخته کیږی اود سړو او تودوخی په مقابل‌کښی هیڅ مقاومت نه‌شی ښودلی یوه بله مسله چه‌د

**(نور بیا)**

ketabton.com - The Digital Library

# از دوستان

شعلهٔ شمع بسوخت پروانهٔ بیچاره را
لحظه هابایادتوای عشق پریشان‌حال‌شدم
تیر مژگان نگار سازد هدف این قلب را
شمع اگر روشن شود شعلهٔ بیرحم او
بیوفای من تو شمعی ومنم پروانه ات
لحظه های انتظار دیوانه میسازد مرا
تاشدم عاشق بروی توگل نسرین من
آه! ای‌عشق‌توچوشمع‌بسوزی دل‌دیوانه‌را
رحم نما بیحال ساختی این دل بیچاره را
عشق میسازد زخمی این دل دیوانه را
باز میسوزد به عشق خود پر پروانه را
سوختی آخر زنور خود دل دیوانه را
بیا دگر مگذار به راهت انتظار دیوانه‌را
شعلهٔ عشق تو میسوزد من بیچاره را

ارسالی : محمد نعیم (وفائی)

از: مطیع الله (نزهت حسینی)

## بلبل شعر

بنازم مستی عشق آفرینت
بنازم بوسه آتش پذیرت
بنازم من بنازت بلبل شعر
بنازم تابنازی آفرینت ، آفرینت
مبارکبا د میگویم
که مقبولی وهم زیبا
به دلداری و طنازی
کجا همتای نازت دیده ام من
به خوبی کی کسی باشد ترا همتا
به وصفت گفته ام اما
نه آنطوریکه زیبائی
بیادت تاابد باشم
برایت شعر میگویم
برایت قصه میخوانم
بگوشت نغمه میریزم
قسم تا زندگی باشد
بزلفت بندگی باشد .

## تو میدانی؟

(تو) .... تومیدانی عشق برای یك دختر ۱۸ ساله همه‌ی زندگی است ؟
(تو) میدانی که قلعه خاموشی قلبم را تسخیر کرده ای ؟
(تو) میدانی که چون بهار، به باغ قلب بن آمده ای ؟
و چون چراغ درگوشه تنهایی‌ام برافروخته ای ؟
(تو) میدانی که درمن میل به گریز را برانگیخته ای ؟
گریزبه صحرا های دور، به جایی که جز توکس نباشد، بجایی‌که صبحش باخنده (تو) آغاز شود وشبهایش در سیاهی چشمان تو غرق گردد ؟
شاید دیوانه شده‌ام نمیدانم چی، چی‌برایت می نویسم .
میخواهم بگویم که توقدم به‌کعبه تنهایی من گذاشته ای.
عشق شده ای و بر اریکه حکمفرمایی نشسته ای .... می بینی ...
می بینی چه آسانی به پایت افتاده ام ؟
می بینی چه آسان اعتراف میکنم که تو .
شاهزادهٔ رویا های من شده ای ؟
قبل ازتو، سینه ام، صدف خالی‌تنهایی بود .
قبل ازتو، قلبم خانه ای غم بود.
اماحالا ... نه قبول کن‌که دیوانه شده‌ام .
وگرنه چگونه ممکن است دختری چون من، دردومین جلسه، اینگو نه کنیزوار به‌پای‌تو افتدواینگونه بی پرده اعتراف کند : توشبی، توستاره‌ای ... توروزی ، توخورشیدی . تو آسمانی، توماه هی، توهوایی ، تووجودی ، تومنی ـ تو عشقی .

فرستنده : روناسپا

از: آقاحسین تلاش

## دنبوره‌نواز نابینا

پاینده، نقل مجلس هابود، در هر محفل عروسی اورا دست گرفته می آوردند، درصدر مجلس می نشاندند .

آمدن پاینده، همهمه ای درمیان مردم برپا میکرد، همه آرزویی شنیدن دنبورهٔ پاینده را داشتند . پاینده پیر دنبوره نواز، بالنگی جرکین، دندانهای زرد، اندام لاغر، دنبوره اش رابه شدت تمام مینواخت . آواز دنبوره وی مجلس راباشکوهتر میساخت » .

درین محفل عروسی هم، پاینده دنبوره‌اش راازبین پوشش بیرون کرد، یکی دوبارچوبك پائینی رادست زد، باانگشت راستش نالهٔتار راکشید، سرش رابالا گرفت ، دستش راروی تارها دواند ، آهنگ دنبوره درگوش هاطنین افکند .

محفل درخانه ای برپابود که مردم تنگ نشسته بودند، درین جادوصف به نظرمیرسید صف پیران وموسفیدان دیگر صف جوانان .

ازصف جوانان آواز، خنده وهلهله، بلند بود، ازصف پیران وموسفیدان نگاه های‌عجیب وغریب آمیخته باتنفر وانزجار ....

پاینده ، هیچکس را نمیدید، آهنگ دنبوره پاینده آنقدر دلنشین بودکه مخالفینش اورا (جادوگر نابینا) میگفتند .

گوشها راصدایی دنبوره نوازش میداد ، پاینده بامهارت مینواخت، اودر دنیای خودافق های گسترده رامیدید ، گاهی ابرهای سیاه، وتیره روی افق هارا میپوشاند .

دروازه خانه بازبود ، روشنی آفتاب به داخل خانه میتابید . دم دروازه را سایهٔ پوشاند، بدنبال این سایه، مرد سیاه چهره چین دار بالنگی بزرگ وپیراهن کتان نصواری پیش آمد، هردوصف برسم‌احترام برخاستند:

ـ بفرمائید، آغاصاحب ! بفرمائید .

آغا، نظری به مجلس انداخت ، چشمانش راچپ وراست دورداد، گردنش را بلند کرد، دستش را به چین چسبانده ودر صدر مجلس نشست .

پاینده ، آغارا نمیدید، ولی از همهمه و حرکت مردم دانست. کی تشریف آورده ....!!

پاینده، دنبوره‌اش زاروی زانویش گذاشت ، رنگش پرید، بدنش رالرزه گرفت، رگهای گردنش برجسته ترشد، حرارت بر وجود ش مستولی گردید، خاموش ماند ، گویا منتظر چیزی بود .....

آغا، مجلس رایکایك ازنظر گذراند، کمی دورتر ازصف جوانان، پاینده رادید که دنبوره روی زانویش قرار دارد، ازروی تنفر سراپای اورا وارانداز کرد :

اوهو .... (پاینده دنبوره چی) را هم آورده اید .

پاینده لبخند تلخی زد :

بلی صاحب . آمده ام تاساعتی را خوش بگذرانیم .

آغا، لحظه ای حرف نزد . بعدابروهایش‌راجمع کرد ، چشمانش را تنگتر ساخت، آمرانه ادا کرد :

ـ پاینده، بس است، دیگرپیر شده ای ، در پیری دنبوره زدن ....

توخو، دیگر جوان نیستی ... در جوانیت هرچه کردی، حالا وقتت گذشته است .

ـ آغا! این کسب من است، علاقه دارم... نازنده ام دنبوره مینوازم .

آخراین دنبوره زدن من چه خارچشم شما شده است ؟

پاینده، جملاتش را شمرده ، شمرده ادا میکرد، گاهی گلویش را بغض میگرفت ، میکوشید متین صحبت کند، ازلرزهٔ بدنش بکاهد، مگر کمتر توفیق مییافت تااز گستاخی سخنانش جلوگیری نماید :

ـ دنبوره زدن چه بدی دارد ...؟

آغا، باجابکدستی میان حرف پاینده دوید:

ـ میدانی دنبوره زدن خوب نیست ... گناه دارد .... گناه .

هنوز گفتار آغا تمام نشده بودکه پاینده ازجایش برخاست، کورمال، کورمال راه‌دروازه راپیش گرفت ... باخود تکرار کرد :

ـ در مجلس عروسی دنبوره زدن گناه دارد ...؟!!

ژوندون

ketabton.com - The Digital Library

روان شناس پیرامون راز موفقیت در زندگی طالب شدیم اینطور ابـــراز نظریه نمود :

ـ داشتن اعتماد کامل به نفس و عقیده به پیشرفت وارتقاء بـــرای مؤفق زیستن شرط حتمی شمرده می شودهمچنان انسان باثبات‌واستواری می تواند سنگین ترین دشواری های زندگی را پشت پا زده درافق‌مؤفقیت وپیروزی سیر کند ، از نا کامی ها مایوس نشود و رشته طلائی امید را از دست ندهد و برای نیل به اهداف انسانی و اجتماعی برزمد ومحرومیت ها را نادیده گیرد .

پیغله شاکره لطفاً بگوئید که غیر از مصروفیت های رسمی در خانه چه مشغولیتی دارید ؟

ـ غیر از مصرو فیت های رسمی بعضا برای خودم شعر می گویم و یا قصه می نویسم ، مطالعه می کنم و مهمتر از همه هیچوقت وظایف‌اصلی خود را که رسیدگی به امور روزمرهٔ یك خانه است فرا موش نمی‌کنم . من هیچوقت وظایف و مسئولیت‌های خود را محدود به وقت رسمی کار ویا فقط در انجام کار رسمی فکـر نمی کنم ، وظایف رسمی، شمه ای از مسئولیت های مرا تشکیل‌میدهد، به نظرم و ظایف اصلی من و هردختر وزن روشنفکر رسیدگی کا مل از امور خانه و خانواده ایست که درآن زیست می کنیم صادقانه اعتراف می کنم خستگی های کار روزانه راهنگام ترتیب و تنظیم منزل ، پخت و پـز وسایر امور خانه فراموش می‌کنم . با اظهار تشکر سوال دیگرم رااینطور طرح می کنم !

..... ودرین جا میخواهیم نظـــر فشردهٔ شمارا در باره زن و تجلیل از مقام والای زن درکشور مـــا بدانم .

ـ خوش هستم که این نظر را در آخرین روز های تجلیل از ســـال بین المللی زن از من می پرسید ،زیرا د رنظر من هر روز، روز زن است وهر سال ، سال زن ، ما نبایدتجلیل از مقام والای زن را محدود بیك سال ویا زمان معیین بدانیم . زیرا کلمه زن در نزد من مفهوم ازلی وابدی را داراست ، زن سازنده بشریت‌است وجهانی ثمرهٔ تربیت دا مان او، روی این ملحوظ زنان نیز بایست متو جه این نقش حساس وانسانی خودبوده، فراموش نکنند که هر جا معه بهـــر شکل که وجود دارد ، در حقیقـــت ثمرهٔ افکار و تربیت زنیست که‌روزی به فرزندش نخستین درسهای‌زندگی را آموخته و او در جوانی به صفت یك خدمتگار وطن درسهائی را کـه از نخستین دبستان معرفت یعنـی دامان پر عطوفت مادر آمو خته جامه عمل می پوشاند و آنها را به کارمی بندد .

باید حقیقتاً مؤقف حساس خودرا در قبال جا معه و وطن درك کنیم ودر همه فعالیت های زندگی خرد مندانه سهیم باشیم و باروشن بینی‌وحقیقت نگری کامل نسل های بعدی راچنان تربیت کنیم که در آینده بتوانـــد باثبات واستواری توقعات معقـــول جا معه را بر آورده سازند و نسلی مؤفق و پیشتاز باشند .

در پایان صحبت از جانب‌ژوندون ازاو تشکر نمودم وی نیز در حالیکه خواهان مؤفقیت های بیشتر کارکنان ژوندون ، این مجله محبوب خانواده ها بود دفتر را ترك نمود .

صادقانه اعتراف می‌نمایم‌که‌خستگی های کارروزانه را هنگام ترتیب وتنظیم‌منزل‌وپخت‌وپز وسایر امور خانه فراموش می کنم.

---

غوغایی ، تنفر ورضا مجلس رافراگرفت، نگاهای ردوبدل میشدند که چیز های گفتنی وناگفتنی باخود داشتند، این نگا ها آنقـــدر خصمانه بودکه مجلس رابدو رنگ مخالـــف تقسیم میکرد .

صدای رسا توجه مجلس را به خود جلب کرد، صاحب این صدا جوانی بود بلند بالا بالب های گوشت آلود، قیافهٔ جدی که باقوت تمام فریاد میزد :

گوش کنید !

این فریاد سکوت ناگهانـــی را در مجلس برقرار ساخت، انظار رامتوجه نمود، گشهارا تیز کرد ..

ـ چرا اینقدر ازدنبوره بد میبرید؟ ایـــن شمارهٔ ۳۷ محفل عروسیه ... درعروسی هامردم خوشی وشادی سرمیدهند .... ناله‌وگریه‌که نمیکنند. هرکس دنبوره راخوش ندارد، ضرورنیست که این ناخرسندی خودرا به دیگران تحمیل کند. ماخوش داریم، دنبورهٔ پاینده رابشنویـــم ، پاینده دنبوره نواز مشهور است برای‌شنیدن دنبورهٔ وی مردم ازجاهای دور می آیندوحتی میخواهند ازاو یاد بگیرند و...

پاینده دروسط خانهٔ ایستاده بود، پسرش به سمت راست او، باچشمان برآمده به‌سوی مجلس میدید، گاهی به آغاوزمانی به آن پسر نظرمی انداخت .

آغا، رنگش به سیاهی گرائید، احساساتش زبانه کشید. سرفهٔ سخت‌کرد، گلـــویش را صاف نمود، چشمانش رامتوجه حریف ساخت وگفت :

(بچه نوروز) مکتب رفتی ، اینقدر کاکـــه شدی . چشم سفیدی را ببین، نـــه کـــلان میشناسید ونه ریش سفید ....

جوان ازجایش برخاست وایستاد، پاهایش رامحکم کرد، دندانهایش رابه هم فشردزبانش رادرکلام چرخاند :

ـ مکتب خواندن گناه دارد . دنبوره زد ن گناه دارد. پس چیزی‌که گناه ندارد کـــدام است ؟

شویم ؟ازکتاب ومعلم بترسیم ؟

تاکی ازمکتب بگریزیم ؟ درکنج خانه مخفی

پاینده تااینوقت ساکت بود، سخنـــا ن (پسر نوروز) خوشش آمد، دست بچه ش را رهاکرد، یکقدم نزدیك شد ، بامتانت اداکرد:

ـ همه گپ هابه خاطرمن وبه خاطر ایـــن دبوره ام است ...

ـ من مروم ... هرگز دست از دنبورخویش برنمیدارم ـ حتی بعداز خود آنرا به پسرم می آموزم .

پاینده این راگفت، پسرش راجلو انداخت، دستش راروی شانه وی گذاشت، خاموشانه مجلس راترك کرد. به دنبال آن چندنفر برسم اعتراض ازخانه برآمدند .

محفل عروسی درسکوت عمیق فرورفـــت ، سخنان (پاینده) و (پسر نوروز) در مغز ها میجوشید، آوازه آن درقریه پیچید .

پاینده ترك آن دیار کردودیگر کسی او را ندید.

bton.com - The Digital Library

# نهمین دور مسابقات پهلوانی بین المللی در تهران

یك تیم ۹ نفری از پهلوانان افغانی بنابدعوت مقا مات ورزشی ایران برای شرکت در مسابقات بین المللی پهلوانی آریا مهر صبح روز یکشنبه عازم آنکشور شد .

نهمین دور مسابقات پهلوانی بین المللی آریا مهر روز یازده قوس بین یك عده پهلوانان کشور های مختلف جهان و باشرکت پنجاه پهلوان از کشور میزبان آغاز می شود .

در مسابقات دور هشتم بین المللی جام آریا مهر پهلوانان کشور های اتحاد شوروی ، بلغاریه ، کوریا ، رومانیه ، مراکش ، آلمان غرب ویك عده تیم های دیگر شرکت نموده بودند. به گمان اغلب در مسابقا ت امسال پهلوانی که در همین هفته آغاز یافت عده ای زیادی ازپهلوانان کشور های اروپای شرقی، آسیا و امریکا شرکت دارند .

پهلوانان افغانی بعد از ختم این مسابقات برای انجام یك سلسله مسابقات دوستانه به خراسان میروند .

ریاست هیات ورزشی افغانی را بناغلی فرید شایان مدیر اداری کمیتهٔ اولمپیك افغانستان به عهده دارد و بناغلی سید داود عضو فنی کمیتهٔ اولمپیك به حیث حکم باتیم افغانی همراه میباشد .

تیم منتخب پهلوانان افغانی که درین مسابقات شرکت دارند چندی قبل با انجام دادن یك سلسله مسابقات پهلوانی که باشرکت سی پهلوان ازطرف کمیته او لمپیك دایر شده بود انتخاب شدند .

پهلوانانیکه عضویت تیم افغانی را حاصل نمودند بدین شرح معرفی میشوند . درکلاس اول وزن ٤٨ کیلو پهلوان خادم شاه ، کلاس دوم وزن ٥٢ کیلو پهلوان حبیب شاه ، کلاس سوم وزن ٧٥ کیلو پهلوان محمدضمیر کلاس چهارم وزن ٦٢ کیلو پهلوا ن غلام صدیق ، کلاس پنجم وزن ٦٨ کیلو پهلوان محمد ناصر علی ،کلاس ششم وزن ٧٤ کیلو پهلوان غلام سخی وکلاس هفتم وزن ٨٢ کیلو پهلوان شجاع الدین .

بی مورد نخواهد بود مطالب چند پیرامون این مسابقات ا زنظر شما دوست داران بگذاریم :

طوریکه دربالا تذکر رفت نهمین دور مسابقات بین المللی پهلوانی آزاد جام آریا مهر بعد از ظهر روز سه شنبه یازده قوس طی مراسم خاص گشایش می یابدتوجه پهلوانان جهان را درین دور جام اشتراك پهلوانان زیاد نسبت به مسابقات جام سال های قبل یعنی ۹ سال گذشته که برگزار می یابد جلب نموده است تا مسابقات خیلی جالب ودیدنی تر بر گذار شود .

اشتراك تیم های اتحاد شوروی بلغاریه ، ترکیه ، لهستان، رومانیه، افغانستان و عراق علاوه بر اینکه از نقطه نظر کیفیت ور زشی این جام را بالا میبرد کمیت قابل توجه بیاد گار خواهد گذارد زیرا که سال گذشته صرف ۲۷ تیم از هر کشور خارجی برای نبرد ودست یابی به جام آریا مهر به تهران آمده بودند . به این ترتیب پیش بینی میشود که دراین دور نسبت به گذشته فرق زیاد دیده میشود حتی انجام این مسابقات سر گذشت قهرمانان کشور میزبا ن را که در اکثر مسابقات پیروزی از خود نموده بودند تغییر خواهد داد.

در طول بر گذاری این مسابقا ت ایران واتحاد شوروی درفاصله چند قدمی مقام قهرمانی قرار داشتند و تیم ایران همزمان باشرکت دادن تعداد زیاد پهلوانان خود از اتحاد شوروی سبقت جسته تیم اتحاد شوروی د رمقام بعد تر قرار گر فت.

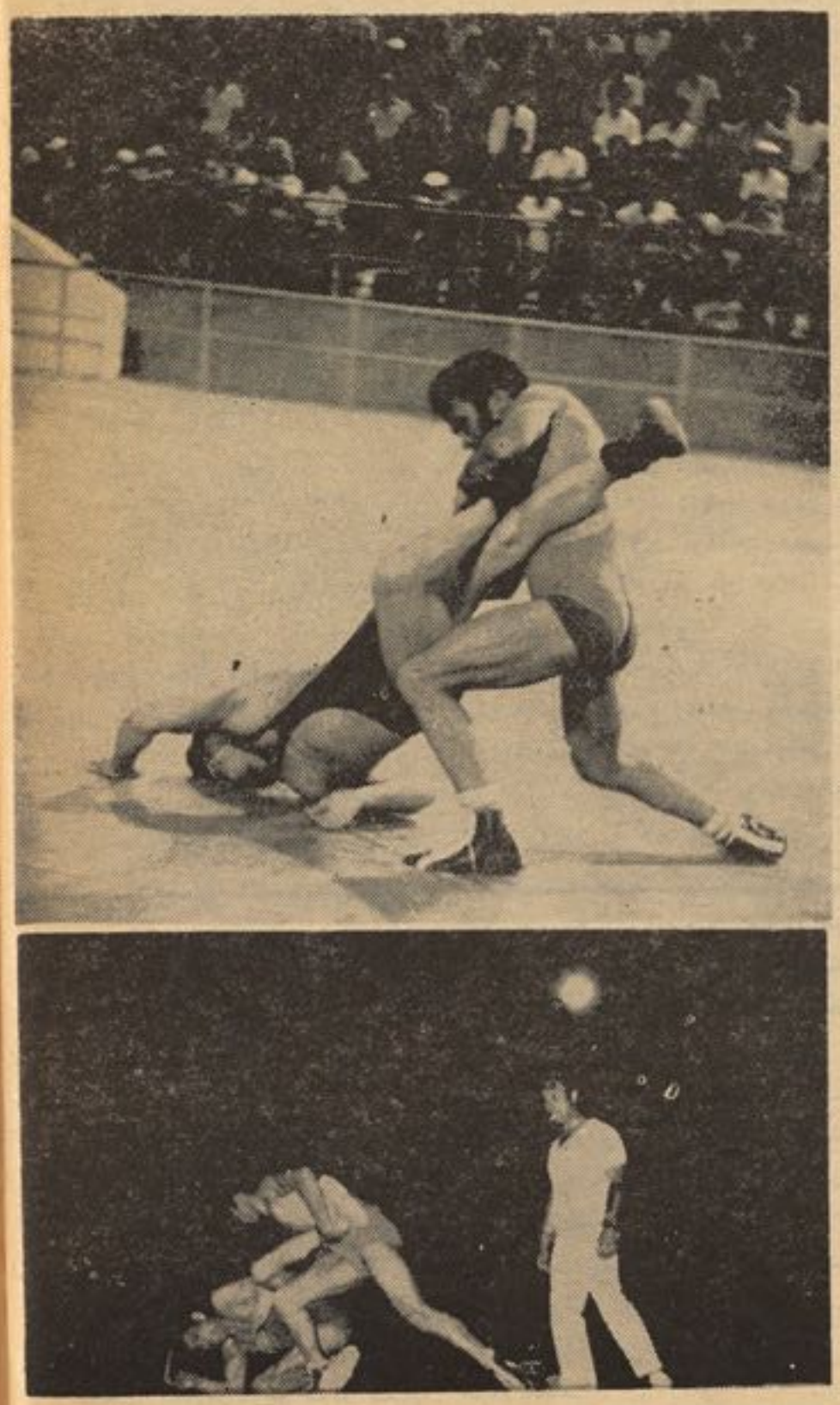

ketabton.com - The Digital Library

# کروئیف فتبالیست پر قدرت هلندی برای بار سوم توپ طلایی را گرفت

د راستدیوم ورزشی نیوکا مپا قبل از مسابقه دوتیم هریك بارسلن وهرکولس ماکس اوربنی مفسر ورئیس هیات تحریر مجله فرانس فتبال توپ طلایی مجله را برای بار سوم به کروئیف ستاره فتبال تیم هلندی اهدا کرد .

این سومین باریست که توپ طلایی را کروئیف به عنوان بهترین بازیکن بدست میاورد فتبالیست خوب و برازنده هلند در سالهای ۱۹۷۳۱۹۷۱ و۱۹۷٤ به عنوان مرد سال فتبال اروپا به این جایزه دست یافته است . در تاریخ بیست ساله این توپ کروئیف سربار و دی استفانو دو بار به موفقیت رسیدند توپ طلایی در سال ۱۹۵٦ برای نخستین بار از طرف مجله فرانس فتبال به استانلی ماتیوس بازیکن نامور انگلیسی داده شد و به تعقیب آن همساله پس از یك رای گیری از طرف مفسران فتبال ارو پا به یك بازیکن به عنوان مرد سال فتبال‌اروپا هدیه میشود .

فتبال اروپا اینك که در آستانه‌پایان سال ۱۹۷۵ قرار دارد انتظارانتخاب دو سال خود را می کشد از همین اکنون چند بازیکن مثل بلوخین بازیگر اتحاد شوروی ، بکن بویر کپتان نامدار تیم آلمان فدرال ، کونتر نترز و برایتز دو ستاره‌آلمانی رئال مادرید، اد مستر دم بازیگران محبوب سویدنی و ایندهون هلندی به عنوان امید های اصلی برای‌جایزه پیش بینی شده اند دیده شود کدام یك ازین فتبالست یکه تاز میدان‌های فتبال اروپا بهٔ این توپ طلایی دست می یابند .

کمیته تشکیلات فدراسیو نفتبال جهانی ( فیفا) هفته یی گذشته قرعه کشی مسابقات مقد ماتی فتبال جام جهانی ۱۹۷۸ را انجام داده اعلام داشت .

کمیته بررسی فتبال جهانی(فیفا) درکشور ارژنتاین که میزبا ن این مسابقات درسال ۱۹۷۸ است برای آماده شدن این مسابقات از چندی‌به این طرف است که با مقامات ورزشی کشور آرژانتین روی تدویر این مسابقات مفاهمه و مذاکره دارد .

تاکنون ۹۹کشور آمادگی شانرابرای شرکت درین مسابقات اعلام داشته است .

اروپا با بیست و دوتیم بزرگترین شماره را در مسابقات مقد ماتی‌دارد. افریقای شمالی وجنو بی و امریکای مرکزی نیز هر کدام بیست وچهار شرکت کننده دارند و قاره آسیا با هفده تیم درین مسابقات شرکت میکند صرف دو شرکت کننده دیگر در جمله تیم های که تذکر رفته‌است افزود شده که این ها تیم های‌کشور های استرالیا و زلاند نو میباشد.

باوجود اختلاف نظرهاودرخواست های مکرر فدراسیون های افریقایی در باره افزایش شماره تیم ها در مرحله پایان قرعه کشی ، (فیفا) تصمیم گرفته که مسابقات را باهمان شانزده تیم برگذارکند که تیم‌آلمان غرب درین مسابقات بحیث مدافع لقب قهرمانی خود شرکت نخواهد کرد .

فدراسیون فتبال جهانی ( فیفا) اعلام نموده است که تیم قهرمان گروپ نهم مسابقات اروپا بابرگزیده های گروپ سوم امریکای لاتین مسابقه کنند تایکی از آنها روانه مسابقات جام جهانی شود .

اروپایی ها ، کشور های لهستان، اسپانیه ، آلمان شرق ، هلند،بلغاریه سوریه ، اسکاتلیند ، یوگو سلاویا واتحاد شوروی به حیث تیم های خوب در صدر جدول قرار داده شده است و متباقی تیم های را که در ۹ گروپ یکی مقابل دیگر قرار گرفتند بدین شرح معرفی داشت .

گروپ اول ، تیم های کشورهای، لهستان ، پرتقال ، دنمار ك و قبرس .

گروپ دوم تیم های کشور های ایتالیا ، انگلستان ، فنلاند و لوکزا- مبورك .

گروپ سوم تیم های آلمان‌شرق، اطریش، ترکیه وسالت .

گروپ چهارم تیم های هلند، بلژیك، ایرلند شمالی و اسکا تلند.

گروپ پنجم . بلغاریه ، فرانسه وایرلند جنوبی .

گروپ‌ششم تیم‌های سود،سویس وناروی .

گروپ هفتم . تیم های اسکا تلند چکو سلواکیا، و لوکزامبور ك .

گروپ‌هشتم، تیم های‌یوگوسلاویا اسپانیه ورومانی .

گروپ نهم . تیم های اتحاد شوروی ، مجارستان و یو نا ن .

گروپ بندی تیم های امریکای جنوبی بدین شرح میباشد . گرو پ اول برازیل ، یار گوئه و کلمبیا، گروپ دوم باراگوئه ، بولیوی‌ونزویلا وگروپ سوم چلی ، پیرو وآلوادور .

بنا برین از جمله تیم هائیکه از گروپ اول الی نهم یکی مقابل دیگر مسابقه میکنند بر گزیده ترین آنان تیم های گرو پ اتحاد شوروی و مجارستان خواهد بود که ازجمله تیم های چیلی وپیرووواکوادور بایکی از آنان در همین گروپ‌مسابقه کند .

سخت ترین مسابقه را درگروپ هشتم اروپا تیم های یوگو سلا ویا، اسپانیه ورومانی درپیش دارند .

مسابقه مجدد تیم های بلژیك و هلند دو رقیب مسابقات مقد ماتی‌جام جهانی ۱۹٦٤ یکباردیگر توجه‌دوست داران فتبال اروپا را جلب نموده است در گروپ دوم این مسابقات روبرو شدن تیم های ایتالیا و انگلستان یکی از مسابقات خوب ودیدنی خواهد بود .

در نزد آلمانی‌ها قبل ازقرعه‌کشی این مسابقات اختلاف‌نظرهادرمورد شرکت نمودن تیم های تایوان و اسرائیل داغترین مو ضوع بود بالاخره کمیته فدراسیون فتبال(فیفا) باوجود اختلاف نظر ها گروپ بندی تیم های آسیا را اینطور نشان داده است .

گروپ اول تیم های هنگ کانگ، مالزی، سنگاپور ، سیری‌لانکا و تایلند .

گروپ دوم تیم های جاپان،اسرائیل کوریای جنوبی و کوریای شمالی.

گروپ سوم . ایران ، عراق، سوریه و عربستان سعودی .

گروپ چهارم. استرالیا ،نیوزلیند وتایوان میباشند .

درین گروپ بندی به یقین کامل در گروپ دوم مسابقات خوبی را سراغ کرده میتوانیم که مسابقه بین تیم های کوریای جنوبی ، کوریای شمالی واسرائیل دو حریف حذف شده خواهد بود .

ketabton.com - The Digital Library

# په پښتو ادب کشی

داسی پر مخ ځی.
ننگیا لو لره قید مړ ینـــه ده ځکه
سه یی وا لو تله هســك ته پز دی لار
اوپه دی تو گه پای ته رسیږی.
هم
مړ شوی نه پرننگه وی ولاړ پـه ننگ کی
هم مړ شوی پرننگه دی په ننگه کاندی ځان جار
که سو ری دی په تگ ویر کاندی ویرمن شول
هم به ویا ړی ستا په نو م ستا په ټبار
په جنت کښی دی وه تو ن زمونږ وا کـمنـه
هم په تا دی وی ډیر لـــور دغفار

سوری کورنی اولودی کور نـی دغور شا هان اونور شا هان سـره ددی چه د اسلام مسلمان باد شا هان وومگر دبل مسلمان سلطان سلطـه یی نه منله نواول یی دهغو چاره وکړه او په پښتو نخوا کښی یی خپـل قوت تثبیت کړ بیایی دپښتنو مسلمانانو داسلامی احسا ساتو نه دکاراخستو په تو گه دافغا نستان دولسو نو اوقبایلو نه ستر لښکر جوړ او پـه هند یی یر غلو نه وکړل.

دهند په ډیرو بر خو یی د اسلام جنډه ښخه کړه.
بت تو نونه یی وران اوبتان یـــی مات کړل.

ددغو خبرو یوه بله لازمـــی اوطبیعی نتیجه داشوه چه په افغا نـی خاوره کښی ملوك الطوا یفی له منځه ولاړه اود هند دخاوری ډیری برخی په ضمیمه غزنی امپرا توری جوړه شوه.

په غور کی دغوری شا ها نـو او په ختیځه پښتو نخوا او ملتان کی د لودی کور نی اقتدار پای ته ورسید. مگر غوریان هم پښتا نه واوباید توره یی چلـو لـــی وا ی دو ی هم شهزاد گان وواو باید دربارو نه یی لرلی وای دوی هم مسلما نا نوو اوباید اسلام ته یی خد مت کړی وای ددغورنگو جذباتو اواحسا سا تـواو ضرور تونو پر بناء دوی هـم د هند پرخوا سیمو ته مخه وکړه.

دپټی خزانی مو لف د(لر غو نی پښتانه) له کتابه چه هغه دتاریـخ سوری نه روایت کوی لیکی.

پلار یی احمد نو میده او کوټوال وو.

ښکار ندوی دسلطا ن شهـاب الدین والدین محمد سام شنسبا نی په پادشا هی کښی مخوراود درناوی خاوندو واو هغه وخـت چـه هـغه سلـطـا ن پـر هـنـد یـر غـل کاوه ښکار ندوی چه شا عر او عالم سړی و هم د هغه سلطان په لښکرو کښی ؤ او هسی وایی چه ښکارندوی په مدح کښی دسلطان محمد سام او سلطان غیاث الدین غـــوری د ستاینی قصیدی لری چه بوللی دی محمد ابن علی وایی چه په بست کی مادده دبوللو غټ کتاب ولیده او له هغـه څخه می دغه بولله چـه محمد سام علیه الرحمه ستاینه ده وکښله. دابولله هم دتثبیت په ډول د پسرلی په ستاینه پیلیږی اوبیـــادممدوح ستاینی ته اوړی او حما سه غږوی.

دشا عر ممدوح معز الدین سام د۵۶۹ هـ نه تر ۶۰۲هـ پوری حکو مت کړیدی اود سلطان غیاث الدیـــن غوری ورور دی.

بولله ٤٥ بیتو نه او سریی دادی

**دپسر لی ښکلو ونکی بیا کـړه سینگا رونه**
**بیایی ولونل په غرو نو کښی لا لو نه**

**کسر یی داسی دی.**

**ستا په زیر مه دی خاونده لوی څښتن وی**
**مونږ خو ستا په مرسته یو نه څوچه یونه**

مونږ سره دشیخ ملکیار غر شین یوه سندره هم شته دنعمت اللـــه هروی دمخزن افغا نی اود سلیمان ماکود تذکره الاولیا په استناد پـه هغو جگړو او حملو کښی چـــه سلطان شهاب الدین غوری پرهند کړیدی شیخ ملکیار پخپله هـــم شا مل واود هغو په باره کښی یـی شعرو نه هم ویلی دی چه یوه سندره یی دسلطان ماکو په ذریعه مو نږ ته رارسیدلی ده داسنـــدره د۵۷۱ هـ پوری اړه لری.

ددغی زمانی بل شا عر مو نـږ دتا یمنی په نامه چـــه دسلطان غیاث الدین غوری په صفت غږیدلی دی.

نن زه غږیږم په صفت دسلـــطان
چه دی با ندار غا زی ملـــك د جهان

لنډه داکله چه په غوری شا هانو دغزنوی سلطنت له خوا خپله زمکه تنگه شوه نو هغه خوا ته یی مخـــه وکړه هلته یی فتو حات وکـړل اود دهجری دشپږ می پیړی تر وروستیو کلونو یی سلطنت کاوه.

داومی پیړی په لو مړ نیو مدهشو تاړا کونو کښی زیات په زړه پوری ادبی او علمی آثار له منځه تللی دی نو ځکه دډیرو محدودو شا عرا نو محدود آثار مو نږ پوری رسید لـی دی.

( نوربیا)

# چهره های پر نبوغ

اویکی ازعلت اساسی رشد هنرمندان جوان راگسترش نمایش هادر ایالات مختلف میداند.

(برای موسیقی بازاروسیع وگسترنده ای در سراسر امریکا وجود دارد . ومردم هر روز بیش ازپیش به هنر روی می آورند .)

**ماکس کرافورد :**

بآنکه نام ماکس کرافورد هنوز روی زبان هرامریکایی قرار ندارد . منتقدان عقیده دارند که اویکی ازغول های بزرگ ادبیات درآینده خواهد شد .

یکی ازمبصران کتاب اخیر اوکه : (رقص

ریچارد تلسن توماس

درتکساس) نام دارد در واشنگتن پوســـت می نویسد :

(این اولین وبهترین ناولست که من طـی سال های اخیرخوانده ام . وبرایم آغاز یـك شهرت بزرگ بحساب می آید.)

این داستان که آمیزه ای ازدرامه سحرآمیز وروانی است شامل قصه های سیاسی، مالی وجنایات می باشد .

اودرسال ۱۹۳۸ درتکساس تولد یافته ودر صحرای سوزان آنجا بزرگ شـده اسـت . اقتصاد رادر پوهنتون تکساس خوانده و دو سال رابحیث راننده دراردوی امریکا کارکرده است .

(درطفلی می خواستم شاعر شوم ولی تـا سن ۲٦ سالگی چیز درستی ننوشتم .)

طی سال های زیاد درسانفرانسیسکو بحیث نویسنده (زیرزمینی) کار کرده ومخالف جنگ ویتنام بود .

(دراول به سیاست علاقه نداشتم . وبعدبه آن سخت دلبسته شدم .)

کرافورد عقیده داردکه نسل نویسندگـا ن جدید امریکا که عمیقاازحوادث دهه های اخیر اثرپذیرشده اند، بخش زیاد ادبیات را بـه سیاست اختصاص خواهند داد .

دیگر مساله هنربرای هنر بدرد نمی خورد واین خودبرزندگی روشنفکرانه کشور اثـر می گذارد .)

**مارگرت هارریس :**

مارگرت هارریس ، بنظر بسیاری از هـم قطارا انش یکی ازدرخشان ترین چهره ها ی هنری می باشد .

اودر حالیکه رهبری آرکسترای برودوی را بدوش دارد توانسته تادوآهنگ معروف رادر پیانو کنسرتو بسازد . اوبه سمفونی شیکاگو آرکسترای مینیسوتا وآرکستر فلازمو نیـك لوس آنجلس شرکت می کند.

درحالیکه رهبری نمایش نامه آهنگـدار (موی) رارهبری می کرد توانست جای خواننده زنی راکه آنشب نیامده بود پرکند .

خودش می گوید :

(به آرکسترا نگفتم که این کاررا می کنم ولی هنگامیکه چشم شان بمن افتاد که میسرایم شگفت زده شدند ونزدیك بودنمایش راتوقف دهند .)

مارریس ۳۱ ساله بوده وهنوزکودك بود که در ۲٦ شهرکنسرت داد:

خودش می گوید :

(دریافتم باوجود یکه زن سیاه پوســت هستم میتوانم به ساحه ای که همیشه انحصـار مردان سپید پوست بود، گام بردارم، وقتیکه آنان باراول مرادیدند خپ وچپ اشپلاق کردند.)

اودرساحه موسیقی پاپ وکلاسیك کـا ر می کند. وتوانسته است تاخلابین ایندوسا حه راتا اندازه پر کند .

پایان

ketabton.com - The Digital Library

# فراریکه‌دوسال پولیس را فریب‌داد

هجوم پولیس درلوس آنجلس که‌طی‌آن‌شش نفر کشته شد.

رابه شدت زده بودند اختطاف شد. خانوادهٔ هرشب برای اینکه به تقاضای ۱۰۱د پاسخ میخواست در رشتهٔ تعلیمات شهری در پو هنتون اندیانا درجهٔ ماستری بگیرد اشنا شد .در سال ۱۹۷۱ از دواج کرندو به کا لیفرنیا رفتند .

امیلی نیز در اول دختر سر براهی‌بود و در کلارندون هیل شیکا گو تولد یافت پدرش مشاورانجنیری است او دریوهنتون اندیانا دختر خوش مشربی بود .وقتیکه هردو به برکلی رفتند به مسایل اصلاح زندان ها علاقه پیدا کردند .در جنوری سال ۱۹۷٤ امیلی به پدر و مادرش گفت که ((رژابطمن‌وبیل تغییر کرده و من‌بامرد های دیگر سروکار دارم)) خودش می نو یسد((من عاشق مرد سیاه پوستی شدم که برایم مجسمهٔ رنج سیاها نسیت که‌در این کشور زندگی‌کرده اند)) .

پاتی نیز تغییر اندیشه داد .بتاریخ ۷ جون ۱۹۷٤ استیشن رادیوی محلی فیته ثبت شده ای از آواز پاتی دریافت کردکه دران ازمرگ ویلیام ولف ستایش نموده و گفته بود((عشق اوبه مردم انقدر عمیق بودکه اوبا اراده‌اش درراه انان قربانی داد)) وبه این ترتیب پاتی هرشت اوطلبانه جزو این گروه شد .

چرا دختر یك سلطان موسسات نشراتی چون ولیام رایدولف هرست عصیانگر شد ؟چگونه دختری با گذشتهٔ پر امتیاز و آینده در خشان اینگونه تغییر کرد؟ علت اصلی ممکن همیشه درکفن بماند مانندقصهٔ ((روزبد)) که در فلم «همشهری کان» در اسرار ماند .

ولی روا نشنا سانیکه در این رشته مطا لعه دارند نظریه های در مورد رفتار پاتی دارند .عده ای عقیده دارند که‌انگیزه های عصبا نگر پاتی خیلی پیچیده بود و فقط انگیزه اصلاح طلبی منجر به اینگار نشده است .آنان اورا سمبولی از پدیده دختران سپد پوست طبقهٔ متوسط ویادارامی دانند که میخوا هند جامعه را با خشونت درهم بکوبند .در اغاز سال های شصت دسته ای ازاین دختران به گروه های انار شیستی چون ((و یدر من)) «نهلیزم» و «خا نواده» چارلز ما نسون و ۱۰۱د پیو ستند .

با تحقیقا تی که تایم از روا نشناسان مختلف نمود به‌این نتیجه رسید که بین پاتی هرست و فروممسی وابسته به گروه مانسون که چندی پیش تفنگچه پردابروی فورد کشید شبا هت نز دیك وجود دارد.

کویس با سلونو مسکی جامعه شناس در پو هنتون دولتی کا لیفرنیا عقیده دارد که پاتی و فروممی مانند آدم های میکانیکی بود ((خورا کاملا ر اختیار دیگران قرار داد و اوامر انها رااجرا میکنند این حقیقت را میتوان ازاین مطلب در یافت که‌ایشان حتی بجان خود ارامش نمیخواهند .

داکتر روبرت هارد ینگتون طبیب‌امراض روانی که روی عدةزیاد اینگونه جوانان تحقیق کرده است می‌گوید :((زندگی درونی شان تکامل نیافته است و هرچیز برای انان در بیرون وجود دارد .هیچگاه بدرون خود نمی بینند. آنان فقط میخواهند جامعه راتکان بدهد. ومن فکر میکنم این‌طر جنسی و خشو نت است زیرا اینگونه جوانان وقتیکه از زندگی آرام ،سر براه ویکنواخت بخود بزندگی آرام ،سر براه ویکنواخت انار شیستی می پیوندند زندگی دومی برا ایشان للت کاذب میدهد.))

باتمام تشخیص های که روا نشناسان میکنند نمیتوا نند تمام عوامل را تشریح کنند. ممکن وضع روانی واحساس پاتی هرشت کتر وپیچ های قانونی بیشتری را بمیان آورد .اتهام محلی و فدرالی که به هرشت وارد شده قضیه را تاسال های‌زیاد کش بدهد .او محکوم به پنج حادثهٔ حمله ٤ دزدی پنج حملهٔ مسلحانه ،سه قضیهٔ موتر دزدی و دو اختطاف می باشد وبه این ترتیب به زندان ابد محکوم خواهد شد .همچنان او را دونفریکه در حادثهٔبانك محکمه خواهند کشاند.گرچه دراین دوقضیه دزدی سان فرانسیسکو مجروح شده اند به گروه شامل بود و بچشم قانون مجرم خودش تفنگ را بکار نبرد ولی در عمان میباشد .

در محکمهٔ ابتدایی وکیل مدافع هرشت بیان کرد که هیچ اتهام بر هرشت وارد نست زیرا وفقط الة دست گروه‌اناشیستی بوه است .پدر و مادرش میگوید:((اوفقط ۱۹ سال داشت که دستش رابه تفنگ اشنا کردند و ازهمه مهمتر اینکه خود هرشت در حالت اختطاف بسر می برد. گرچه راه دشواخی در پیشرو ست ولی مابه آزادی او ایمان داریم))

به این ترتیب وکیلش ادعا خواهدکرد که هرشت بیگناه است و اوفقط زیر تاثیر دیگران عمل کرده والة دست دیگران بوده است ولی قاضی اولیور گفته است که ((این‌زن به ارادهٔ خودش علیه نظام‌اجتماعی موجود اعلان جنگ کرده است و بعد این جنگ رابه وسیلهٔتفنگ عملی نموه است))

اگر مسالهٔ تضمین قبول شود .راندولف هرشت پدرش حاضر است که ۱ر۵ میلیون دالر تضمین بدهد ویك بارکه از زندان ازاد شدبه مشکل دوباره بان خواهدرفت. حتی اگر اوگناه کار قلمداد شود قضیه اش را تا جاییکه امکان دارد به تعویق خواهند انداخت .درپایان پاتی هرشت عصیانگر ،برای آزادیش به ثروت خانواده ای متکی است که در جامعه ای که اومی خواست ان راسر نگون نماید اعطا کرده است .

# بخاطر خوشنودی معشوق

بگیرد ومو تر های شما من مسابقه بایست مو تر های کهنه بوده و مودل آن از ۱۹۱۹ ـ۱۹۳۹ باشد، این مسابقه در یونا ن به اشترا ك رانندگان ارو پایی و اضلاع متحده امریکا صورت گرفت و در ین مسابقه رانندگا ن آتن بدرجه ا ول حایز گردیدند گیور گیو س برادر الکسند روس بامو تر مود ل۱۹۳۸ خویش مقا م دو م را کما یی کرد.

در حین اجرای مسا بقه چشم رانندگان به زن خوش ترکیب‌وزیبا صور تی که معلو م میشد بار دار است افتید، این زن کسی جز کریستان انا سیس نبود که برای مشاهده مو تر رانی آمده بود ـ کریستان انا سیس مانند شوهرش عاشق مو تر بوده و همین عشق بود که کریستا ن ا نا سیس ۲٤ ساله رابا الکسند روس ۲۱ ساله پیوند داد وپس از آشنایی‌مختصر ازدواج کردند و اکنو ن‌کریستان این میلیا رد معرو ف از شو هر میلیو تر ش بار دارد و آرزو دارد پسر بدنیا بیاورد .

خبر نویسا ن گز ار ش میدهند که‌دو لت یونا ن خواست از باز ماندگان وو ار ثین انا سیس در مورد اینکه چرا( پاپادو پو لوز) امتیاز معادن تیل رابه انا سیس داده بود ورو ی چه انگیزه‌ای‌معامله داران و صاحبا ن فابر یکا ت باوی تجارت میکردند یکسلسله تحقیقا ت وباز پرس هایی بعمل آورد اما . الکسندروس بخا طر خو شنو دی محبو بش گر یستا ن ا نا سیس دست به یك سلسله فعالیت هایی زدوبه اساس تدابیر او فعلا جلو تحقیقا ت ها گر فته شده‌است.

در مسابقه مو تر رانی که‌درشهرآتن بر گزار شد کهنه تربن مودل موتر ها مسابقه کردند .

ketabton.com - The Digital Library

پنجم :ـ ایدوفا ـ معبد پاروس ـ از ۲۳۷ تا ۲۱۲ ق .م .

# هنر در لابلای قرن‌ها

یك قسمت از بقا یای سنگی که بروی آن خط اوروغلیف (با خط تصویری) حك شده است . موزیم قاهره .

مصریان قدیم اشیای راکه بدان علاقه داشتند درمقبره هایشان می گذاشتند . بدین ترتیب مقبره های مصری شکل منزلگاه جاویدان روح رابخود گرفت . بدن انسان که منزل گا ه اساسی روح بود نیزباید بدرستی نگهداری میشد، پس‌مصریان قدیم خواستند تابامومیایی کردن کالبد، بدن رابشکل محفوظی در اختیار روح بگذارند تاهرگاهیکه خواسته باشد درآن رفت وآمد نماید .

نقش فرمان روابالای طرز تفکروهنرمصریان باستان تاثیر بیش ازحدی داشته است چه بقرار عقاید جامعه مصر فرمانروانه تنهاممثل قدرت دنیایی ودارنده قدرت عالی روحی بوده بلکه باظهورسلسله پرنفوذ فراعنه، فرمانروا بمقام الوهیت رسید این طرزتفکر بالای هنر مهندسی، مجسمه سازی ونقاشی مدنیت مصر تاثیر عمیقی بجاگذاشت که به هنر مصـــر خصوصیت بخشید مجرد، ومجزا از مدنیت‌های اطراف آن .

یکی ازخصایص عمده هنرمصر امتزاج‌یافتن هنرمهندسی مجسمه سازی ونقاشی از نگـاه فرم، روش ومحتوای است . چنانچه ساختمان های‌که در بنی هاشم وسیقینکس بزرگ در غزنه واقعیت دارد معابدی اند که درآن ظرافت کاری ونفاست کمتر بکار برده شده ودرعوض مجسمه های بزرگ ونقاشی ها طوری ترتیب یافته اندکه جزو ساختمان معبد بشمارمیروند. عین خصوصیت درمعبد اوزیرش ورایوسمیل بچشم میخورد چه نقاشیهاومجسمه های ریلیف (نیم برجسته) بغرض تزئین معبد بکار رفته است نه منحیث یك پدیده مستقل هنری از جانب دیگر بکاربردن فن مهندسی نیز بـرای امتزاج دادن آن بامجسمه ها ونقاشی ها بوده است . بعباره دیگر هنر مندان مصر باستان باامتزاج دادن ایـن سه هـنر بیشتر متوجه شکل واحد هنری بوده اند .

خصوصیت دومی هنر مصر بز رگی پدیده های هنری ازنگاه جماعت است باوجود آنکـه ریزه کاریهای دقیقی رادر هنر مصر دیـــده میتوانیم . گمان میرود که بزرگی پدیده هـای هنری مخصوصا معابد زادهٔ طرز تفکـــر ی باشد مبنی بر شکوه مندی وعظمت مدنیـــت مصر نظر بعظمت مدنیت های همجوار آن که دربین عموم مردم مصر متداول بوده است این خصوصیت نشان دهنده پرستیژ سیاسی غنای مالی وفراوان مواداولیه درمصرباستان‌میباشد.

(باقیدارد)

# فال حافظ

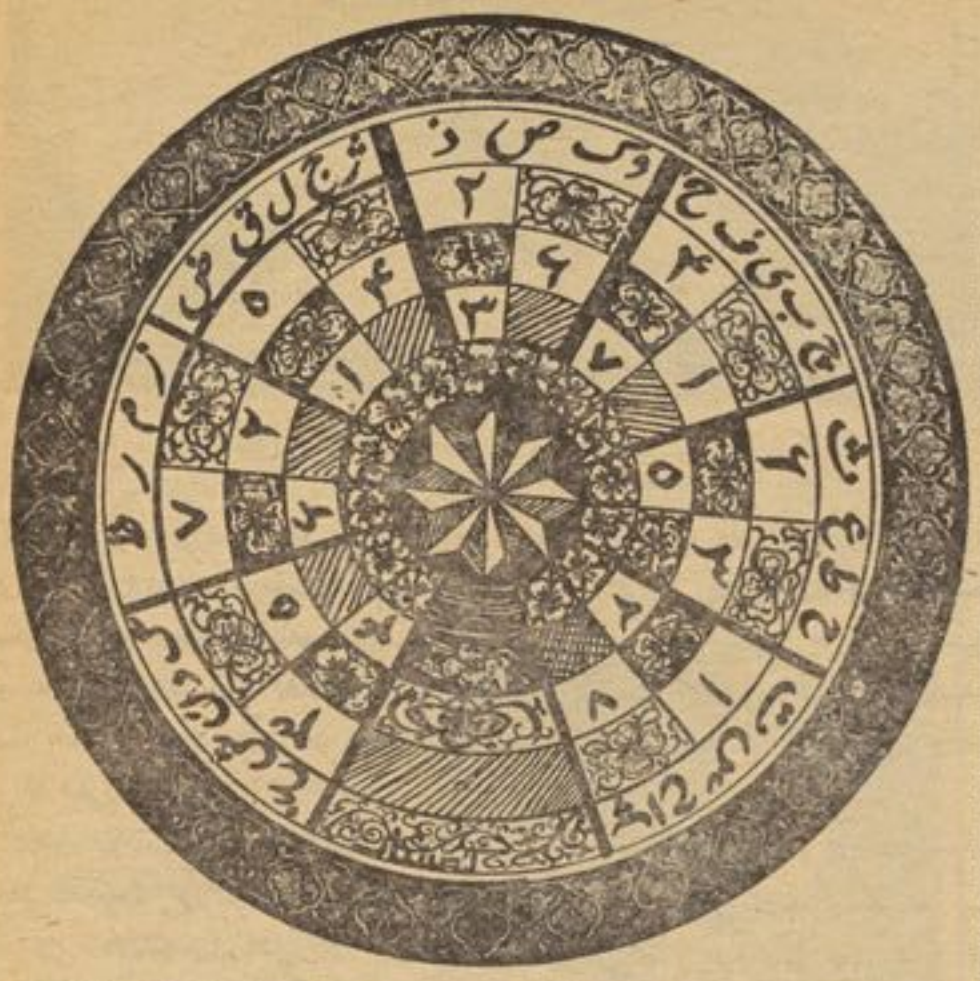

درهر روزاز هفته که میخواهید فال بگیریدبه‌تصویر بالا توجه نموده یك‌حرف از حروف نام خودرا انتخاب کنید وآنرا از دایرهٔبزرگ‌پیدا نمایید .(فرق نمی کند که حـرف اول باشدیادوم‌باشدیامثلاپنجم) درزیر همان‌حرف‌مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفیدو سیاه میباشد ودر داخل‌خانه‌های سفید آن‌سه‌عدد ثبت شده است ازآن سه عدد هر کدام راکه دلخواه شماست انتخاب کنید وآنگاه‌به‌همان شماره در زیر نام همان روزاز هفتـــه مراجعه کنید وجواب خودرا اززبان حافـــظ‌شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه‌حرف چهارم نام‌خودراکه‌میم است انتخاب واز جمله سه عددی که‌در زیرقوس مربوطه به این حرف دیده می‌شودبیت ۷۰ را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحهٔ مقابل‌مراجعه کنید وبخوانید لسان اللغیب بشما چه می گوید !


انیس

ژوندون

اطلا عات وکلتور

رئیس تحریر: محمد ابراهیم‌عباسی

مدیر مسؤل نجیب رحیق

معاون :پیغله راحله راسخ

متهمم: علی محمد عثمان زاده

تیلفون دفتر رئیس‌تحریر۲۶۹۴۵

تیلفون منزل‌ر ئیس نحریر۲۲۹۵۹

تیلفون دفتر مدیر مسوول ۲۶۸۴۹

تیلفون ارتباطی معاون ۱۰

تیلفون منزل معاون ۴۰۷۶۰

سو چبورد ۲۶۸۵۱

مدیریت توزیع ۵۹

آدرس: انصا ری وا ټ

وجه اشتراك:

درداخل کشور ۵۰۰ افغانی

ژوندون

ketabton.com - The Digital Library

# فال حافظ

## شنبه

۱ـ خلوت گزیده رابه تماشاچه حا جتست
چون‌کوی دوست هست به‌صحراچه‌حاجتست
۲ـ خدا چو صورت ابروی دلکشای توبست
گشاد کارمن اندر کرشمه هـای بست
۳ـ مراو سرو چمن را بخاك راه نشا نـد
زمانه تا قصب نرگس قبای تست
٤ـ رواق منظر چشم من آشیانهٔ تست
کرم نما و فرود آکه خانه خانهٔ تست
٥ـ به لطف خال وخط ازعارفان ربودی دل
لطیف های عجب زیر دام ودانهٔ تست
٦ـ دلت بوصل گل ای بلبل صباخوش باد
که در چمن همه گلبانگ عاشقانهٔ تست
۷ـ زکار ماودل غنچه صد گره بگشود
نسیم گل چو دل اندرپی هوای توست

## یکشنبه

۱ـ خمی‌که ابروی شوخ تودرکمان انداخت
به قصد جان من زار ناتوان انداخت
۲ـ نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود
زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت
۳ـ بیك کرشمه که نرگس بخود فروشی‌کرد
فریب چشم تو صد فتنه در جهان انداخت
٤ـ شراب خورده وخوی کرده میروی به‌چمن
که آب روی توآتش در ارغوان انداخت
٥ـ بنفشه طرهٔ مقبـو ل خود گره میزد
صبا حکایت زلف تو در میان انداخت
٦ـ زشرم آنکه بروی تو نسبتش کردم
سمن بدست صبا خاك دردهان انداخت
۷ـ سینه از آتش دل درغم جانانه بسوخت
آتشی بود درین خانه که کاشانه بسوخت

## دوشنبه

۱ـ تنم ازواسطه دوری دلبر بگداخت
جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت
۲ـ سوز دل بین که زبس آتش‌اشکم‌دل‌شمع
دوش بر من زسر مهر چو پروانه بسوخت
۳ـ چون پیاله دلم ازتوبه‌که‌کردم بشکست
همچو لاله جگرم بی می وخمخانه بسوخت
٤ـ ماجرا کم کن وباز آ که مرامردم چشم
خرقه از سر بدر آوردو بشکرانه بسوخت
٥ـ دل دونیم شد ودلبربه ملامت برخاست
گفت باما منشین کز تو سلامت برخاست
٦ـ در چمن باد بهاری زکنار گل وسرو
به هوا داری آن عارض وقامت برخاست
۷ـ مست بگذشتی واز خلوتیان ملکوت
به تماشای تو آشوب قیامت بر خاست

## سه‌شنبه

۱ـ حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج
فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست
۲ـ ساقی ومطرب ومی جمله مهیاست ولی
عیش بی یار مهیا نشود یار کجا ست
۳ـ باز پرسید ز گیسوی شکن درشکنش
کاین دل غمزده سرگشته گرفتار کجاست
٤ـ هر سرومی مرا باتو هزاران کاراست
ما کجائیم و ملامتگر بیکار کجا ست
٥ـ چوبشنوی سخن‌اهل دل مگوکه خطاست
سخن شناس نه‌ای جان من خطا اینجاست
٦ـ به‌هست‌ونیست مرنجان‌ضمیروخوش‌میباش
که نیستی است سرانجام هرکمال‌که هست
۷ـ زلف آشفته‌وخوی‌کرده وخندان‌لب‌ومست
پیرهن چاك وغزلخوان وصراحی در دست

## چهارشنبه

۱ـ نرگسش عربده جوی ولبش‌افسوس‌کنان
نیم شب دوش ببالین من آمد بنشست
۲ـ عاشقی راکه چنین باده شبگیر دهند
کافرعشق بود گر نشو باده پرست
۳ـ بروای زاهد وبردرد کشان خرده مگیر
که ندادند جز این تحفه بما روز الست
٤ـ آنچه او ریخت به پیمانهٔ ما نوشیدیم
اگر از خمر بهشت است واگر بادهٔ مست
٥ـ خندهٔ جام می وزلف گره‌گیر نگـا ر
ای بسا توبه که چون توبهٔ حافظ بشکست
٦ـ در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست
مست ازمی ومیخوران ازنرگس مستش‌مست
۷ـ باز آی که بازآید عمر شدهٔ حـافظ
هر چند که ناید بازتیر یکه بشد ازشست

## پنجشنبه

۱ـ دست در حلقهٔ آن زلف دوتانتوان کرد
تکیه بر عهد تورو باد صبـا نتـوان کـرد
۲ـ مشکل عشق نه در حوصلهٔ دانش‌ماست
حل این نکته بدین فکرخطا نتـوان کـرد
۳ـ غیرتم گشت که محبوب جهانی لیکن
روز وشب عربده با خلق خدا نتوان کـرد
٤ـ دل ازمن برد وروی از من نهان کـرد
خدارا باکه این بـازی تـوان کـر د
٥ـ میان مهربانان کـی تـوان گفـت
که یار ما چنین گفت و چنا ن کـرد
٦ـ دیدی ای دل که غم عشق دگربارچکرد
چون بشد دلبرو با یار وفا دار چـکـرد
۷ـ آه ازآن نرگس جادوکه بازی انگیخت
آه از آن مست که بامردم هشیار چه کرد

## جمعه

۱ـ برقی ازمنزل لیلی بدرخشید سحـر
وه که با خرمن مجنون دل افگـار چه‌کرد
۲ـ یاری اندرکس نمی بینم یاران راچه‌شد
دوستی کی آخر آمد دوستدار چـه شـد
۳ـ لعلی ازکان مروت برنیاید سالها ست
تابش خورشید وسعی باد وبا رانراچه شد
٤ـ صدهزاران‌گل‌شگفت‌وبانگ‌مرغی‌برنخاست
عندلیبان راچه پیش آمد هزاران را چه شـد
٥ـ ازچشم شوخش ایدل ایمان خودنگه دار
کمان جادوی کمانکش بر عزم غـارت آمد
٦ـ درتمازم خم ابـروی تودر یـاد آمـد
حالتی رفت که محراب بفـر یـا د آمـد
۷ـ زیر بارند درختان کـه تعلـق دارند
ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمـد

ketabton.com - The Digital Library

# آریایی

## (۴)

گفته شود مبنی برحدس وگمان بی اساس وبی پایه خواهد بود. واوستا موجوده که در دست است قرن ها بعداز مفقود شدن اوستای اصلی گردآوری شد وآنهم از اشخاصیکه حافظ اوستا بودند، زیرااسناد کتبی آن یک قلم مضمحل شده بود نخستین کسیکه اقدام جدی درگردآوری اوستا کرد (ولکس اول یا واخش اول) پارتی بودکه در نیمه دوم قرن اول مسیحی سلطنت داشت . پس اردشیر (رادشیر) موسس دودمان ساسانی و پسرش

(۲) تاریخ شهنشا هان ایران ص تالیف ابومنصور ثعالبی ترجمه محمود هدایت .

شاه پور اول بود (۱) . واین اوستا که بعد هاتلفیق گردید ممکن است ازلحاظ کمیت وکیفیت بااوستای اصلی فرق داشته باشد زیرانمی توان به کسانیکه اوستا را حفظ کرده بودند وهم کسانیکه آنرادر اسناد کتبی گرد آورده اند اعتماد درست نمود. اما باید گفته آیدکه اوستا موجوده اگر باصل تطابق داشته باشد ویانداشته باشد آنقدر ازموضوع اصلی بعید تصور نشده وبا اوستای باختری ممکن فاصله اندك داشته باشد .

اوستای موجوده (اوستای نو) مشتمل بردو حصه است . حصه اول برسه قسمت دیده میشود که عبارت انداز بستا ویسبردووندیداد وحصه دوم شامل دوقسمت می باشد یشت ها یاسرود ستایش وخورده اوستا که بصورت مجموعه آنرامی توان به پنج بخش بررسی‌کرد (بستا- ویسبرد- وندیداد- یشت و خورده اوستا) (۲). که درذیل هرکدام آنرا جداگانه ارزیابی می کنیم .

۱- بستا یاقسمت مخصوص آداب نیایش وپرستش پروردگار مشتمل برسرود های که باحترام عناصر مقدس ویزدان خوانده میشود ومرکب ازهفتادو دوفصل می باشد که هفده فصل آنرا (گاتها) احتوا می کند واین قسمت (گاتها) قدیمترین قسمت های اوستا بوده ومنظومه ایست‌که ازنظر تشابه لسانی با زبان ویدا قرابت دارد واین قسمت یستا از حیث لهجه وزبان ومطالب مندرج نیست به سایر قسمت های اوستا فرق داشته وقدامت دارد .

(۲) ویسبرد مجموعه‌ایست که سرود های آن درایام اعیاد مذهبی برگذاری رسومات اجتماعی خوانده میشود وبا (۲۷) فصل تقسیم گردیده که هر فصل آنرا (کرده) نامند وبنا بر آنچه که درین مورد (براون) اظهار کرده است می‌گوید که‌ازلحاظ ارتباط مطالب بایك دیگر وکلیه آنچه باید دریك کتاب گنجا نیده شود کتاب مستقلی

(۱) ص ۱۸۶- ۱۹۶و۱۹۸ تاریخ قدیم افغانستان علی احمد کهزاد .

(۲) ص ۱۹۴-۲۰۰ ج ۱ تاریخ قدیم افغانستان احمد علی کهزاد .

نیست (۱) .

۳- وندیداد - یا احکام ضد دیوها وبنا به گفته پرو فیسور براون(۲) که از قول (گلدنر) اقتباس کرده است این قسمت اوستا از لحاظ ماهیت مطا لب شبا هت نزدیکی به (سفر سوم تورات) دارد .و مشتمل است بر ۲۲ باب که‌آنرا فر گارد میگویند که هرفرگارد تقریبا موضوع معینی را ارائه میکند مانند -فر گارد اول که‌دران (۱۶) قطعه زمین اوستا) (۳).با خصایص ساکنین آنها یاد آوری شد و در حقیقت باب اول و ندیداد اساس عمده و مبنای کلیه مباحثات مربوط به نقاطی راکه پیروان اوستا ازان علم و اطلاع داشته اند ویا وارث بوده اند - تشکیل میدهد .

۴- پیشنهاد این قسمت او ستا پیشتر از همه صیغه شعری داشته و مشتمل بر۲۱ فقره می باشد و هریک یك چیزمخصوص را توضیح میدهد .

۵- خرده اوستا . این قسمت اوستادر عبارات روزانه مورد استعمال داشته و از انرو موبدان و غیره پیروان کیش روستایی مکلف بودند که این قسمت را در حافظه خود داشته باشند .

اگر بگفتهٔ (دبنکر یت) یك‌تن از محققین اوستا اذعان نماییم باید اظهار کنیم که او ستا حاوی ۲۱ نسك است ودر ان نام هریك ازین ۲۱ بخش جدا گانه امده و خلاصه مند رجات آنها تشر یح واز برخی نسك ها مفصلتر بحث‌شده است.(۱) و کهن ترین قسمت اوستا گاتها می باشد که برخی از دانشمندان انرا از بقایای او ستای باختری میدانند - توسط خود زر دشت تالیف شده‌است (۲) .گاتهامرکب از پنج منظومه است که هر منظومه دارای

(۱) و(۲) ص ۱۵۱ - ۱۵۲ ج ۱تاریخ ادبیات ایران -براون ترجمه علی پاشاه صالح.

(۳) -ص ۱۹۹ - ۲۰۰ ج ۱ تاریخ‌قدیم افغا نستان -احمد علی کهزاد .

فصو لست که‌آنها را (ها)مینامند و هر(ها) به قطعات و مصرع های منقسم است که هر قطعه را (حبسی تشتی) و هر مصرع را (افسمنی) گویند. و (حبس تشتی) را می توان پارچهٔ سخن ترجمه کرد و قطعه بهترین کلمه ایست که این مفهوم راافاده می تواند (افسمنی) به معنی‌اندازه ومقیاس است و به مفهوم ادبی هم‌بیك مقیاس معین چند کلمه را در برمی گرفت (۳). کلمه گاتها ازنظر معنی لغوی سرود ترجمه شده این کلمه در صیغه خود (گات) است‌که بزبان پهلوی آنرا (گاس) و درلسان دری (گا) گفته اند. که هم ظرف زمان هم ظرف مکان و هم‌به معنی اهنگ‌موسیقی موارد استعمال دارد و (ملك الشعرا بهار) با ستناد قدامت گات ها عقیده دارد که قدیمترین کلام که از آریایی ها بدست ما رسیده همانا سخنان زردشت است که درسرود های دینی گات ها مندرج ومندمج می باشد (۴) .

طوریکه در صفحات گذشته تذ کاریافت که اوستا باختری در اثر حوادث ورو یداد های تاریخی بسر نوشت نابودی و فقدان مساب گر د ید و قر ن ها پس از ان روحا نیون زرد شتی به تشویق (ولخش اول) موسس دود مان اشکانی فارس برای فراهم آوری اوستا دست بکار شدند وتا اندازه ای به پیروزی نایل آمدند. که اوستای موجوده شا هد تلاش های پیگیر ایشان است.

اما گرد آوری اوستا دریك قرن یایك‌زمان معین صورت نگرفته بلکه از بدو اقدام

(۱) -ص ۱۲۵ مزد سنا و تاثیران در ادبیات فارسی -تالیف داکتر محمدمعین.

(۲) -ص ۹۹ تاریخ ادبیات ایران جلال الدین همایی .

(۳) - ص ۴۶ افغانستان در پرتوی تشریح - تالیف احمدعلی کهزاد.

(۴) - ص ۳۰ج۱ سبك شنا سی ملك الشعراء ابهار.

تازمان شاپور اول و یادوم ساسانی این کار متداوم جریان داشت که اکنون قطعات مختلف اوستا را توام با ازمنه گرد اوری آن در ذیل تذکر می دهیم.

۱- ۱۷ فصل گاتها از مجموع بستاقبل از هخا منشی بوده و تاریخ تدوین ان‌بین قرن ۱۱ و قرن ۶ ق.م. می باشد

۲- یشت ۱۰ -یشت ۳۳ -یشت ۱۹که تاریخ تدوین آنهاعهد ماقبل هخا منشی یا عهد اول هخا منشی است .

۳- یشت ۵ «پیش از ۴۰۴ق.م» ویشت ۱۷الی‌یشت ۸- یشت ۱۴-یشت ۹و۱۱-یشت ۵۷- یشت - ۱۵ بند های ۶- ۳۷که تاریخ تدوین اینها عهد هخا منشی محتملا قرن چهارم ..ق.م. است.

۴- وندیدا - در حدود ۱۴۷ ق.م‌و یشت ۹ درحدود قرن اول میلادی در عهد اشکانیا ن.

۵- یشت ۱۶ درعهد اشکانی یا متاخر از ان تدوین شده است .

۶-خرده اوستا .در عهد شاپور دوم ۳۰۹- ۳۷۰ میلادی (۱).

اما احمد علی کهزاد در گرد اری اوستا از شاهان ساسانی علی الرغم (ار دشیر) تنها از شاپور اول (۲۴۱ - ۲۷۲ ق) نام برده است و معتقد است که به اثردستور موصوف علما از آثار فلسفی و نجومی یونان قدیم تراجمی را آماده کرده داخل اوستا کرده اند (۲) بنابرین باید گفت که اوستای مو جوده اصالت خودرا دراثر تثبیت بعضی از رو حانیون تا اندازه از دست داده است ازآنروست که به قسمت گاتها علما ومحققین بیشتر نسبت به‌سایر بخش های آن بذل توجه کرده وآنرا مورد پژو هش خود قرارمی دهند .

گرچه نسبت به روحیه این رساله که اساس ان مبنی بر موجز نگاری گذاشته شده است لازم نبود که اینقدر در پیرامون اوستا مفصل صحبت نماییم -اما ارتباط اوستا به تاریخ وفرهنگ کشور ما زمینه‌را بیشتر دراین مورد مساعد کرده- زیرا اوستا علی الرغم آنکه بعضی اصالت بلخی بودن آنرا انکار کرده اند بازهم از مفاخر تاریخی وسنن باستانی کشور عزیز ونهایت شکو همند ما(افغانستان) محسوب میشود و این یك حقیقت مبرهن و اشکارا است کسا نیکه می خواهند این واقعیت روشن را انکار کنند تلاش مذبوحانه کرده وخودرا در زباله دان تاریخ پرتاب می نمایند.

(باقیدارد)

(۱) ص ۱۴۸ -مزد یسنا و تاثیر آن در ادبیات فارسی تالیف داکتر محمد معین .

(۲) ص ۱۹۸ -تاریخ قدیم افغانستان علی احمد کهزاد .

ketabton.com - The Digital Library

# بجواب نامه های شما

سلام دوستا ن:

این هفه نامه های زیاد ی ا ز دوستان وعلا قمندا ن ژوندو ن – دریافت کرده ایم.. نامه ها بیکه برای کار کنا ن ژوندو ن ما یه تشویق است و دلگرم ی درکارها، زیرا هر قدر به تعداد نامه های‌شما خوانندگا ن افزود میگردد دال‌بر این است که ژوندو ن خوا ننده گان وعلاقمند زیاد دارد .

خوب حالا سر مکا تیب رسیده رامیگشا یم تا ببینم دوستا ن چه نظریاتی برای مجله شا ن دارندو چه‌سوا لهای ازما پر سیده اند.

**نباغلی م خروش ا زاند خوی :**

پس از سلام و اظهار امتنا نولطف بیکران می نویسند: مجله محبو ب خانواده ها دراین آوا خر با نشر مضا مین و مطالب مفید به‌خوانندگان خود افزوده است‌بخصوص که‌ازچندی به اینطرف صفحه بجواب نامه های شما درین مجله باز گردید ه‌که عده‌زیاد آ رزو داشتند چنین صفحه درمجله داشته باشند . حا لا چند پیشنهاد ی دارم امیدکه‌در صورت امکان عملی گر دد.

۱ـ اگر چه مقا لا تی در صفحه اختصا صی زن به منا سبت سال بین المللی زن نشر میشود اگر در پهلو ی آن صفحه‌ای‌دیگری درخصوص معرفی‌چهره های‌درخشان زنان معاصر کشور و جهان باز گردد خو ب است .

۲ـ آیا بغیر از سوالا ت مربوط به مجله بسایر سوا لات نیزپاسخ داده می گردد .

۳ـاگر امکان داشته باشد – متصدی صفحه های اختصا صی ژوندو ن را معر فی وعکس هایشانرا چا پ کنید چه بسیاری از خوانندگان علاقه دارد تا آنها را بشنا سند .

**دوست‌عزیز نباغلی خر وش**

باید خد مت شما عر ض کنیم‌که مجله ژوندو ن سه صفحه‌اخصاصی برای زنان دارد که یك صفحه آن مربوط می‌شود به سال بین ا لمللی زن، درین صفحه تابحا ل سعی شده است تمام فعا لیت های‌زنان که‌به مناسبت سال بین المللی زن‌در داخل وخار ج انجام یا فته نشر گردد. بهمین ترتیب در دو صفحه اختصاصی «شخصیت زن در آیینه مطبوعات» همانطوریکه شما پیشنهاد کرده اید چهره از زنان معاصر وگذشته کشور و جهان – معرفی گردیده است که باز شدن صفحه اختصا صی دیگر برای این مامول اضا فی بر نظر میرسد .

–مادر نخستین هفته ایکه‌صفحه بجواب نامه های شما در مجله گشایش یافت بحیث مقد مه نوشتیم که‌به هر گونه سوالا ت جوا ب – گفته می شود .

–درحال حاضر تصمیم ندا ریم متصدی صفحا ت ا ختصا صی ژوندون را معرفی‌کنیم‌زیراعکس های کارکنان ژوندو ن‌که اکثرا صفحات اختصا صی مجله را کار میکنندبه طور جسته و گریخته در لا بلای راپور هاونو شته هایشا ن چاپ شده است. باامید همکاری و – موفقیت شما .

**نباغلی محمد قاسم کبیر**

ازمکتب حبیبیه می پرسند که ژوندون در کدام سال تا سیس شده است ؟

دوست ارجمند هما ن ضر ب المثل مشهور در مورد سوا ل‌شما خو ب صدق میکند که ( آب د ر کوزه و من گردجهان‌میگردم ) –

**پیغله فهمیه پ از شهر نو:**

نوشته اند که زمانی در مجله ژوندو ن پیرامو ن مشکلا ت‌خانواده هاوپرابلمها ی جوانا ن صفحا ت‌به نشر میرسید ومیز های مدوردایر میشد ، که این صفحا ت‌به سوال هاخواسته ها در د ها و مشکلات بسیاری از مردم جوا ب میگفت. حالا من مشکلی دار م از همین مشکلاتی که دا منگیر بسیاری جوانان به سن وسا ل من میشود. اگر من این مشکل ودردخودرابامجنه ژوندون‌بمیان بگذ ارم ، شما مرا رهنمایی خواهید کرد ؟

بجواب خواهر مان پیغله پ‌باید گفته آید که هم اکنون در مجله ژوندون صفحه داریم که‌به سوالات جوانان و مشکلات آنها جواب می گوید واین صفحه« قصه از غصه ها » است . شما قصه تانرابا مان در میان بگذارید واز متصد ی ا ین صفحه جواب بخواهید . جوابیکه شاید به درد بخور و مفید باشد.

**نباغلی نیاز محمد :**

یکی از دوستا ن دیگر ما هستند این رفیق بنابه گفته خودش‌بر سر دو را هی گیر کرده است.او طی‌نامه بلند بالا یی از ما خواسته است که کدام راه را انتخاب کند.

نظر ماایننست‌که این رفیق‌برهردوراه نگاه کند و خوب عمیق نگاه کند که در برابرش سرا ب می بیندویاراه روشن . اگر را هی را روشن یافت همان راه برود واگر متوجه‌شدکه سراب است . خیالا تی شده‌است ودر بند فریب وهو س است .که درینصور ت خو ب است به عقب بر گردد وهما ن زند گی‌گذشته‌را ترجیح دهد .

**نباغلی هما یو ن شادما ن:**

طی نامه می نو یسند که برای بهتر شد ن مجله از آ ر تیست‌هاو نقاشان در خواست کنیدکه‌درقسمت تزیین وصفحا ت ژوندو ن همکاری کنند.

**دوست‌عزیز آقای شادما ن :**

البته این آرزو مند ی ما ست‌تا هنر مندان و بخصو ص کسا نیکه در رشته دیزاین مجله دستر س داشته باشد باما همکار ی کند.در حال حاضر یکی از آ رتیست های خوب، با ما همکاری دارد و لی این همکاری دایمی نیست . عرض شود که اصولا هر مجله باید یکنفر آرتیست یا مد یر آرت داشته‌باشد که‌فعلا مجله با همچو یك کمبود مواجه است . شا دما ن باشید.

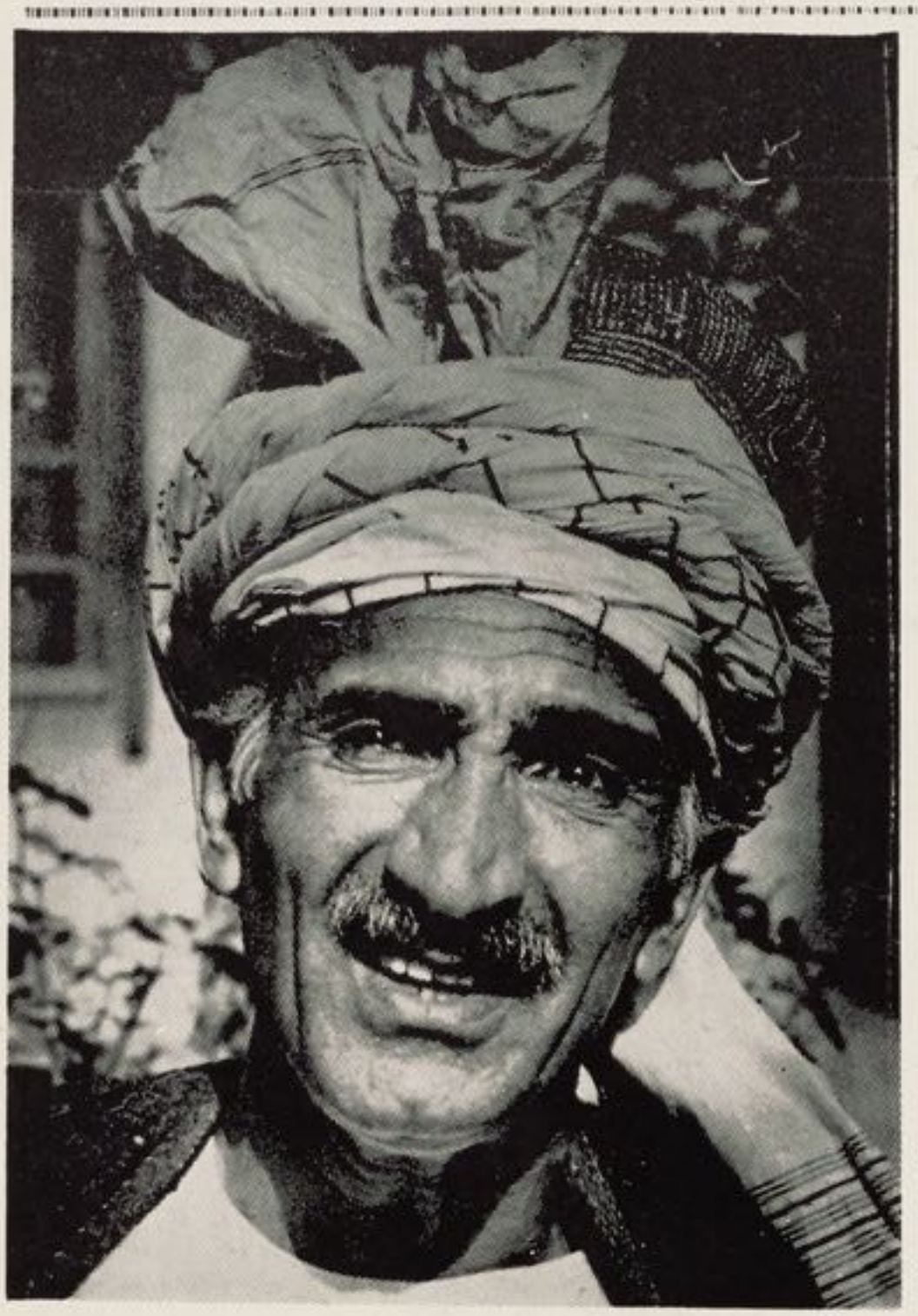

**نباغلی محمد ابراهیم نسیم‌خواننده‌وهنرمند سابقه دار کشور**

صفحه ٦٣

ketabton.com - The Digital Library

## Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

**www.ketabton.com**

*Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English*